

کارگران جهان متحد شوید!

# بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ بهای ۳۰ ریال



خجسته باد اول

ماه مه

روز همبستگی جهانی کارگران!

صد و یازدهمین سال تولد  
ولادیمیر ایلیچ لنین :



لنین: آموزگار کبیر پرولتاریا  
لنینیسم: ستاره راهنمای  
انقلاب سوسیالیستی  
صفحه ۱۱

## مبارزات طبقه کارگر در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی

صفحه ۱۸

روشنفکران

و جنبش کمونیستی

صفحه ۲۱



دانشگاه تهران: مقاومت دلاورانه و خونین دانشجویان  
انقلابی در اول اردیبهشت ۵۹

## سرمقاله

ضرورت اتحاد عمل  
انقلابی در پرپایی  
چشم اول ماه مه

چشم اول ماه مه فرا میرسد. روز اول ماه مه روز جهانی کارگران در نیزد علیه سرمایه داری است در این روز نیروهای کمونیست و انقلابی میبایست با ایحادیک اتحاد عمل نیرومند، آلترنا تیبو انقلابی را در برابر برهد و جناح رژیم ووزو بیونیستها ارا که نمایند و توده ها را بگردان به مبارزه فرا خوانند. این اتحاد عمل بویژه اتحاد عمل کمونیستها در شرایط کنونی که یک آلترنا تیبو نیرومند انقلابی مستقل وجود ندارد تا توده ها بگردان جمع شوند، از ضرورتی حیاتی برخوردار است. ما میگوئیم با توضیح مختصرا بین ضرورت بویژه در شرایط کنونی، با تمایلات سکتاریستی که بدون درک شرایط سیاسی حاضر خواهد منافع خود را بر منافع جنبش انقلابی خلق مقدم بشمارد، بیه مقابله برخیزیم.

بقیه در صفحه ۲

رژیم جمهوری اسلامی  
۶۰۰ خانه زحمتکشانش  
"گرمدره" را ویران کرد!

توده های ستمدیده ماکه هنوز خانه خرابی خود توسط مزدوران رژیم شاه را آباد نکرده اند. و امروز شاهد خراب شدن خانه های خود توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی میباشند. در ۲۷ فروردین پاسداران جنایتکار با جرتقیل و بولدوز شروع به تخریب خانه های مردم "گرمدره" نمودند. در مقابل این اقدام خائسانه توده های ستمدیده دست به مقاومت زده و با سنگ و با شعار "مرگ سرباسدار" به پاسداران حمله کردند. اما پاسداران باشلیک هوائی و پرتاب گاشک آوریه مردم جمله بقیه در صفحه ۲۹

## حماسه مقاومت اول اردیبهشت ۵۹ و سازمانهای سیاسی

صفحه ۲۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سرمقاله

بقیه از صفحه ۱

شرایط سیاسی حاضر، شرایطی است که توده ها هر روز از رژیم جمهوری اسلامی و بویژه جناح حزبی آن بریده می بزنند، اما بدلیل فسادان یک آلترنا تیو نیرو مندا انقلابی مستقل، عمدتاً دنباله رویی بر آنها شده و آنها را "آزادخواه" تلقی مینمایند و در اذهان متوهم خود بینی صدر را "چاره ساز" بحران کنونی بنفع توده ها ارزیابی میکنند. این بدان معنی است که هرگاه قطب نیرو مندا انقلابی وجود داشته باشد، توده های کنده شده از رژیم، در متن اوضاع عینی جنبش پیش رونده توده ای، به گردا بین آلترنا تیو جمع شده و به پشتیبانی همه جانبه از آن برخوانند خاست. از طرف دیگر نیروی دمکراتی نظیر مجاهدین به لحاظ نزولات خرد بورژوازی خود و فقدان یک آلترنا تیو نیرو مندا پرولتری به سوی لیبرالها روان گشته و به هموشی "تاکتیک" با آنها پرداخته است. درگنا رچنین اوضاع بفرنجی، تلاش رویزیونیستهای اکثریت و توده ای برای فشرده تر نمودن صفوف خود به منظور حفظ حاکمیت رژیم و افزودن توهم توده ها و پاشیدن سموم ایدئولوژیک - سیاسی خود در بین نیروهای انقلابی و کمونیست در خورتوجه است. نیروهای انقلابی و کمونیست میبایست به منظور منفرد کردن این خاشین نیز بسروزی ایجا د آلترنا تیو انقلابی تکیه و رزند.

در چنین شرایطی برای دستیابی به اهداف فوق، برای ارائه آلترنا تیو نیرو مندا انقلابی مستقل برای توده ها در اول ماه مه بهی برای ایزوله نمودن رویزیونیستها، برای جذب مجاهدین بسوی دمکراتسیم پیگیر، اتحاد عمل نیروهای کمونیست و انقلابی از اولویت خاصی برخوردار است. امروز جنبش کمونیستی در تشتت و تفرقه بسر میبرد. این تشتت و تفرقه با شناسه آشیلی برای جنبش چپ است که باعث میگردد، رژیم حاکمیت خود را هر چه بیشتر تداوم بخشیده، رویزیونیستها میدان عمل را برای ضربه زدن به پرولتاریا و انقلاب با تردیده و مجاهدین نیز به هموشی خود با لیبرالها همچنان اصرار و رزند. بنا بر این برای پیشرفت انقلاب باید بن بست کنونی را شکست و با تمام قدرت در ارائه آلترنا تیو کمونیستی و انقلابی کوشید. بسدون درک موقعیت خطیر کنونی، بدون درک ضرورت و نقش اتحاد عمل نیروهای انقلابی و کمونیستی در تان اهداف مورد نظر، هر نوع استدلال توجیه گرایانه ای جز عبارت پردازی بوج که عملاً بسود بورژوازی و به زیان پرولتاریا و انقلاب تمام میشود، معنای دیگری ندارد. اما اگر بپذیریم که اتحاد عمل یک ضرورت میرماست و خودداری از اتحاد عمل مشخص و تلاش برای انجام حرکت های مستقل در تمامی شرایط، سکتاریستی بوده و عملاً رویزیونیستها و

بورژوازی حاکم را از اینکه تلاشی آگاهانه در جهت متمرکز نمودن نیروهای چپ و انقلابی بعمل نمی آید، شاد میکند. پس می بایست مقتضیات این اتحاد عمل را ایجا نمود. در اینجا باید با دودرک راستروانه و چپ روانه از مساله مقتضیات اتحاد عمل مرز بندی نمود. درک راستروانه شرایط و مقتضیات تا مین یک اتحاد عمل را برای جلب صفوف نیروهای چپ بیشتر چنان با شین می آورد که عملاً پلانفرم آن فاقد مضمون انقلابی میشود. محتوای پلانفرم در مقابل رژیم حاکم باید بصورتی باشد که مضمون دمکراتیک - فدا مپریالیستی و عبارت دیگر مضمون انقلابی خویش را از دست ندهد. هر نوع نگرشی که مسئله مضمون سیاسی - انقلابی پلانفرم که در مرز بندی با رژیم فدا انقلابی حاکم و رویزیونیستهای فدا انقلابی مانده حزب توده و اکثریت ".... مشخص میشود، را نا دیده انگارد و برای جلب همکاری حاضر به گذشت از سیاست انقلابی گردد، جزا زشکاری و رفرمیسم چپ دیگری را بنمایش نمی گذارد. از طرف دیگر هیچ اتحاد عملی نباید تا فی اصول و مبانی مورد اعتقاد دو خط و مثنی نیروهای شرکت کننده در آن اتحاد عمل باشد و گرنه بهی برنسیبی و اصول فروشی دچار خواهیم گشت. متقلاً بلا درک چپروانه ای وجود داشته که اتحاد عمل را بسدون کوچکترین اعتظاف گذشت و سازش تا کتیک در شرایط معین تحقق پذیر میداند. چنین درکی میکوشد تا کلیه مواضع یک گروه را الزام د اتحاد عمل بگنجانند. چنین درکی هرگز قادر نخواهد بود به اتحاد عمل دست یابد.

اتحاد عمل در حقیقت با نقطه نظرات رزمنده و مشترک مورد تائید طرفین - در صورتیکه ایسن مخرج مشترک "خطت انقلابی خود را حفظ نماید - نمیتواند تحقق پذیرد. طبیعتاً هر نیروی خواهی هاد کوشید تا بطرق گوناگون، بی آنکه مبنای

خطاب به رفقای سازمان:

رفقا! برگزاری مراسم در روز اول ماه مه بطور سراسری یک ضرورت جدی و امری سازمانی است. بدین لحاظ این مراسم در هر جا و به هر شکل بایستی برگزار شود. در این رابطه دو نکته قابل توجه است:

- ۱- از دیدگاه سازمان شکل محوری و مرکزی برگزاری مراسم، تظاهرات خیابانی است - ۲۰ -
- ۲- هر چه شکل مرکزی مراسم، تظاهرات خیابانی است، لیکن بهیچوجه دمگن نبوده و رفقای میبایست با توجه به شرایط و موقعیت مشخصی که در هر منطقه شهری و شهرستان وجود دارد، تحت شکل مناسب به اجرای مراسم بپردازند.

موفق باشید!

سیاسی - ایدئولوژیک طرف مقابل را مورد نفی قرار دهد، آنرا ارتقاء داده و به مواضع خویش نزدیک نماید. این امر ایده آلی است که در یک اتحاد عمل کاملاً مطلوب نمیتواند بدست آید. اما چنین مطلوبی هرگز نمیتواند شرط قرار گیرد. در نظر رژیم که مثلاً رهبری پرولتاریا در جبهه متحد فدا مپریالیستی ضرورت حتمی و قطعی پیروزی انقلاب است. اما هرگز هیچ کمونیستی نمیتواند شرکت خود را در جبهه موکول به پذیرفتن رهبری از سوی سایر نیروها بنمایند. هر نیروی میبایست بکوشد تا در جریان مبارزه، شایستگی رهبری خود را نشان داده، هموشی عملی خود را اعمال کند. بدین ترتیب تا مین رهبری هر نیروی از پیش نمیتواند شرط ورود در جبهه قرار گیرد. چه با یک نیرو مثلاً پرولتاریا نتواند رهبری عملی خویش را بر جبهه اعمال کند، اما ایسن هرگز به معنی عدم شرکت در جبهه و عدم تلاش برای تحقق این امر ضروری نخواهد بود.

اتحاد عمل همواره در بر دارنده نوعی سازش خواهد بود. اما این سازش، سازشی است تا کتیک و نه سازش در اصول اتحاد پرولتاریا و خرده بورژوازی انقلابی بر علیه دشمن مشترک. فا من طرح بر نامه حد اقل و نه حد اکثر پرولتاریا است. پرولتاریا نمیتواند به حوال حد اکثر مواضع خود به اتحاد عمل و هموشی با خرده بورژوازی در طی مرحله انقلاب دمکراتیک بپردازد. از اینرو به سازش موقتی و مشروط بر علیه دشمن مشترک دست میزنند و در دوره ای بجای طرح بر نامه حد اکثر خود، حوال بر نامه حد اقل میکوشد تا نزدیکترین راه عملی را برای وصول به بر نامه حد اکثر ببیند. درک چپروانه، در پس پسرده عبارت پردازی انقلابی، اگر چه در حرف خواهان تحقق حد اکثر بر نامه پرولتاریا است، اما در عمل با شناسختن راه های وصول به آن که طبیعتاً سرشار از سازشهای موقت، انعطاف و نرمش و... خواهد بود، تحقق بر نامه حد اکثر خویش را در حد

یک رویای شیرین و افسانه ای دست نیافتنی باقی نگاه خواهد داشت. بدین ترتیب در یک اتحاد عمل، اگر چه ممکن است نتوانیم مطلوبترین حالت ممکنه را بدست آوریم و اگر چه ممکن است به حوال پلانفرمی که مجموعه مواضع ما را منعکس ننماید، نتوانیم گرد آسیم و ناگزیر از انعطاف و نرمش گردیم، اما این بهیچوجه بدان معنی نیست که ما اصول فروشی نموده ایم چرا که بین نرمش و اصول فروشی اختلاف عمیقی وجود دارد. نرمش بدان معنی است که طرفین از طرح برخی خواسته ها و نظرات مورد اختلاف برای دستیابی به اتحاد خودداری و رزند، اما اصول فروشی بدان معنی است که نیروی پلانفرمی را امضاء نماید که تا فی مواضع اصولی او باشد. بر اساس آنچه گفته شد، ما معتقدیم که ضرورت

بقیه در صفحه ۲۸

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# جنبش کارگری



## اعتصاب و تحصن پیروزمند کارگران گمرک جنوب

در روز دوشنبه ۵۹/۱۲/۲۵ حدود ۸۰ تن از کارگران گمرک جنوب برای تحقق خواسته‌های برحقشان دست به اعتصاب زده و انبارها و محوطه تخلیه کالاها را ترک گفته و در سالن ادا رهنه تحصن میشوند. خواسته‌های آنها از جمله عبارت بود از پرداخت عیدی و پاداش پایان سال، "نما بنده رسمی" کارگران برای آنکه این حرکت انقلابی را متوقف سازد، عوا مفریبا نه خطاب به کارگران گفت "به سرکارها یتان بروید، چون موقعیست جنگی است و ضدا انقلاب سوء استفاده میکند". اما مفریبا اعتراض کارگران، مبارز او را میخکوب ساخت. کارگران می گفتند: تو نما بنده ما نیستی اگر جنگ است برای همه هست، پس چرا یکی از بچه‌های بازاری ها و سرما بدها رها به جیبه نمیروند؟! حالا چرا مدیرکل نمی آید چرخ دستی بکشد. اگر یک روز آمد آنوقت می فهمد کارگران چه میکنند "کارگری از گرانای ارزاق صحبت کرد و گفت "تا ما در سوراخا یمان بمانیم، اینها به ما اجاف میکنند، ما ید بیرون بیا شیم و حقمان را بگیریم" هر یک اعتراض خود را بطریقی بیان می کردند در اثر مفاومت کارگران مبارز که تا ساعت ۱۲ طول کشید، از سوی دفتر تبلیغات اما میک حجت الاسلام به گمرک آمد تا شاید عوا مفریبا بتواند کارگران را از تصمیم فاطماتشان بازدارد. اما کارگران مبارز با فشاری بر روی خواسته‌های خود توانستند عمال رژیم را به عقب نشینی وادار کرده و بخشی از خواسته‌های خود (پرداخت عیدی) را به کرسی بنشانند. فردای آن روز عیدی کارگران پرداخت شد. آنکه کارگران نما بندگانی از میان خود انتخاب کردند تا برای دریافت پاداش پایان سال همچنان به مبارزه خود ادامه بدهند.

## پیروزی کارگران "ایران یاسا" در گرفتن پاداش

روز ۱۵ فروردین که اولین روز کار در سال جدید بود، با اعتصاب متحد و یکپارچه کارگران مواجه گردید. مدیران پاداش کارگران را به "قرض الحسنه" تفهیر داده و با آن موافقت می کنند. اما کارگران که با این همه بیشرمی مدیران کارخانه مواجه میشوند، خشمگین شده و در ساختمان اداری اجتماع میکنند. آنها خواهان پاسخ فوری مدیران به خواسته‌شان میشوند. بدین ترتیب زما ینکه نوکران سرما به با رازده استوار کارگران مواجه میشوند، با طریق شوری قلبی کارخانه اعلام میکنند که مدیران با خواست کارگران موافقت کرده اند و پول فردا پرداخت میشود. آن روز کارگران بسرکار نمیروند. روز بعد کارگران با حیل و کثیف دیگری از جانب مدیران "مکتبی" رژیم مواجه میشوند. آنها جلوی پرداخت پول را گرفته بودند. کارگران مجددا اجتماع میکنند و بعد از آنکه شورا را وادار به دادن تفهید نسبت به پرداخت پاداش میکنند، رفته روز بعد بسرکار نمیروند تا اینکه سرانجام بعد از حیل و گریه‌های بسیار مدیران و شوری شدکارگری، حق خود را روز ۱/۱۸ دریافت میکنند.

قبل از عید کارگران کارخانه ایران یاسا با مراجعات متعدده به "شورا" خواهان پرداخت بود و عیدی بودند، تا اینکه بعد از صحبت‌های زیاد با مدیران "مکتبی" قرار شد علاوه بر دو ماه عیدی با نیت تولید که نسبت به گذشته چند برابر برآورد شده بود، مبلغ ۳۰۰۰ تومان نیز به هر کارگری پرداخت شود و مهلت پرداخت هم روز ۲۷ اسفند تعیین شد. اما در این روز خبری نشد و لذا کارگران روز بعد دست از کار کشیدند. مدیران از ترس کارگران از روز چهارشنبه به کارخانه نیا مده بودند و در وزارت کار ماندند. کارگران تا ساعت ۵ بعد از ظهر منتظر ماندند و سپس به خانه میروند تا عید را با دست خالی در کنار فرزندان نشانی بگذرانند. تنها ۵۰ نفر از کارگران شیف ۲ در کارخانه نما بنده بودند که ساعت ۷ بعد از ظهر مدیران به کارخانه میا بندوسی می‌کنند تا پرداخت مبلغ هزار تومان بعنوان "وجه الحسنه" به این عده، هم خواست اصلی کارگران را بخدوش نما بند و هم یکپارچگی کارگران را از بین ببرند ولی عدم قبول کارگران و اعتراضشان به مدیران آمدن مدیران، نیز با این جیره خواران شدکارگری رژیم را به سنگ کوبید!

## از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟

دا روسته حزب جمهوری کا ملا در میان کارگران افشا شده و هیچگونه پایه توده‌ای ندا شدند. کارگر - ان در مبارزاتشان توانسته بودند ۴۰ ساعت کار در هفته را به اجرا گذاشته و مبارزات خود را بر علیه عنا صرفه کارگر در شورا، افشاء ما هیئت انجمن اسلامی، افشاء دزدیهای کلان هیئت مدیره پیش برده و برای گرفتن سود ویژه دست به مبارزه زنند. در چنین شرایطی جنگ ارتجاعی ایران و عراق در میگیرد و رژیم ایران با برآه انداختن تبلیغات و شوونیستی و با سوء استفاده از احساسات وطن پرستانه کارگران، مبارزات آنها را موقتا منحرف کرده و تا مدتی به رکود بکشاند. عمال رژیم در گروه صنعتی، نظیر انجمن های اسلامی به جنب و جوش افتاده و به تشکیل کلاسهای بسیج بقیه در صفحه ۴

ب- رشته کفش سازی - گروه صنعتی کفش ملی؛ این مجتمع تولیدی بین ۱۲ تا ۱۴ هزار نفر کارگر دارد که در ۲۴ شرکت مختلف مستقل از حیث سرویس، رستوران، انظمامات و... کار می کنند. شورای مرکزی کل گروه جمعا از ۴۴ نفر نما بنده شرکت های مختلف تشکیل میشود و هر شرکت نیز خود شورای مستقلی دارد. اکثریت نما بندگان شورا وابسته به رژیم و سازندگانند و تنها اقلیتی از افراد مبارز و مترقی در آن وجود دارد.

قبل از جنگ، توهم کارگران نسبت به رژیم شدیداً فرو ریخته بود و تنها بنی صحرایی عوام فریبی - های "آزادخواهانهاش" توانسته بودند تا حدودی توهم جدیدی را در میان کارگران دامن بزنند. انجمنهای اسلامی، این مراکز جاسوسی

## خبری از صنایع دفاع

بدنبال اقدامات تشویق مهندسان و افسران مجتمع شیمیائی پارچین (از محتملترین صنایع دفاع) از سوی مدیریت این واحد "سرهنگ دبیری اسکویی"، پرسنل زحمتکش درجات پائین در روز ۶۰/۱/۱۸ دست به کمکاری و اعتصاب غیر-مشکل زدند. اگر چه در این مجتمع خطرناکترین و سنگین ترین کارها از جمله ساختن مواد منفجره بردوش پرسنل زحمتکش میباشد، اما در مقابل آنها از کمترین حقوق برخوردار هستند. عمال رژیم در این مجتمع از سوئی شیرجان این

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

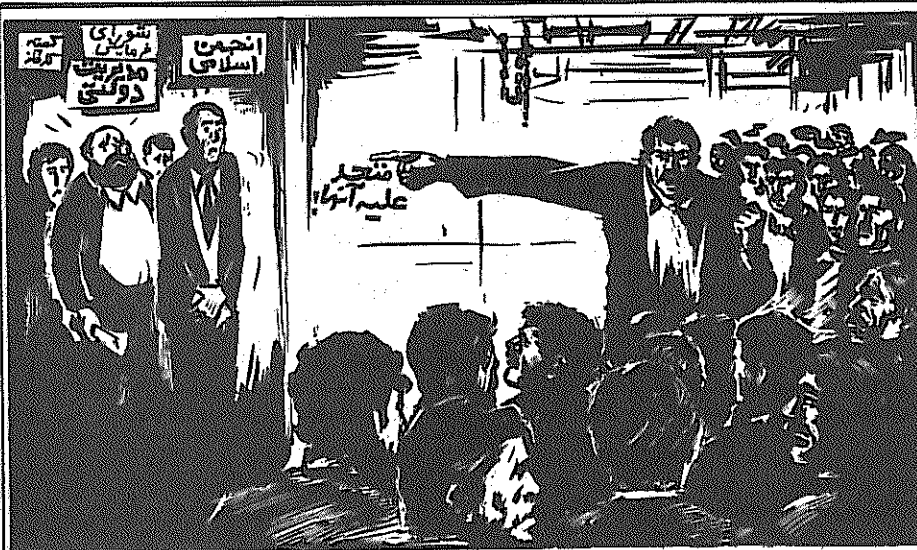
# جنبش کارگری

زحمتکشان را می‌مکند و بیشترین فشارها و تضیقات را در مورد آنها اعمال میکنند، و از سوی دیگر با تقدیر از مهندسان و افسران، بی‌کوشند. با تفرقه اندازی در میان آنها، بیشتر بی‌استفاده را ببرند. هنگامیکه سرهنگ اسکوتی اساسی تشویق شدگان را قرائت میکرد، پرسنل زحمتکش معترضان را می‌هجو کرده و حتی عده‌ای بطرف وی هجوم بردند. او که وضع را نامناسب دید پرسنل را به صبر و بردباری دعوت نمود و اینکه نباید بدخیاقت (بخوان کم‌کاری) کرد، بلکه باید در راه خدا کار کرد. سپس "وا عظمی" مرتجع آخوندکار خانه و رئیس سیاسی-ایدئولوژیک آنها گفتن چندملوات و دادن وعده رسیدگی به شکایات کارکنان زحمتکش، خواست سروسه قضیه را هم بیاورد. اما او هم نتوانست کاری از پیش ببرد و بالاخره با توافق سرهنگ اسکوتی به ساختمان مرکزی رفت این حرکت اعتراضی بعلت عدم آگاهی پرسنل و نبود حداقل تشکل در همین سطح باقی ماند. اما چون از تاریخ ۶۰/۱/۱۶ ساعت کار روزانه یکساعت اضافه و تعطیل پنجشنبه‌ها هم حذف شده است، حرکات اعتراضی پراکنده‌ای صورت می‌گیرد. در این میان "شورای کارکنان صنایع دفاع" دست در دست مدیریت مرتجع سرهنگ اشکوری سابق (دکتر مهندس اشکوری فعلی!) از سوی فعالان در پی شکا پرستل انقلابی و مبارزه بوده و از سوی دیگر به اجافات و تضیقات علیه پرسنل زحمتکش ادا می‌دهند.

## بقیه از صفحه ۳

آموزش نظامی و ایدئولوژیک پرداختند. آنها از فرصت استفاده کرده و تبلیغات فزاینده‌ای علیه کارگران انقلابی و کمونیست برپا نهادند. همچنین شرایط مساعدی بوجود آمد تا مدیریت انجمن اسلامی، نمایندگان خائن شوراها و سایر مزدوران سرمایه، فشارها را شدید کرده و به درجه استشاران بیا فزایند. مقررات شدید انضباطی برای اجرای ساعات کار رعایت شده و جوخقان برکات خانه کامیاب می‌شود. چند کارگر مبارز نیز بعلت فعالیت‌های افشاگرانه و پخش اعلامیه خراج ویا به شرکت‌های دیگر منتقل می‌شوند.

با اجرای مقررات خاموشی قسمتی‌هایی که سه شیفته بودند، شیفت کار می‌کنند و برای بالا بردن تولید مدیریت تصمیم به تغییر ساعات کار و کار در روزهای پنجشنبه می‌گیرد. که بر اثر مخالفت و اعتراض کارگران این تصمیم را لغو می‌کند. همچنین کارگران به سرکردن اجباری



و اعتراض به طرح دولت در کارخانه مطرح می‌شود این مبارزات ابتدا به شکل پراکنده و سپس به شکل یکپارچه و متحدانه اوج می‌گیرند. کم‌کاری به جلوگیری از خروج محصولات و سرانجام به تحمیل و راهپیمایی و اعتصاب کشیده می‌شود. چندین هزار کارگر گروه صنعتی گفش ملی به مبارزه با شکوه ترعلیه رژیم سرمایه‌داری حاکم دست زده پشت ارتجاع را بلرز می‌اندازند. در جریان اعتراضات ۹ نفر از نمایندگان نشان توسط پاسداران دستگیر می‌شوند و به دلیل کارگران ۵ نفر از اعضای هیئت مدیره را متقابلاً به گروگان می‌گیرند. رژیم وحشیانه به سرکوب کارگران متحصن پرداخته و بسیاری را مجروح و مضروب می‌کند. اما کارگران دلاورانه به مقاومت خود ادامه می‌دهند. اما بسیاری از کارگران مبارز در این جریان دستگیر می‌شوند. بدین ترتیب شاهدیم که چگونه با فروپاشی توهمات کارگران نسبت به جنگ ارتجاعی کنونی، مبارزاتشان اوج می‌گیرد. این مسئله ضرورت کارگران را هکراهی به هر چه بیشتر و زمان‌دهی هر چه سریع‌تر مبارزات خودبخودی کارگران را بعنوان وظیفه تخطی‌ناپذیر کمونیست‌ها مطرح می‌سازد.

(#) - اخبار دقیق این مبارزات در شماره‌های گذشته "پیکار" درج شده‌اند.

## بقیه از صفحه ۳۰ رفیق پیشرو که ...

از وجود مزدوران جمهوری اسلامی بشهادت رسید. وجود چنین کمونیست‌های قهرمان و پیشروهای دلاور است که سبب گشته خلق قهرمان کرد علی‌رغم سرکوب‌ها و کشتارهای رژیم و علی‌رغم سیاست‌های خائنانانه حزب دمکرات همچنان فریاد در می‌آورد که "هرخانه مان سنگری، هر دستمان مسلسل، هر قلبمان نارنجکی و..." با دکان کریم در دل همه توده‌های زحمتکش زنده خواهد ماند!

بیکروز حقوقشان بشفع جبهه‌های جنگ، اعتراض کرده و مانع از اجرای آن می‌شوند.

دوره رکود مبارزات کارگران بیش از سه هفته بعد از جنگ طول نکشید و پس از آن مبارزات کارگران به شکل کم‌وبیش پراکنده و متلا در رابطه با کم‌کردن ساعات کار بعلت حفظ امنیت کارگران در شرایط جنگی، ادا می‌یافت. تا اینکه پس از مدتی ما شاهد اجباری مبارزات کارگران حول خواسته‌هایی چون "حق تولید"، "خارج فوراً" و سود ویژه می‌باشیم.

تلاش‌های مزدوران رژیم نظیر انجمن‌های اسلامی مبتنی بر آوردن مرتجع‌هایی چون "فلسفی" برای صحبت کردن در باره "خیرات جنگ" و یا دعوت از خلخال‌های جلاد برای سخنرانی و پس از آنجا مدین او تلاش‌ها موفقشان برای برگزاری نماز جماعت و ادا کردن کارگران به دادن شعار بنفع خمینی و جنگ، با شکست مواجه گردیدند.

اختلافات درونی رژیم به کارخانه‌های کشیده شد و هیئت مدیره لیبرال بنفع هیئت مدیره "مکتبی" از کار برکنار شد و به عنوان یک قلم‌دهی میلیون تومان دزدی هیئت مدیره قبلی بر ملا شد. بطور کلی قدرت حزبها در کارخانه‌ها افزایش یافت، اما این مسئله تغییری در رشد مبارزات کارگران نداشت. از همان اوایل جنگ، کارگران شرکت استاندارد، برای اخراج فوراً هیئت مدیره دست به اعتراض موفقیت آمیزی زدند. سپس بعد از قطع پرداخت وام کارگران و در عوض پرداخت پاداش به کارمندان عالی‌رتبه، اعتراض کارگران موفق به لغو این حکم‌شده و در بخش کارگران اعمال کنترل بر تولید می‌شوند. همچنین کارگران شرکتی که بوربر برای گرفتن "حق تولید" دست به مبارزه می‌زنند و چون یکی از کارگران توسط کمیته مستقر در کارخانه دستگیر می‌شود، آنها به کمیته حمله ور شده و رفیق خود را آزاد می‌سازند. (#) سرانجام مبارزات نزدیک شدن عید مسئله سود ویژه

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

# خلق ها و مسئله ملی



## توطئه مرتجعین بر علیه پیشمرگان سازمانهای انقلابی در کردستان

کامیاران روستای طاء - ۶۰/۱/۱۹ - هر روز که از عمر جنبش مقاومت می گذارد آگاهان هشر شدن زحمتکشان کردیه متافع خویش و حمایت هر چه بیشترشان از پیشمرگان انقلابی، نیروهای مرتجع و سازشکار را هر چه بیشتر به وحشت می اندازد. کار آگاهان و انقلابی پیشمرگان که هدفشان دفاع از حقوق زحمتکشان میباشد و استقبال و پذیرش توده ها از این اعمال انقلابی مرتجعین را وادار می سازد تا به فکر تفرقه در میان خلق کرد و جدائی بین زحمتکشان و نیروهای انقلابی بیافتند و در این کار از زهیچ جنایت و عمل زشتی رویگردان نباشند. نمونه زیرگویای آشکاریکی از این توطئه ها میباشد که در ارتباط مستقیم با نقشه ها و با سداران صورت گرفته است. این نمونه نشان دهنده یکی از شیوه های معمول ارتجاع حاکم است که با رها با آن روبرو بوده ایم. شیوه ای که میخواهد از طریق فشار بر مردم و ترساندن زحمتکشان و جا شگیری از میان افراد مرتجع، برای رژیم هوادار جمع کرده و پیشمرگه را از حمایت بیدریغ خلق کرد محروم سازد.

شب روز سه شنبه به مناسبت چهلمین روز شهادت سه تن از رفقای ما که در یوگان به دست حزب دمکرات شهید شدند، مراسمی از طرف سازمان ما و با شرکت رفقای کومله و رزمندگان در مسجد با دی "طاء" برگزار میشود. در جریان سخنرانی یکی از پیشمرگان ما، عده ای از هواداران شیخ حبیب الله و حزب دمکرات، ضمن توهین به شهدای نیروهای انقلابی، مراسم را شلوغ کرده و به هم میزنند. بعد از پایان مراسم عده ای از مرتجعین آبادی، در خانه شیخ حبیب الله جمع شده و نقشه حمله به مقراتمانهای انقلابی را میبریزند. آنها برای اجرای چنین کاری عده ای از هواداران خود را شبانه از روستاهای اطراف به "طاء" می آورند. (لازم به توضیح است که شیخ حبیب الله، فردی مالک و مرتجع میباشد. این فرد که در میان زحمتکشان "طاء" با یه ای ندارد با رها به اذیت و آزار آنان پرداخته است. بطوریکه سه سال پیش عده ای از اهالی را مجبور میکنند که در گوشه ای دیگر از آبادی (قسمتهای کناری) خانه بسازند. از زمانی که نیروهای انقلابی در "طاء" فعالیت داشته اند شیخ کاملاً پایگاه خود را از دست داده و این موجب نگرانی اش شده است چرا که بسیاری از

## ضربه سنگین پیشمرگان پیکار به مزدوران ارتشی و پاسدار در کامیاران و منطقه سقز - بانه

توب و خمپاره میکوبید و ۴ فروندهای کویترینز وارد درگیری شدند، پیشمرگان با روحیه ای عالی و با آرامی از محل درگیری بسوی پایگاه های خود عقب نشینی نمودند. در این نبرد دلاوران هیچگونه آسیبی به پیشمرگان نرسید، بعد از عقب نشینی پیشمرگان، نیروهای کمکی دشمن با حمایت هلی کویترتا ساعت ۲ بعد از ظهر اطراف محل درگیری را با سلاحهای مختلف می کوبیدند. که در اثر این عمل جنایتکارانه یک زحمتکش روستائی بشهادت رسید و یک نفر نیز زخمی گردید. مزدوران ارتجاع برای جمع آوری اجساد کشته شدگان و مجروحین و انتقال ماشینهای آسیب دیده، مسافرین جا دهوا هالسی روستاها را برای حفاظت از جان خود به زور به محل درگیری آورده و آنها را سیر خود میشوند. به گفته یکی از مسافرین که شاهد عینی ماجرا بود، تعداد کشته شدگان دشمن بیش از ۱۰ نفر بوده و تعداد زیادی نیز زخمی شده بودند. یکی از کشته شدگان یک جانشینا ی بود. پیشمرگان بعد از این پیروزی به هنگام با زکشت به پایگاه های خویش مورد استقبال گرم مردم روستاهای اطراف قرار گرفتند.

پیشمرگان قهرمان پیکار دسته های شهید طاهرو شهید باقی (ازیل شهید کمال) طی نبردی دلاورانه در جاده سقز - بانه ضربه ای سنگین به نیروهای دشمن وارد آوردند. در روز ۱۳/۱/۱۳۶۰ پس از دو روز کمین گذاری پیشمرگان در دره حمزه قرنیان (بین پایگاههای سیا دروگردنه خان) حدود ساعت ۱۱/۵ صبح ستونی از نیروهای دشمن متشکل از یک لندروور فرماندهی ۴ زیل ارتشی، ۲ اتوبوس حامل افراد ارتشی و بسیج و ۶ کامیون خواروبار، تا نگر جا مل موا د سوختی به محل کمین رسید. ستون مذکور بعد از رسیدن به محل کمین، مواجد با تله های انفجاری پیشمرگان که از سه طرف کار گذاشته شده بودند گردید که منجر به زکرافتادن لندروور فرماندهی و یک زیل ارتشی گردید. بقیه ستون نیز بلافاصله مورد حمله سلاحهای سنگ و نارنجک - انداز پیشمرگان قرار گرفت. در ابتدا افراد دشمن که متشکل از افراد ارتشی، پاسدار و جانش بودند، سرا سیمه و هراسناک از این حمله غافل گیرانه نتوانستند هیچگونه عکس العملی از خود نشان دهند. بعد از حدود یک ساعت کوبیدن آنها، در حالیکه پایگاه "سیا در" منطقه درگیری را با

## اطلاعیه دفتر سید عزالدین حسینی درباره دروغ پراکنی منظم رادیو صدای آمریکا

۱- بخش مطلب مذکور عمده هم زمان و در رابطه با اظهارات صداحسین در رابطه با صلاح اعلام آمادگی رژیم فاشیست بعث جهت کمک به جنبش های داخل ایران از جمله جنبش مقاومت خلقی کرد صورت گرفته است.

۲- مواضع ما مستور ارجع به رژیم بعث عراق، جنگ ارتجاعی حاضر و ضرورت مبارزه با وابستگی در جنبش مقاومت در همه سخنرانینها و اعلامیه های ایشان بخصوص در سیاه دوم بهمن ماه ۵۹ (دووی ربه ندهان) بوضوح بیان گردیده است. ما مستور شیخ عزالدین حسینی هرگونه وابستگی بقیه در صفحه ۶

در چند ماه پیش رادیوی امیریا لیستی صدای آمریکا خبرنا درستی در رابطه ما مستور شیخ عزالدین حسینی در رابطه با شایعه اعلام خود مختاری کردستان بخش کرد که بلافاصله از طرف این دفتر تکذیب گردید (اطلاعیه دفتر سید عزالدین حسینی ۱۲/۱۰/۵۹). این روزها مجدداً رادیو صدای آمریکا دست به دروغ پراکنی های جدیدی از جمله "ملاقات ما مستور با یکی از مقامات نظامی عراق!" زده است.

دفتر سید عزالدین حسینی خبر را قویاً تکذیب کرده و نکات ذیل را به اطلاع هم میهنان مبارز و خلق رزمنده کرد میرساند:

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



مردم در طی این مدت حقوق با پمال شده خود را، از او پس گرفته اند.

بهر صورت صبح فردای آنروز (چهارشنبه ۶۰/۱/۱۹) طرفداران شیخ به همراه عده‌ای از هواداران حزب دمکرات، ابتدا خانه دوتن از پیشمرگان زحمتکش ما را محاصره میکنند که بسا مقاومت پیشمرگان زحمتکش، کاری نمیتوانند بکنند سپس آنها همراه عده‌ای زن و بچه و افرادی آگاه فریب خورده با سنگ و چوب و اسلحه به طرف مقر ما یورش می‌آورند، پیشمرگان ما به علت موقعیت مفروض برای اینکه عده‌ای زن و بچه فریب خورده گشته نشوند، تیراندازی هوشیاری کرده و ضمن تخلیه مقر عقب نشینی میکنند و تمام بلندیهای آبادی را میگیرند بعد از عقب نشینی پیشمرگان آنها وارد مقر شده، شیشه‌ها را می‌شکنند و اموال جزئی پیشمرگان را به غارت می‌برند. در روسته شیخ بعد از تخریب مقر ما بسه طرف مقر رزمندگان میروند که با تیراندازی رفقای رزمندگان و کومله مجبور به عقب نشینی میشوند. در جریان این تیراندازی یک نفر از هواداران کومله بنا مکاک نریمان (۷ ساله) شهید میشود شیخ که شدت از این جریان است ترسیده بود بلافاصله در روسته اش را جمع کرده و از ده فرار میکند.

بعد از رفتن شیخ، پیشمرگان بدهه برگشته با استقبال مردم روبرو میشوند، مقر را دایر کرده و اخطار میکنند که هر چه زودتر افرادی که وسایل مقر را برده اند با بدهه پیشمرگان بازگردانند و در غیر این صورت با عکس العمل شدید روبرو خواهند شد. بهر صورت بعد از این جویات سخت عمده وسایل به مقر برگردانده میشود و بسا نامه با فرستادن افراد مختلف جریان را توضیح میدهند، از جمله اینکه شیخ با زور تهدید مردم را برای حمله به مقر بسیج نموده بوده است، این مسئله را حتی مردم آبادیهای اطراف نیز توضیح میدهند. آنها که خود شدیداً از این حرکت ابراز نافرمانی میکردند توضیحشان این بود که ما می‌ترسیم شیخ خانه‌مان را ویران کند پس اینکه ما را مجبور به کوچ کردن نماید. همه اینها نشان میدهد که عناصر مرتجع با زور و حيله مردم را بسیج کرده بودند.

بعد از ظهر این روز طی جلسه‌ای، نیروهای انقلابی (کومله - یکبار - رزمندگان) تصمیم میگیرند که عده‌ای از عوامل اصلی این واحد را دستگیر کنند، که همین دستگیری دو برابر عوامل اصلی آنها دست به مقاومت زده و گشته میشوند از طرف دیگر مردم روستاهای اطراف سخطا روستای تاهس "سح" را که فرار کرده بود بدروسی خود را هتدیه‌ها را این حرکت شد انقلابی که مستقیماً در خدمت جاش و با دارم -

۶۰/۱/۲۸

اطلاعیه

بخصوص وابستگی و همکاری با رژیم بعث عراق را که دشمن دیرینه خلق کرد است به زیان جنبش دانسته و آنرا اکیداً محکوم نموده است. جنگ ارتجاعی ایران و عراق نیز که اخیراً شدت بیشتری هم یافته، هیچگونه تفسیری در موضع اصولی ما موستانده است. اظهارات صدراعظم حسین بخشی از همین جنگ ارتجاعی است و اگر نه این جلاد خلق کرد که با تفیق شاه‌خاثن قرار داد شوم ۱۹۷۵ الجزایر اامضاء نموده و جنبش حق طلبانه کردستان را به وحشیانه‌ترین شیوه سرکوب کرده و میکند، چگونه میتوانند از جنبشهای حق طلبانه خلقها، بخصوص جنبش مقاومت خلق کرد در کردستان ایران پشتیبانی کنند؟ اینگونه اظهارات پرسروصدا در حقیقت بخاطر آن است که رژیم فدا خلقی جمهوری اسلامی را وادار سازد تا با صلح و سازش ارتجاعی دیگری با لاتفاق برای سرکوب جنبش رشدیابنده ملت کرد قرار داد شوم دیگری امضاء نماید. خلق کرد و نیرو هوساسی انقلابی جنبش مقاومت بخوشی نشان دادند که میتوانند با اتکاء به نیروی خود به دور از هر گونه وابستگی، بیروزی جنبش مقاومت را بر سر سرکوبگران رژیم فدا خلقی جمهوری تاهمیس نمایند.

۳- توجه خلق قهرمان کرد و کلیه آزادیخواهان ایران را به این نکته جلب میکنیم که رادیو امیربنا لیستی عداوت آمریکا با دروغ برانگیزی منظم در مورد جنبش مقاومت خلق کرد آشکارا هدفی جز مخدوش کردن اذهان عمومی نسبت به جنبش عا دلانده ما و ایجاد ترس، بدبینی و تزلزل در وحدت مبارزاتی خلقهای ایران ندارد. اما جنبش خلق کرد، جنبشی است اصیل که این باوه گوییها غشده‌ای برحقانیت آن وارد نخواهد ساخت.

۴- این قبیل تبلیغات امیربنا لیستی عملاً در خدمت رژیم جمهوری اسلامی میباشد و متقابلاً سیاست سرکوبگران رژیم، محاصره نظامی کردستان، برقراری سامور و خفقان تاهمستی در سراسر کشور نیز به بخش‌اشا عا این گونه است. سیاستهای ارتجاعی و امیربنا لیستی کمک می‌نمایند. بدین ترتیب توافق و همدستی امیربنا لیست آمریکا و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در دشمنی با جنبش مقاومت خلق کرد آشکارا تر میگردد.

دفتر سید عزالدین حسینی

۵۹/۱۲/۲۸

با شدت ابراز تنفر میکنند. این واقعه که در ارتباط مستقیم با جاشها و با ساداران صورت میگیرد مثل بسیاری از سوطه‌های دیگر ارتجاع، در فرهنگ و تاریخی رزمندگان و نیروهای انقلابی عظیمی مانده و زحمتکشان با حمایت و تاهمید حرکات انقلابی پیشمرگان را، سراسر زشتیست به شیخ حبیب الله شمس که سگ سردهان توطئه‌گران میزنند.

۶۰/۱/۲۸

بنقیده از صفحه ۲۲ پیرامون

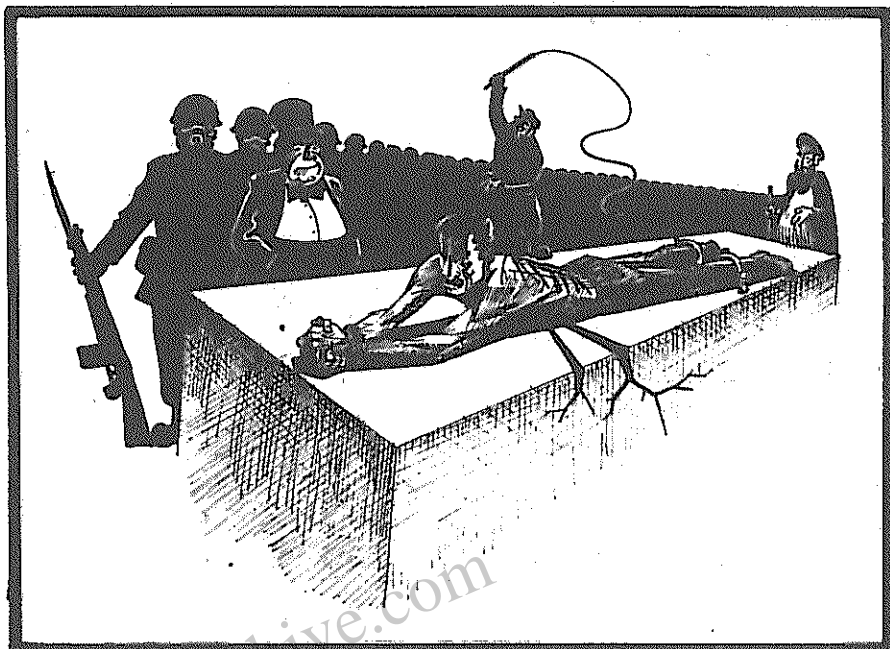
حرکت در آوردن جریحی رنگ زده سرما به داری حاکم باشد به میدان آمده بودند. و این چیزی بود که از نظر لیبرالها در با سازی سرما به داری وابسته و به گردش در آوردن چرخ‌های آن، اخلال ایجاد میکرد. پس از تحقق هدف متضاد سرک اول انگیزه دوم منبای شکلگیری اختلاف میان دو جناح گردید. و از آن پس همواره به یکی از موارد اختلاف دو جناح تبدیل شده است. در طی این مدت همواره لیبرالها به جناح دیگر در جهت باز کردن داندگاهها و بیگار انداختن این نهاد در جهت مطلوب سرما به داری، فشار وارد میکردند.

اکنون پس از گذشت یکسال و در حالیکه تمام تلاش‌های ستاد با صلاح انقلاب فرهنگی در جهت "تغییر نظام آموزشی" به نفع اتوبی‌های ارتجاعی خودشان به شکست و بن انجامیده است، رهبران جمهوری اسلامی از خواب کسران خود سر بلند میکنند و بسا چا ربروا قنعت هسا و ارزش‌های سرما به داری را نه کام کردن میگذرانند. آنها در با قنعتا، در چرخش نظام حاکم، بنیا زمند کارها و نیروهای انسانی متخصص و کارآمد بورژوازی است. آنها بتدریج در می‌یابند که واقعتاً‌های سرما به داری ایران، فراتر از اتوبی‌ها و اوها، ما ارتجاعی و خیال پردازانسه

آنها، خویششان را تحمیل میکنند. آنها در صی - یا بسند که حفظ موجودیت رژیم حاکم و نظام موجود ضرورت با سخگوشی به این نیازها و گردن گذاشتن به داس و اقمیت‌ها را طلب میکنند. به همین دلیل است که اگر در گذشته فریاد میزدند که تا داندگاه از "ایدی شرق و غرب" تمفیه نشود، و تا "نظام آموزشی استعمار ری" دگرگون نشود داندگاهها با زرخوا هتد، امروز پس از شکست تلاش‌ها بیان، و البته پس از تمفیه فدا انقلابی بسیاری از عناصر مبارز، آگاه و آزاد اندیش داندگاهها، بدون آنکه نخبیاز یا سی ای در نظام آموزشی استعماری صورت گرفته باشد، فرمان بازگشتی داندگاه را ما در می‌کنند و با تغییر صد و هشتاد درجه‌ای موقع خود منگویند: "ما ما کید داشتند که با رنگاشی داندگاهها مرحله‌ای انجام می‌گیرد پس از بازگشتی اصلاحات لازم بتفوریت انجام می‌گیرد." (به نقل از سخنان فارسی پس از ملاقات با خمینی

- جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۲ فروردین) یا ری، رژیم جمهوری اسلامی، یکسال پس از کشتار دانشجویان مبارز و انقلابی، تعطیلی داندگاهها و تمفیه عناصر مبارز و انقلابی داندگاهها، به سمت بازگشتی داندگاهها می‌رود تا با شکست این نهاد را مجدداً به خدمت نیازهای ارتجاعی نظام حاکم در آورد و ا لیشه با این خیال که دیگر به محلی برای ورود دانشجویان و داندگاهها مبارز و انقلابی و کانونی جهت روشنگری، آگاه‌های و فعالانیت انقلابی تبدیل نگردد، اما بدون شک علیرغم تمام تلاش‌ها و قید و بندهای ارتجاعی رژیم در جهت این هدف جوا نه - های انقلاب با زهم بتدریج از داندگاه‌سپرون خواهد آورد. این سطق مبارزه طبقاتی است. و رژیم نمیتواند با چنین سطنقی به ستیز در آید. مگر آنکه با زهم داندگاهها را به تعطیلی بکشد!

## شکنجه انقلابیون: مایه افتخار جمهوری اسلامی!



است "جمهوری اسلامی - ۶۵/۱/۲۴)  
از دیدگاه بین ساواکی "مکتبی" ترور  
دومجا هدا سیردرقزوی -  
ورا سر (در همین هفته های اخیر) و ترور کمونیست  
- های قهرمان رفقای بیگراگرما لخی راد و  
نجم الدینی در تبریز و رفیق فدائی جها نگیر  
قلعه میا ندوآب و... پس از شکنجه در زندانها ،  
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، محرومیت  
بیشتر زندانها ن کومنیست - مثلا بیش از ۴۰  
روز در زندان اوین - از شستشو ، حمام و رفیع  
نیازهای روزانه و نداشتن غذا و امکانات  
بهداشتی "افتخار جمهوری اسلامی" است ، شکنجه  
بیگراگر کمونیست رفیق محمود صمدی (بنام سه  
تصدیق پزشکی قانونی) و تیرباران او "افتخار  
جمهوری اسلامی" است ، تجاوزها سدا ران به  
دختران قهرمان کرده در سندهج و تهران "افتخار  
جمهوری اسلامی" است ، سخت کردن توامبا توهین  
زندانیان انقلابی هنگام ملاقات و برای تفتیش  
بدنی آنان "افتخار جمهوری اسلامی" است ،  
زندانی کردن کمونیست ها و انقلابیون پس از  
پایان محکومیت شان "افتخار جمهوری اسلامی"  
است ، جلوگیری از ترده زندانیان انقلابی و  
شرکت آنان در کارهای روزمره زندان (برای  
آزار آنها و محیوس کردنشان در محیط بسته )  
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، سوزاندن بدن  
انقلابیون و نوشتن درود بر خمینی با آتش سیگار  
بریدن یک مجاهد زندانی در شیراز "افتخار  
جمهوری اسلامی" است ، شکنجه روزمره زندانیان  
انقلابی بدست پاسدارانی بنامهای شیراز ،  
بهرام ، حسین ، منصور و نظری در زندان اوین  
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، بهره کشیدن  
شکمیک زندانی انقلابی در شکنجه در شیراز  
"افتخار جمهوری اسلامی" است ، و اگر تمان  
افتخارات این چنینی جمهوری اسلامی را  
بشماریم مینوی هفتاد من کاغذ شود! و با وجود  
این شکنجه و آزارها و ترورهای آشکارا انقلابیون  
و کمونیست ها ، مرتجعسی چون بشارتی ساواکی  
شمره میکشد که : "... با شها مت و شجاعت میگویم  
که در زندانهای جمهوری اسلامی شکنجه نیست " و  
البته شا هدم میآورد : "من از یکی از زندانیان  
پرسیدم آیا شکنجه شده ای؟ گفت با یددست  
مسئولان را بوسید و گفت شب های جمعه یک اطاق  
برای من و خا نواده ام خلوت میکنند " ، او بین  
دست پرورده ساواک که آتنگ بدروغ خسودرا  
تیا بینده مردم "میخواند ، اگر راست میگوید نام  
و نشان این زندانی را هم بدهد ، مردم آگاه به  
خوبی میدانند که در زندانهای جمهوری اسلامی  
هستند مزدورانی چون احمد رضا کریمی خاشن  
ساواکی و همکار "پیشین" شارتی و با زجوی رفیق  
شهید شهرام که بخاطر خوش رقصی ها پیش ملاقاتهای  
"شبا نه" داشت و (شاید هم دارد) و حتما نظایر  
بقیه در صفحه ۸

تحقیقات "کا ملا روشن" است ، به زعم ارتجاع نه  
تنها در زندانها از شکنجه خیری نیست بلکه  
این انقلابیون زندانی هستند که پاسداران  
زندانیان را شکنجه میدهند! (جل الخالق !! )  
(ازما حبه تلویزیونی محمدگیلانی - ۲۳ فروردین  
۶۵) وظا هرا این رژیم جمهوری اسلامی است که  
طلبکاران را آذاب درآمده است ، و بزعم سردسدا ران  
رژیم شکنجه های وحشیانه ای که نمیتوان به  
هیچ وجه گتمان نمود ، نه بدست پاسداران بلکه  
خود انقلابیون صورت گرفته است ، مثلا اگر در  
شیرا زبردن یک هوا دار مجاهد ، جمله "درود بر  
خمینی" را با آتش نوشته اند ، یا بعمل جنایتکار  
انه توسط "خود آنها" صورت گرفته است ! به این  
گفته خمینی توجه کنید : "شما گرفتار جمعیتی  
هستید که خودشان را داغ میکنند تا گردن شما  
بگذارند... بعضی از اینها رفیق خودشان را  
بیهوش میکنند و شکنجه میکنند برای اینکه  
بگویند شکنجه ما دادیم" (دیدار با اعضای  
"دادگاههای انقلاب" ، جمهوری اسلامی ۶۵/۱/۲۰)  
و پس از این دروغهای و قیحا نه علی محمد  
بشارتی چهرمی همکار ساواک در سال ۱۳۵۶  
نما بینده فعلی مجلس شورای اسلامی ، فرد مورد  
اعتماد آیت الله خمینی و نیز عضو "هیئت"  
نا میرده در بالا پس از چندین ماه سکوت  
خاشنا نه در مجلس "به گزارش دهی پرده خت و با  
وقاحتی وصف نا پذیر میگوید : "بخدا قسم مسائلی  
در زندانها جریان دارد که افتخار جمهوری اسلامی

این واقعیت که رژیم وابسته شاه جلا د ، در سایه  
- چالهای دهشتناک ساواک و کمیته ، هزاران  
نفرا ز زندان کمونیست و انقلابی خلق را زیر  
شکنجه های وحشیانه قرار میداد ، بر کسی پوشیده  
نیست ، اما آیا یکبار ریخا طردا رید که شاه جلا د و  
دیگرا عوان و انصارش پذیرفته باشند که زندانیان  
سیاسی را شکنجه میدهند؟ جواب کا ملا روشن است  
نه ، این مسئله نه فقط در مورد رژیم ارتجاعی  
گذشته ، بلکه در مورد کلیه رژیمهای ارتجاعی  
دنیا صدق میکند ، نگاه کنید به شیلی ، آرژانتین ،  
فیلیپین ، اسرائیل غاصب و... منطبق ارتجاع  
همین است ، و اکنون دو سال است که رژیم  
جمهوری اسلامی ، زندانهای بارش رسیده آرا ، از کمو -  
نیستها و انقلابیون دیگر پر کرده و با شکنجه ها و  
اعدامها در زندانها به راه افتاده اند ، کمو  
رسوائی رژیم جمهوری اسلامی در مورد شکنجه در  
زندانیان و "خانه های امن" آنقدر به صدا درآمده  
بنی صدر خاشن برای فریب توده ها و در چها رچوب  
جنگ قدرت در هیئت حاکمه ، صحبت از شکنجه کردو  
برای اینکه عوام فریبی کامل شود ، بدستور  
آیت الله خمینی ، هیئتی برای بررسی شکنجه  
تعمین شد ولی چند روزی پیش نگذاشته بود که  
اسم آن به هیئت بررسی "شایعه" ! شکنجه تبدیل  
شد و اکنون پس از چند ماهی از تشکیل این "هیئت"  
سردمداران رژیم مسزورانه اعلام میکنند که در  
زندانیان شکنجه نیست ! آری همچنانکه ما از روز  
تشکیل این هیئت پیش بینی کرده بودیم نتیجه

### زندانی سیاسی انقلابی ، به همت توده ها آزاد باید گردد

# چپاول ۷ میلیون تومانی رژیم از دسترنج کارگران

بیش از شش ماه جنگ ارتجاعی علاوه بر کشتار هزاران نفر، فقر و فلاکت صدها هزار زحمتکش و آوارگی بیش از ۱/۵ میلیون نفر از هم میهنان جنگزده ما که در شیراز، اصفهان و... همه روزه مورد بیورش اوباشان ارتجاع قرار میگیرند کارگران زحمتکش مناطق غیر جنگی را نیز از "خیرات" خودی نصیب نگذاشته است. همه نگونه که از آغاز جنگ دور زیم ارتجاعی ایران و عراق بارها گفته ایم، سنگینی هزینه های جنگ را کارگران و زحمتکشان بردوش میکشند. رژیم جمهوری اسلامی با عوام فریبی و تبلیغات گوشخراش و سوء استفاده از احساسات پاک توده های زحمتکش میلیونها تومان از دسترنج کارگران را تحت نام کمک به جنگزدگان از جنگ آنان بیرون می آورد و ولی نه تنها این کمک ها را به آوارگان جنگی نمی رساند (که وضع زندگی آنان و جملات روزمره یا ساداران و اوباشان قطع جیره غذایی و پوشاک - نمونه ملک شهر اصفهان و شیراز... شاهدین واقعیت میباشند) بلکه همین کارگران زحمتکش و قهرمان را به مجرد بیان خواست های عادلانه شان بده هزارویک شهت - که شاید سزما به داران چپا و لگرمیباشند - متهم ساخته و آنها را "عدا انقلاب" و... خوانده و با سخنان را با گلوله میدهد.

کارگران ایران تا سیونال، در طول ۵ ماه مبلغی معادل ۶ میلیون و هشتصد و نود و پنج هزار تومان تحت نام عوام فریبانه کمک به جنگزدگان را که از حقوقشان کسر شده است برداخته اند. آری رژیم حدود ۷ میلیون تومان از دسترنج کارگران را چپاول می کند و با زاد دمای طرفداری از کارگران را دارد. سرما به داران، کارگران را فقط برای استثمای و تبدیل آنان به "گوشت دم توب" میخوانند اما اگر همین کارگران برای کسب حقوق خود دست به مبارزه بزنند، با بیاد انتظار هرگونه سرکوب، آزار و حتی گلوله حافظین سرما به داران راداشته باشند. همین چند هفته پیش بود که رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی، کارگران کفش ملی که برای حقوق خود اعتماد نموده بودند را به گلوله بست. همین

چند هفته پیش بود که به علت فقر و محرومیت، ده هزار کارگر قهرمان ایران تا سیونال دست به اعتماد زدند. بنا بر این می بینیم رژیم ارتجاعی حاکم که طرفدار سرما به داران زالسو صفت است نه تنها کارگران را در فقر و فلاکت نگاه میدارد، بلکه همچنین آنان را به گلوله میبندد، سندنر نشان میدهد رژیم جمهوری اسلامی که دشمن کارگران و زحمتکشان است چگونه...

## بقیه از صفحه ۲۲ فراخوان

توجه تیرا زبیکار روز ساندن هر چه سریعتر آن بدست خوانندگان هستیم و این میسر نمی شود مگر با تامین بودجه نسبتا بالای مالی که الزامی می بایست از طریق کلیه رفقای اعضا و هواداران و کارگران و زحمتکشان و توده های آگاه و انقلابی خلق ما جمع آوری و فرا هم شود.

از اینرو ما با تاکید خاص، از شما می رفق، اعضاء و هواداران و خوانندگان پیکار می خواهیم که با بسیج امکانات خود در این زمینه، سازمان را در امر پاسخ به نیازهای جنبش طبقه کارگر و توده های آری دهند. این کمک با یاد در فرصت زمانی هر چه کوتاهتر و بر میزان هر چه بیشتر تا مین

بسم رب المستغفین

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۰  
شماره: ۲۹۰۰

و لیلو تکم بی من السوف و الجوع و نعین الاموال و الاصل و الثرات و بشر العارین  
والله شارا آری این بیکم به پیش آمده های جزئی مانند ترس، گرسنگی، نقصان اموال و چاندی و آفات زراعت و استیفات کنندگان را بشارت بساد  
(قرآن کریم بقره ۱۵۴)  
بر همه واجب است به جنگ زده ها و آنها که زندگیشان را از دست دادند کتد کنند.  
(امام خمینی)  
با شکر از همکاران معصوم که تا کنون با برداشت بت با چند ریز از حقوق ماهیانه خود جهت کتد رتبه حال آرایگان جنگ تعیین رژیم مزدور سدام، به وظیفه عظیم اسلامی و انسانی خود عمل نموده اند.  
از قام کتد شده در طی ماههای مباره، آبان، آذر، دی و بهمن ۱۳۵۹ را شرح زیر به اطلاع میرساند:

- ۱- مهرماه ۱۵۷۲۴۲۳۳۳ ریال
- ۲- آبان ماه ۱۵۷/۵۹۵۶۲
- ۳- آذرماه ۲۳۱۸۸۸۰۶
- ۴- دی ماه ۱۳۶۲۸۶۶۴
- ۵- بهمن ماه ۱۱۶۹۲۷۹۸۰

جمع ۶۸۷۱۵۲۳۳۵ ریال

لازم به توضیح است که از ماه اسفند به بعد کلیه همکاران که مایل هستند با ادامه کتد خود انقلاب عوام اسلامی را در این وضعیت خناس و سرنگشت ساز، که تناسی اسلام در برابر کفر و استکبار جهانی قرار گرفته است، دباری نمایند می توانند شخصات کامل خود را در لیستهای که از طرف انجمن اسلامی بر سه نامندگان مستحق با سولین کارخانه های انجمن اسلامی توزیع میشود، اعلام و با ظنهای ۲۴۶۶ و ۲۴۶۶ انجمن اسلامی تناسی حاصل فرمایند.  
امید است این کمکها مورد قبول خداوند تعالی قرار گیرد.  
(فصل به بل مقسال ذره خیرا) بستره  
هر کرداری نیک که با ادای آنرا خواهد در دست.

انجمن اسلامی کارخانجات صنعتی سیونال

## بقیه از صفحه ۷ شکنجه

اودر زندانها که نمیستند و اگر آنها را آزاد نمی کنند بیخا طرفشا رتوده ها است ولی برا ایشان مجالس بزم در زندان فرا هم میکنند.  
و اقا اگر در زندانها شکنجه نیست چرا او همه دارید و درهای زندانها را بروی توده ها باز نمی کنید؟ چرا به خا توده های زندان نیسان کمونیست و انقلابی اجازه ملاقات نمیدهید؟ چرا خا نواده رفیق محسن قاضل دوما ه بیس از دستگیری رفیق هنوز کوچکترین خبری از او ندارند. آری رژیم حاکم شکنجه گرزندان نیسان انقلابی است و گفته های بشارتی ها که برای توده ها بحد کافی افشا شده اند سند محکومیت رژیم جمهوری اسلامی است.

## توده های انقلابی و مبارز!

هم اکنون هزاران زندانی انقلابی در بدترین شرایط و در شهرهای مختلف زندانی رژیم جمهوری اسلامی هستند. با خا نواده های زندان نیسان تمایز بگیریید، از اخبار و روشرا بیس زندانها آگاهی یابید. و دوش بدوش هم بکشیم تا جنایات مزدوران جمهوری اسلامی را در مورد کمونیست ها و انقلابیون در بند، این اسپران راه آزادی و استقلال، راه انقلاب و سوسیالیسم افشا کرده و دفاع از زندان نیسان سیاسی انقلابی را به وظیفه روزانه خود تبدیل سازیم.

زورچینهای کارگران را خالی میکند، سندنر بیکار و دیگر و تبلیغات رژیم را رسوا کرده و نشان میدهد وقتی رژیم میگوید طرفدار "مستضعفان" است دروغی بیش نیست، بلکه در واقع اوطرفدار و یا رصدیق سرما به داران خونخوار است.  
سنگ و نفرت بر چنین رژیمی بساد!  
چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان توسط سرما به داران مفتخور را هر چه وسیعتر افشاکنیم!



شود، این کمک با دید بطور خاص و جدا از سایر کمک های مالی و صرفا بمنظور افزایش تیرا از بیکار و تسهیل توزیع و پخش آن انجام گیرد. از اینرو از کلیه رفق، اعضاء و هواداران و خوانندگان پیکار میخوانیم که کمکهای مالی خود را در این باره تحت عنوان "کمک برای افزایش تیرا از تیریه بیکار" برای سازمان ارسال دارند.

## پیروزی باشد!

کمیته مرکزی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۱/۱۵





# اخبار مبارزات توده‌ها



## تظاهرات هواداران سازمان در مسجد سلیمان: حمایت توده‌ها و درماندگی ارتجاع

روز دوشنبه ۱۰ فروردین، هواداران سازمان پیکار در مسجد سلیمان، در مرحله سرکور و ها دست به یک راهپیمایی افشاگرانه زدند. تظاهرات کنندگان ضمن دادن شعارهایی از جمله: "از قحطی و گران‌ی، از جنگ ارتجاعی، مردم به تنگ آمدن"، "معلم خراجی، بر سر کار سابق، باقی بماند"، "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرال‌ها، زنده باد پیکار توده‌ها"، "تعطیلی صنایع فولاد توطئه سرما به داران علیه کارگران"، "و حمل بلاکاردها، شامل عکس رفتاری شهید طهماسبی، زاده و صمدی و شعارهای انقلابی به گسترش آگاهی در میان زحمتکشان پرداختند.

در طی مسیر، تعدادی از مزدوران رژیم با تمهوجا خود را در صدمه زدن راهپیمایی بودند که

با مواجه شدن با خشم مردم و تظاهرات هرکنندگان مجبور به عقب‌نشینی شدند. ارتجاع از آنجا که حمایت توده‌ها از تظاهرات هرکنندگان را میدید ما ننند ما - زخم خورده به خود می پیچید و چون قادر به بسیج توده‌ها بر علیه کمونیست‌ها نبود، دست به بسیج کودکان ۸-۷ ساله برای دادن شعار مرگ بر پیکاری زده بود. که نهایت درماندگی اش را به شما پیش می‌گذارد.

تظاهرات پس از ۲ دقیقه با موفقیت بیابان میرسد و در طول مسیر توده‌های آگاه و زحمتکش به اشکال مختلف و از جمله با کمک مالی از طریق صندوق کمک مالی، حمایت خود را از نیروها و کمونیست‌ها نشان میدادند.

### تصحیح وپوزش:

● - در مطلبی بی‌رامون رفیق فاضل که در پیکار ۱۰۱ چاپ شده اشتباه گفته شده است که او به "دعوت" هانی الحسن، عازم منطقه بود. همانطور که یکبار در متن آمده، درست این بود که نوشته میشد با معرفی هانی الحسن (سفیر سابق فلسطین در تهران) و عضو کمیته مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین (....).

● - در پیکار شماره ۹۹ صفحه ۱۶ خبری تحت عنوان پاسداران علیه آوارگان آورده شده بود که تاریخ درست آن ۱۲/۱۹ بوده است.

● - در پیکار رویه قیام (ضمیمه ۹۲) در ارتباط با خیزدگرگیری میادان نوشهر با استناد به یکی از شماره‌های قبلی پیکار، به شما دت یک صیاد اشاره شده است که این مسئله صحت نداشته است.

● - در پیکار ۹۷، خبری تحت عنوان "خودکشی" از رفغان دیگر جنگ ارتجاعی "آمده است که اشتباهی در آن رخ داده است. خبر درست این است که فردی که خودکشی کرده گنججای نام داشته و دیپلمه وظیفه بوده است. وی را بجای بیمارستان به نزد فرمانده میبرند که فرما شده مزدور او را کتک زده و کلتی میدهد و میگوید "اگر میخواهی خودت را بکشی، با این بکش". و بعدا این شخص اقدام به خودکشی کرده است.

## اجرای نمایشنامه توسط رفقای هوادار در شیراز

رفقای هوادار سازمان در شیراز در ایام عید نمایشنامه‌ای افشاگرانه بنام "ابرا م کجسه بندبال امپریالیسم" در "پارک شهر" اجرا نمودند محتوای نمایشنامه نشان میداد که چگونه مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با ارتجاع داخلی نیست. این نمایشنامه با حضور بیش از ۲۰ نفر از مردم، مورد استقبال آنها قرار گرفت. رفقا - این نمایشنامه را در مرحله فقیرنشین و معروف شیراز بنام "بیوردی ویا پل وردی" اجرا نمودند.

امتحان کنند، ببینند میتوانند خلع سلاحمان کنند یا نه، با نشان رفته که ما چانمان را میدهیم ولی تفنگها یمان را نه. زمان شاه تخم مرغ برای ما ن داغ کردند، اسلحه تحویل ندادیم... روز هشتم اسفند ۵۹ روزی بود که با محاصره دهکده "باریکه" فرخینوند، یکبار دیگر ما هیئت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران سرکوبگرش برای اهالی این منطقه ثابت شد، روزی بود که توده‌های مسلح این منطقه دگر بار با تکیه بر قهر انقلابی مشت محکمی بر پیروزه مزدوران رژیم کوبیدند.

## محاصره روستای باریکه - ایلام توسط پاسداران رژیم و مقاومت اهالی

قراء مجاور از جمله اهالی منطقه "گراوند" به کمک اهالی باریکه آمده و بطرف پاسداران تیز-اندازی کردند.

مزدوران رژیم که خود را در مقابل قدرت یکپارچه و متحد روستائیان ناتوان دیدند، به پاسگاه "شادباغ" از توابع اسلام‌آباد رفتند و تقاضای کمک کردند و سپس نزدیکیهای غروب با نارنجک انداز و مسلسل سنگین بازگشتند. مردم مسلح بر بالای کوه‌های "فرخینوند" سنگر گرفتند "رضا" فریاد میزد: "ای قماربازهای دیروز، اینجا را گردستان میکنیم" و از فاصله دور شلیک میکرد. سردسته پاسداران فردی بنام "مجتبی" بود. آنها با پاسداران اسلام‌آباد بودند که به توابع ایلام یورش آورده بودند تا مردم محل را خلع سلاح کنند. اما اهالی با مقاومت خود جواب دندان شکنی به آنها دادند. وجیره خواران رژیم بدلا نسه مردان پیر دهکده را سپر خود ساخته و فرار را برقرار ترجیح دادند. یکی از اهالی مسلح "گراوند" میگفت "شاید این پاسداران خواسته اند ما را

در روز ۸/۱۲/۵۹، پاسداران مسلح رژیم روستای "باریکه" فرخینوند از توابع ایلام را محاصره کردند تا به تفتیش اهالی و خلع سلاح آنها بپردازند. مزدوران رژیم به خانه فردی بنام "گرمشاه" حمله برده و وی را برگیارگلوله میبندند. رضا پورا در کوچک وی تفنگ بردوش به کوه "کله میله" میگریزد. پاسداران به تعقیب وی پرداخته و وی را از ناحیه پا زخمی میکنند. با این وصف او میتواند با گشودن آتش بسوی جیره خواران رژیم، دونفر از آنها را بشدت مجروح نماید. دسته دیگری از پاسداران به خانه یکی دیگر از اهالی بنام "خمان" یورش برده و چون با مقاومت او روبرو میشوند، "قیمتی" همسرا و با گلوله میزنند. گلوله به پیشانی "قیمتی" اصابت کرده و از پشت سرش بیرون میآید. گلوله‌های پاسداران استخوان با زوی فرزندش ماهشان را نیز از هم میپاشد. "خمان" به مقاومت خود ادامه داده و با تبر پای یکی از پاسداران را از زانو قطع میکند. مردم مسلح

## به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم

### مقاله آموزشی

## بحثی پیرامون دموکراسی (۳)

### دموکراسی بورژوازی بر چه اساسی استوار است:

حال در ادامه بحث خویش به بررسی چگونگی "دموکراسی بورژوازی" می پردازیم این بررسی نشان میدهد که "دموکراسی بورژوازی" بر چه پایه‌هایی استوار است. "دموکراسی بورژوازی" مدعی است که حکومت اکثریت میباشد، زیرا همه اعضای جامعه دارای حق مساوی شرکت در تعیین امور دولت و حکومت هستند. اعضای جامعه از طریق انتخابات از این حق بطور فعال استفاده میکنند. در نتیجه حکومتی که از انتخابات حاصل میشود حکومت اکثریت است.

واقع داد و طلبان نمایندگی توسط احزاب قدرتمند کم‌تعیین میشوند و با تدارک کلیه مقدمات قضیه آنچنان به پیش میرود و تبلیغات آنطور سا زمان داده میشود که همه میداند نتیجه کدام چهره‌ها با یدرای داد.

به این ترتیب پارلمان تبدیل به بگانی میشود که "هر چند سال یکبار مردم زحمتکش خود تصمیم میگیرند که کدام یک از اعضای طبقه حاکمه می باید در آن بنشینند و قوانین سرکوب کننده کارگران و زحمتکشان را تصویب کنند" (۲) اما تصمیمات اساسی و تعیین کننده در پشت پرده گرفته میشود. دربار آنها در بورسها و مجامع

غیر مستقیمی است که در آن نمایندگان مجلس شهردارها، واساندارها، اعضای انجمن‌های شهرونی و غیره که با صلاح با رای اکثریت مردم انتخاب شده اند در اداره امور شرکت میکنند. نقش و قدرت اکثریت زحمتکشان جامعه فقط به این محدود میگردد که هر چند سال یکبار در رای گیری شرکت کنند و سپس به کناری بنشینند. این رای برای مدت تعیین شده قابل پس گرفتن نیست و انتخاب کنندگان نمیتوانند نمایندگان را معزول سازند. اکنون بررسی همین (حق رای) و "انتخاب بی‌بودن" به ما نشان میدهد که واقعیت چیست و در حقیقت "برابر بودن" و "عمومی بودن"

اگر قدری در طرز کار ما شین دولتی بورژوازی دقیق شویم، ما هیت این دموکراسی را کاملاً درمی یابیم و بر این مضمون میشود که دموکراسی بورژوازی، در واقع جز بورژوازی ارتجاعی که سرپا مسلح است، چیز دیگری نمی باشد. در واقع ما هیت (بورژوازی تیک - نظامی) نهاد های دموکراسی بورژوازی، در برخورد به هر موسسه‌ای که سرمایه داری آشکار میگردد، به سلسله مراتب موجود در موسسات سرمایه داری نگاه کنید: در ادارات، کارخانه‌ها، در سا زمان - های مطبوعات و... زحمتکشان دسته جمعی مشغول کار هستند. اداره و چرخاندن امور "همگانی" و (عمومی) است. اما سرخ تصمیم گیری، از سلسله مراتبی میگردد که در رأس آن یک بورژوازی - بورکرات قرار دارد. چه ارگانی این بورژوازی ارتجاعی را حفظ میکند؟ ارتش و نیروهای مسلح بورژوازی که خود نیز همانند یک اداره، بطور سلسله مراتبی و کاملاً بورژوازی تیک اداره میشوند. در رده های پایین فرزندان کارگران و زحمتکشان که آلت سرکوب بورژوازی اند، با زماندهی شده اند. در بالا فرماندهان بورژوازی بورکرات هستند که فرمان میرانند. ارتش و بورژوازی اینها را زیرمجموعه سرمایه داری است. یعنی همان سازمانهایی که از اصل حق مردم را در تعیین نظام سیاسی و اداره دولت پایمال میکنند. این مقامات بورکرات هستند که به نمایندگی از جانب دولت در اسادات قرار گرفته اند و امور اهدایت میکنند و فرمان میدهند. این دستگاه پلیس و ارتش است که اعتراضات کارگران و زحمتکشان را سرکوب و خفه میکند. و این سازمانها "عسزل-نا پذیرند" دارای حقوق ممتازند و بر مردم سلطه خود را تحمیل میکنند (۱) این است دستگاه دولت بورژوازی. و این دستگاه در دوران امپریالیسم، بطرز بی سابقه ای رشد میکند و هیولا وار قدرت میگیرد و سلطه خود را بر کارگران و زحمتکشان گسترده میکند.

● اگر قدری در طرز کار ما شین دولتی بورژوازی دقیق شویم، ما هیت این دموکراسی را کاملاً در می یابیم و بر این مضمون میشود که دموکراسی بورژوازی، در واقع به جز بورژوازی ارتجاعی که سرپا مسلح است، چیز دیگری نمیباشد.

سرمایه داران حاکم. قانون اساسی بورژوازی نیز در واقع حفظ مالکیت خصوصی و امتیازات ثروت است. حتی دموکراسی ترین قانون اساسی بورژوازی را نیز نمیتوان یافت که در آن سرمایه داران و تسمیره های گوناگون حق سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان پیش بینی نشده باشد.

رای مردم در دموکراسی بورژوازی چه معنایی دارد: "آزادی انتخابات" و "حق رای عمومی" در جا معاً یک میلیونها نفر از کارگران و زحمتکشان به علت فقر و رنج و زیادهای کار و زحمت هیچگونه فرصتی برای مطالعه، فکر کردن، سنجیدن و انتخاب کردن ندارند و بخش عظیمی از آنان حتی از سواد کافی بی بهره اند.

آزادیهای پیش بینی شده در قانون اساسی بورژوازی نیز بقول لنین ما هیتی کاملاً طبقاتی دارد: آزادی اجتماع، در شرایطی که ثروتمندان بهترین ساختمان های عمومی و خصوصی را در اختیار خود دارند و اجتماعاتشان بوسیله ارتش و نیروهای مسلح حفاظت میشود. و در مقابل کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی برای بیان خواسته های خود، به تنهایی که از امکانات طبقاتی دارا را در اختیار ندارند، بلکه به محض کوچکترین اعتراض جدی، بوسیله همان نیروهای مسلح بورژوازی سرکوب میشوند، جزایی و فریب چیزی نیست.

درجا معاً یک کارگر و زحمتکشان یک هزارم مکانات تبلیغی عظیمی را که در اختیار طبقات سرمایه داران روزمندان است ندارند. در حالیکه قانون دولتی شرایطی را برای نماینده شدن می گذارد که کارگران و زحمتکشان عملاً نتوانند به مجلس راه پیدا کنند (نظیر سواد تخصصی) در اکثریت جوامع سرمایه داری از شرکت و انتخاب کمونیستها که نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان هستند، بوسیله قوانین گوناگون جلوگیری میشود.

آزادی مطبوعات، در حالیکه بهترین دستگاه های چاپ و بزرگترین انبارهای کاغذ سازمان های مطبوعات در تسلط سرمایه داران است و در حالیکه دولت حاکم بر مطبوعات کنترل دائمی دارد، دروغ و فریبی بیش نیست.

در چنین مجموعه شرایطی (پارلمان) (حق رای) چه نقشی بازی میکند؟ آیا میتواند نقشی جز آلت و ابزار فریب زحمتکشان بعهده داشته باشد؟ جز این نیست و نمیتواند باشد. (پارلمان) وسیله ای است که حکومت بورژوازی با تکیه بر آن وانمود میکند که حکومت مردم است. حال آنکه در انتخابات پارلمانی سرمایه داری، در

حال پیش تر برویم و ببینیم که (پارلمان) (قانون اساسی) که به ادعای بورژوازی ابزار حاکمیت مردم و محافظ این حاکمیت میباشد چه نقشی در (دموکراسی بورژوازی) بازی مینماید. نقش پارلمان و قانون اساسی در (دموکراسی بورژوازی) دموکراسی پارلمان بورژوازی، دموکراسی

صد و یازدهمین سال

تولد ولادیمیر ایلیچ لنین

# لنین: آموزگار کبیر پرولتاریا لنینیسم: ستاره راهنمای انقلاب سوسیالیستی

بیاد داشته باشید، در روزهای سرد و برفی، ولادیمیر ایلیچ لنین در یک خانه کوچک در سن پترزبورگ متولد شد. او یک کودک باهوش و سرزنده بود که در کودکی با کتابها و مجله‌ها آشنا شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۱۸۷۰ (۱۸۷۰) در سن پترزبورگ متولد شد. او یک کودک باهوش و سرزنده بود که در کودکی با کتابها و مجله‌ها آشنا شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۱۸۷۰ (۱۸۷۰) در سن پترزبورگ متولد شد. او یک کودک باهوش و سرزنده بود که در کودکی با کتابها و مجله‌ها آشنا شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۱۸۷۰ (۱۸۷۰) در سن پترزبورگ متولد شد. او یک کودک باهوش و سرزنده بود که در کودکی با کتابها و مجله‌ها آشنا شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۱۸۷۰ (۱۸۷۰) در سن پترزبورگ متولد شد. او یک کودک باهوش و سرزنده بود که در کودکی با کتابها و مجله‌ها آشنا شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۱۸۷۰ (۱۸۷۰) در سن پترزبورگ متولد شد. او یک کودک باهوش و سرزنده بود که در کودکی با کتابها و مجله‌ها آشنا شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۱۸۷۰ (۱۸۷۰) در سن پترزبورگ متولد شد. او یک کودک باهوش و سرزنده بود که در کودکی با کتابها و مجله‌ها آشنا شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

در تاریخ پر افتخار مبارزات طبقه کارگر روسیه، انقلاب سوسیالیسم است. لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

تکلیف شد. او این مسابقات طبقه کارگر روسیه را میراث لنین را همواره در ذهن خود نگه داشت. با رهبری لنین بود که سوسیال دموکرات های انقلابی روس توانستند "اکنونیسم" را در میان رزاهای خستگی تا پذیرا نشاء و طرد کنند. با رهبری لنین بود که مباحثات ایدئولوژیک در میان طبقه کارگر به مثابه زمان آهنگین و بی پایان گشتی که رگران ریخته شد، با یورتونیسیم و اکنونیسم در هم شکسته شد و نطفه بلشویسم در روسیه بسته شد. با وجود زندانها، تبعیدها و شکنجه‌ها، لنین در اعماق جنبش پرولتاریا روسیه باقی ماند و بود که در این بلشویکها

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

لنین در ۲۱ ژانویه ۱۸۷۰ در گورکی ژومسک متولد شد. او در جوانی به کارهای انقلابی پرداخت و در نهایت به رهبری حزب کمونیست روسیه رسید.

## زنده باد کمونیسم!

لنین با نوشتن رساله "چه باید کرد؟" چگونگی شالوده یک حزب انقلابی طبقه کارگر را ترسیم کرده و به مبارزه با اگنومست ها که ضربات جدی بر پیکر جنبش کارگری وارد می کردند برخاست. او ضمن تاکید بر لزوم حزب پرولتاریائی برای رهبری و پیشبرد انقلاب، بر ما هیستایدنولوژیک آن نیز تکیه فراوان مینماید. لنین برای این باور بود که تنها حزبی که با تئوری انقلابی مسلح با دشمنان در به پیشبرد مبارزه و انجام انقلاب است، او با تاکید بر نقش تئوری سوسیالیستی و آمیزش آن با جنبش طبقه کارگر بخصوص ایدئولوژیک حزب طبقه کارگری می-فشرده. او در مبارزه با اگنومستها که به ستایش

از جریان خودبخودی مبارزات کارگران میبپرداخته نقش حزب مسلح به تئوری پیشرو را که ستاره راهنمای مبارزات کارگری است چنین فرموله میکنند:

"بدون تئوری انقلابی نهضت انقلابی نیز نمی تواند وجود داشته باشد... نقش مبارزان پیشرو تنها حزبی میتواند ایفا کند که دارای تئوری پیشرو باشد" (چه باید کرد؟) او "اگنومست" را به مثابه ابزاری دردست بورژوازی جهت منحرف ساختن جنبش طبقه کارگر و در اختیار گرفتن آن مورد شدیدترین حملات قرار میدهد.

پس از شدت یابی مبارزه درون حزب و پیدایش دو فرآگسیون بلشویکی و

منشویکی، لنین در کتاب "یک گام به پیش دو گام به پس" به بحران درون حزبی برخورد کرده و به توصیف چگونگی و ماهیت حزب کارگری پرداخت و بر لزوم برقراری اخلاقی و انضباط کمونیستی بر حزب کارگری تکیه کرده، منشویکها را منسزوی ساخت. در این اثر لنین مینویسد که حزب باید همه طبقه کارگر را رهبری نماید، سازمان پیشرو و متشکل طبقه کارگر و عالی ترین شکل سازمانی برای رهبری طبقه میباید. او میگوید:

"پرولتاریا در مبارزه برای حاکمیت بجز سازمان سلاح دیگری ندارد، پرولتاریا که بواسطه سلطه یک رقابت بهره جرمج در جهان سرمایه داری از هم جدا میشود، و در زیر بارهای مشقت با برابری سرمایه از

پای در میآید و دائماً عمیقاً فقر کامل، بحالت بهیمی و انحطاط می افتد چنین پرولتاریایی فقط در سایه آن میتواند بدل به نیروئی مغلوب نشدنی شود و تا گزیر بدل نیز خواهد شد. که اتحاد فکری وی از روی اصول ما رکنیم بواسطه وحدت مسأله سازی ما که میلیونها زحمتکش را با ارتش طبقه کارگر بهم می پیوند دومتحکم کرده. در قبال این ارتش نه حاکمیت فرستوت استبداد دروس میتواند تا بیا وردونه حاکمیت سرمایه بین المللی که روبه زوال است."

لنین در آثار انقلاب ۱۹۰۵، در کتاب "پرازن خود" و کتاب "سوسیال دموکراسی



لنین در کنار اعضای اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر

بورژوازی و خرده بورژوازی از یاد دبیرد. در این مسئله چون چرا نیست، شکست انقلاب ۱۹۰۵، در میان رفیقان نیمه راه انقلاب و در میان روشنفکران حزبی، نزول و انحطاط ایدئولوژیک را دانند، تسلط ارتجاع و افشای جنبش باعث گردید تا آنها از انقلاب دست کشیده و پرچم سفید ساز را در برابر تزارسیم بلند کنند. در عرصه ایدئولوژیک این دسته روشنفکران و نویسندگان خیانت پیشگی خود را تحت پوشش "انتقاد" به مارکسیسم درآوردند. در عرصه فلسفی نیز اینان به "انتقاد" از ماتریالیسم دیاکتیک و ماتریالیسم تاریخی برخاستند. قسمتی از این روشنفکران بر اساس بی ایمانی و انحطاط بورژوازی خویش تحت

عنوان "بهتر کردن مارکسیسم" تا آنجا که از مارکسیسم بد دور افتادند که لزوماً ایجاد مذهب جدیدی را مورد تأکید قرار دادند. اینان به "خداجویان" و "خدا سازان" معروف شدند و رسالت آنان به اشاعه انحلال - طلسمی و بی ایمانی نسبت به مارکسیسم انقلابی خلاصه میشد. آنان میبایست زما میشدند و نقاب "دفاع" از مارکسیسم آنها میبایست دریده میشد، این امر در رسالت لنین بود که بدفاع از مارکسیسم بلند شود. کتاب مشهور "ماتریالیسم و میراث بوکریستیسم" که در سال ۱۹۰۹ منتشر گشت به سلحه برنده ای علیه روشنفکران مرتد تبدیل گشت. لنین در انتقاد به این جریان رو بیونیستی نوشت: "یک تقلب بیش از پیش ما را نه در مارکسیسم، تحریف های بیش از پیش ظریفی در آن بوسیله آتشین های ضد ماتریالیستی و معرفی آنها بعنوان مارکسیسم اینجاست که خاص رو بیونیسم کنونی، همسدر اقتضا دو هم در مسائل تاکتیکی و بطور کلی در فلسفه."

لنین، پرچم را بزرگ مبارزه بر علیه رو بیونیسم و بوزونیسم است. او رو بیونیستها را بعنوان عاملین بورژوازی در درون طبقه کارگر مورد شدیدترین و بیرحمانه ترین حملات قرار داده و افشا میکند.

لنین کبیر با تدوین رساله "میراث لیسم بحثا به بالاترین مرتبه سرمایه داری، چگونگی منظره های اقتصادی جهان سرمایه داری از

در انقلاب دموکراتیک" با تاکید بر رهبری طبقه کارگر در انقلاب بورژوا دموکراتیک و طرح شعار "دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک کارگران و دهقانان" بر لزوم مبارزه با بورژوازی لیبرال و طرفداران تا کید کرده و بر نامه انقلابی طبقه کارگر را برای چگونگی رهبری انقلاب دموکراتیک تدوین نمود. او این مبارزه را مقدمه مبارزه با طرفداری لیسم دانست و آنرا "عمیق ترین مبارزه مردم در راه سوسیالیسم" ارزیابی میکند و اضافه میکند:

"یک سوسیال دموکرات هرگز وحشی نیست لحظه هم نباید با مبارزه تا گزیر طبقه کارگری پرولتاریا را در راه سوسیالیسم برضد دموکرات ترین و جمهوریخواه ترین

# رو بیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

لحاظ مناسبات متقابل بین المللی آن در آغاز زده بیستم و در آستان نخستین جنگ جهانی امپریالیستی را نشان می‌دهد و به نبرد بسیار ترهات رویزیونیستی کا ثوتسکی که در آن زمان به ارتداد کشیده شده بود برخاست. او با طرح اینکه امپریالیسم عصر انقلابات پرولتری است با تعیین روسیه بعنوان حلقه ضعیف امپریالیسم و با طرح تزانقلابی تغییر جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی، پرولتاریای روسیه را به سرگونی تزاری و به کف گرفتن قدرت سیاسی فرا خواند. در این دوره بوده که مبارزه با انترناسیونال دوم و رویز - بونیسیم و سوسیال بونیسیم ها کم‌ابا قدرت و توانائی پرولتاریائی به پیش بود زمینه‌ها و لیکن انقلاب سوسیالیستی را بیش از پیش فراهم آورد. در آستانه انقلاب سوسیالیستی اکتبر، رفیق لنین اثر خود بنام "دولت و انقلاب" را که غنی ترین برخورد ما ر کمیسیتی بمقوله قدرت سیاسی و وظایف طبقه کارگر در انقلاب را بدست می‌دهد، برشته تخریب در آورد. لنین در این اثر اشاره به، با بکارگیری درسهای ارزشمند ما رکی و انگلس در مورد دولت و تحلیل از تجربه تاریخی کمون پاریس، ما هیت طبقه‌ای دولت را در دوره‌های سرمایه‌داری و سوسیالیسم به زبانی گویا ترسیم کرد. لنین روشن می‌کند که طبقه کارگر برای بدست گرفتن قدرت سیاسی باید ما شین دولتی سرمایه - داری را در یک انقلاب مسلحانه درهم شکند و بجای آن دولت طبقه‌ای خود را که متکی به ارش پرولتاریائی است، برقرار سازد. لنین گویا تنها از یک طریق رسیدن به کمونیسیم را ممکن می - شمارد: برنگونی دولت سرمایه‌داری از طریق انقلاب قهری و جایگزینی آن با دیکتاتوری پرولتاریا بعنوان عالی ترین نوع دمکراسی در جا معه طبقه‌ای.

لنین در دولت و انقلاب مینویسد: "کسی که فقط مبارزه طبقه‌ای را قبول داشته باشد، هنوز ما ر کمیسیت نیست و ممکن است هنوز با رهوب فکر بورژواشی و سیاست بورژواشی خارج شده باشد. محدود ما ختن مارکسیم به آموزش مربوط به مبارزه طبقات - به معنای آنست که از سروه آن زده شود، مورد تحریف قرار گیرد و به آنجا رسانده شود که برای بورژوازی پذیرفتنی باشد. ما ر کمیسیت فقط آن کسی است که قبول نظریه مبارزات طبقات را تا قبول نظریه دیکتاتوری پرولتاریا بسط دهد. وجهه - تمام بزرگا ملا عمیق بین یک خرده بورژوازی عادی (و همچنین بورژوازی بزرگ) با یک ما ر کمیسیت در همین نکته است. با ایسن سنگ محک است که با بدچگونگی درک واقعی و قبول ما ر کمیسیم آزمون."

لنین کبیر با علام اینکه برای گذار به کمونیسیم با به "مرحله خامی" وجود داشته باشد که آنرا با سوسیا لیسم و دیکتاتوری پرولتاریا مشخص می‌کند برپوزه رویزیونیستهای خاکن

میگوید که خاکنها نه وجودتفادهای طبقه‌ای و در نتیجه مبارزه طبقه‌ای تحت رهبری و دیکتاتوری پرولتاریا را نفی کرده و دم آسازش طبقه‌ای دولت تمام مطلق "و... میزنند، او مینویسد: "... در نخستین فاز ما معه کمونیسیتی (که معمولا آنرا سوسیا لیسم مینا منسند) "حقوق بورژواشی" فقط تا اندازه‌ای ملغی میشوند بطورتا موقتا، فقط به میزانسی که تحول اقتصادی حامله اجازه می‌دهد، یعنی تنها در مورد سائل تولید، "حقوق بورژواشی" و سائل تولید را مالکیت خصوصی افراد جداگانه پیدا کند. سوسیا لیسم این وسائل را به مالکیت همگانی تبدیل مینماید. در این حدود - و فقط در این حدود - "حقوق بورژواشی" ساقط میشود. (دولت و انقلاب)

لنین با اشاره به اینکه در جا معسه سوسیا لیستی، بورژوازی هنوز از بین نرفته اما کن رشد مجدد آنرا تا دیده نمی‌گردد و به همین جهت ما کمیسیت دیکتاتوری پرولتاریا در زمان استقلال یعنی سوسیا لیسم و برای تحقیق سوسیا لیسم را الزامی میداند.

"بورژوازی در کشور ما مغلوب گردیده ولی هنوز ریشه کن نشده، بنا بود نگردیده و حتی تا پایان در هم شکسته نشده است. بدینجهت شکل جدید و عالیتری از مبارزه سوسیا لیسم بورژوازی در دستور و زور قرا می‌گیرد که عبارتست از انتقال از وظیفه کار ساده آتی، سلب مالکیت از سرمایه‌داران به وظیفه بسی بفرنج ترودشوارتر ایجاد آنچنان شرایطی که در آن بورژوازی دیگر نه قادر به ادامه حیات باشد و نه اینکه بتوانند مجددا پیدا آید. روشن است که این وظیفه - ای بمراتب عالیتر است و بدون اجرای آن، سوسیا لیسم بوجود نخواهد آمد" (وظائف نوین حکومت شوروی)

آری، لنینیسیم ما ر کمیسیم عصر امپریالیسم و انقلاب‌های پرولتاریائی است" (استالین). آن را با موزیم و به میان طبقه کارگر بربریم تا با اتکا به آموزشهای لنین، به قدرت طبقه‌ای خود آگاه شوند، آنرا بکار بگیرند و با تکیه بر سوسیا لیسم، پرچم سرخ مبارزه را تا انقلاب پیروزمند آینه بدوش بکشند، با رویزیونیسم در رهپوشی - چه اکثریتی - توده‌ای از نوع خروشقی آن وجهه‌ها نی - مبارزه بکنند جمهوری دموکراتیک خلق را با رهبری خود و همدوش با دیگر زحمتکشان برقرار سازند و برای برقراری سوسیا لیسم به پیش روند.

تحلیل اولننین کبیر، در مبارزه خستگی نا پذیر با سرمایه‌داری و امپریالیسم و در اینراه مرز بندی قاطع و طرد جریانات رویزیونیستی خاکن و اپورتونیستی و تدارک انقلاب و سوسیا لیسم معنی پیدا میکند.

زنده با دلنیشیم!

## بقیه از صفحه ۱۴ بمباران

خود یعنی رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق را بدرستی تشخیص میدهند.

- در تاریخ ۱۳ فروردین نیز در ساعت ۸/۵ شب، مزدوران عراقی با پرتاب موشک شهر را مورد حمله قرار میدهند که بر اثر آن، نفرکشته و بیش از ۲۵ نفر زخمی میگرددند و تعداد زیادی خانه و دکان ویران میشوند. پس از این حمله در حالیکه مردم شهر سخت خشمگین بوده و به رژیم فحش میدادند چند تا از رویزیونیستهای خاکن و مزدور توده‌ای و اکثریت، برای خورشقی در مقابل ارتجاع، و خاموش کردن فریاد اعتراض مردم شعارهای "الله اکبر، خمینی رهبر" و "ولایت فقیه ضد - امپریالیسم است" سر داده و یکبار دیگر جهره کشید و خاکنها نه خود را به زحمتکشان نشاندادند.

## بقیه از صفحه ۱۰ بختی

حکومت بورژوازی با در دست داشتن تمامی امکانات بیان و تبلیغ عقیده (امکانات تشکیل اجتماعات، چاپ و پخش مطبوعات، رادیو و تلویزیون و...) در واقع با حساب شده ترین شکلی، آزادی عقیده و بیان را از طبقات کارگر و زحمتکش سلب نموده است.

بررسی واقعی "حقوق دمکراتیک" مردم در جا معه سرمایه‌داری نشان میدهد که چگونه توده‌های ستمکش در دمکراتیک ترین کشور بورژواشی هم در هر جا موقد، با تضاد فاحشی بین برابری ظاهری که "دموکراسی" سرمایه‌داران اعلام میدارد و هزاران محدودیت واقعی و حیله و نیرنگی که کارگران را به بردگان مزدور تبدیل مینماید، روبرو هستند" (۳)

با تحلیل چگونگی "دموکراسی" بورژواشی اکنون میتوان کما ملاحظه تعیین نمود که ما هیت "دمکراتیسیم بورژواشی چیست؟

"دموکراتیسیم بورژواشی در جا معه سرمایه‌داری، همیشه در تنگنای استثمار سرمایه‌داری فشرده شده و لذا ما هیت امر هوارد دمکراتیسیم برای اقلیت یعنی فقط برای طبقات دارا و فقط برای توانگران است. آزادی جا معه سرمایه‌داری همیشه تقریبا همان است که در جمهوری‌های باستان یونان بود، یعنی آزادی برای برده‌داران، بردگان مزدور امروز (یعنی کارگران) به حکم شرایط استثمار سرمایه - داری از شدت فقر و احتیاج چنان در فشار رند که "نه حال پرداختن به دمکراسی" را دارند و نه "حال پرداختن به سیاست" و هنگامیکه حوادث جریان عادی و آرام‌دارنده اکثریت اهالی از شرکت در زندگی اجتماعی - سیاسی، برکنارند دمکراسی برای اقلیت نا چیز توانگران، این است دمکراتیسیم سرمایه‌داری.

آدمه دارد.

(۲) - نقل بمعنی از جملات مارکس - (دولت و انقلاب) - لنین

(۳) - انقلاب پرولتری و کا ثوتسکی مژده - لنین

### عیدی رژیم به زحمتکشان آواره شادگان گلوله و خون

روز دوم عید است، درحالیکه سرمایه داران و دولت مردان به برکت غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان پای سفره های رنگارنگ درکا خهای مجلل نشسته اند و به عیش و نوش مشغولند زحمتکشان آواره شادگان که همچون دیگر زحمتکشان از این رژیم سرمایه داری تنها فقر و فلاکت، کشتار و آوارگی نصیبشان شده است درمف های طویل برای دریافت جیره نقدی ناچیزی، ۱۰ تومنی که پول سیگار هم نمیشود، انتظار میکشند.

در این میان پاسداران، این مزدورانی که بمنظور ایجاد نظم و انضام و امنیت برای سرمایه داران هر گونه اختیاری حتی شیراندازی به زحمتکشان درون صفهای طویل نان و نفست را از ربابان خود گرفته اند به جمع آوارگان ستمدیده شیراندازی کرده و بیگرنج کشیده زن آواره ای را به خون در میفلظا بند و این چنین عیدی سرمایه داران را نشا زحمتکشان میکنند.

این اولین بار نیست که پاسداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی عید زحمتکشان را بخون میکشند، نوروز خونین کردستان و ترکمن صحرا و اندیمش که عید زحمتکشان با خون صدها زحمتکش آغشته گشت گواهنی است پیشگی ددمنشانه این رژیم ضد زحمتکشان است که برای رنگین کردن سفره غارت سرمایه داران گروه گروه کارگران و زحمتکشان و انقلابیون مبارز و کمونیست را قربانی میکنند.

اما عید واقعی زحمتکشان هم فرا خواهد رسید، روزی که حکومت سرمایه داران، حکومتی که خون و گلوله نصیب کارگران و زحمتکشان میکند نابود شود.

با مبارزات حق طلبانه ما بر علیه دشمنان خلق عید سرخ زحمتکشان را نزدیکتر سازیم.  
(از اعلامیه تشکیلات خوزستان سازمان)

### هفته آوارگان حمله جدید رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

رژیم روز ۱۸ اسفند را "هفته آوارگان" اعلام کرده است. و با برنامهای پرسرو صدا مثل بردن چند توبس از آوارگان زینیه برای دیدن سد شاه - عباس در روز ۱۸ اسفند و زیارت از امامزاده ها سعی میکند آواره ها را سرگرم کند. در حالیکه طشی شش ماه جنگ ارتجاعی، آوارگان در نقاط مختلف

## اخبار جنگ

از امکانات غذایی و بهداشتی و مسکن محروم بوده و هستی و نیستی خود را بخاطر منافع سرمایه داران از دست داده اند.

در چنین شرایطی عوامل رژیم دلشان برای آوارگان به رحم آمده و آنها را به گردشگاهها، اما مزادها و دیدن فیلم سینمایی میبرند!! زهی وقاحت و بیشرمی! بردن آوارگان زینیه بدیدن سدیا اما مزاد درحالی که آنها سرروی قبرها زندگی میکنند و از ابتدای ترین حقوق انسانی محروم هستند چه چیزی جز عوام فریبی و شیوه مالیدن سر آوارگان زحمتکش میتواند باشد؟ هفته آوارگان در شرایطی اعلام میشود که قوای انتظامی ملک شهر را به مراقبت از آوارگان - های خالی گمارده اند تا آوارگان بی سرپناه آنها را ماردیده نکنند، خانه ها و آپارتمانهای بسیاری متعلق به سرمایه داران وجود دارد و در عین حال آوارگان را در چراغها و بیابانها رها کرده اند، آوارگان ما شهرها زشت فقر بگذاشتی افتاده اند و آوارگانی که در ما شهروندان گمان دچاریبیماریهای صعبه... شده اند تمام رزستان را در سرما و زیر باران، بدون سرپناه بسر برده اند...

آری رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و نوکرانش از "هفته آوارگان" هیچ نیکی جز انحراف ذهن آوارگان از مبارزه برای اساسی ترین نیازهایشان یعنی "نان، مسکن، آزادی" ندارند. خلاصه شده از اعلامیه آوارگان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - امفهان

### نماینده آوارگان فرزند زحمتکشان، از زندگان ارتجاع آزاد باید گردد

کارگران مبارز، زحمتکشان آواره!  
رژیم جمهوری اسلامی که بدروغ خود را حامی منافع توده ها جا میزند، با حمله و سرکوب آوارگان و دستگیری نمایندگان آنها ما هیت ضد خلقی خود را نشان داد.

دستگیری نماینده آوارگان کمپ "ب" سرپرند ریخوبی نشان داد که این رژیم نه تنها بیگوارگان را نیست بلکه همواره در صدد سرکوب و آزار و اذیت آنهاست.  
نماینده کمپ "ب" که دختر جوانی است و خود از آوارگان این جنگ ارتجاعی است، بدلیل دفاع از منافع آوارگان و تلاش برای گرفتن حقوق آنها و نیز افشا کردن چهره عوام فریبانه

رژیم جمهوری اسلامی بیشتر ما نه درخیا بان ربوده شده و بوسیله مزدوران رژیم و سپاه جهل و سرما به برای سومین بار اسیر میشود و این بار در بیداد - گاه فرمایشی حاکمی جنا پیتکار بنام اراکسی و به دستیار تیغ مغز و با هفت صفت بمحاقمه و به - حین ابد در سیاهای رژیم جمهوری اسلامی محکوم میشود، ناگفته نماند که اراکی حاکم شرع جلاد در ماه پیش یکی از بهترین فرزندان شمسایکا رگر شهید کمونیست دلاور، محمود صمدی را به جوخه اعدام سپرد.

کارگران، زحمتکشان، هموطنان مبارز!  
اجازه ندهید رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی فرزندان آگاه و نمایندگان شماره اتهام دفاع از منافع شما و سایر زحمتکشان درخیا بانها دزدیده و در سیاهای خود اسیر سازد!  
بکشید این خبر را بگوش مردم زحمتکشان برسانید و با اتحاد و همصد شدن خواستار آزادی نماینده زندانی کمپ "ب" و سایر زندانیان انقلابی شوید.

نماینده کمپ "ب" آزاد باید گردد!  
زندانی سیاسی انقلابی بهمت توده ها آزاد باید گردد!  
مرگ برای مبریا لیس و ارتجاع داخلی حامی آن!  
برق سرار بسا جمهوری دمکراتیک خلق!  
"هواداران" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - ماهشهر ۵۹/۱۲/۲۶

### بمباران شهر ایلام توسط رژیم ارتجاعی عراق

در ادامه جنگ ارتجاعی مابین دور رژیم ارتجاعی رژیم ضد خلقی عراق تاکنون چندین بار به شهر ایلام حمله نموده است و بدنبال این حملات مدهای از مردم کشته و زخمی و تعداد زیادی خانه خراب شده اند. بمبارانهای مناطق مسکونی در تاریخ - های زیر صورت گرفته است:

- در ۱۷ اسفند ۵۹، دومین عراق خیابان اصلی شهر را بمباران میکنند که بر اثر این حمله بیش از ۵۰ تن کشته و بیش از ۸۰ تن زخمی میشوند و ۱۵ مغازه و خانه ویران میگردد.

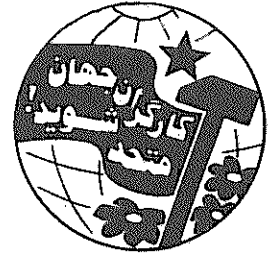
بدنبال این حمله پاسداران ارتجاع راههای خروجی شهر را بسته و مانع خروج خانواده های زحمتکش از شهر میگرددند.

- در تاریخ ۱ فروردین ۶۰، میگهای عراقی دو راکت به نقاط مسکونی شهر پرتاب میکنند که بر اثر آن ۱ نفر کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی میگرددند و چندین خانه ویران میشود.

همچنین عده ای از اهالی یکی از مناطق بمباران شده توسط مزدوران عراقی، با بییل و کلنگ به گروهی از پاسداران که در تپه "خرگوشان" بودند، حمله کرده و قصد کشتن آنها را مینمایند برآستی که زحمتکشان مناطق جنگ زده دشمنان بقیه در صفحه ۱۳

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

# مبارزات طبقه کارگر در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی



سومین سالگرد روز جهانی کارگر تحسنت  
حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، در شرایطی فرا  
میرسد که طبقه کارگر ایران در این مدت کوتاه  
تجارب بسیاری را از سرگذرانده است. مبارزات  
طبقه کارگر در این مدت بر متن بحران اقتصاد-  
اجتماعی عمیق جامعه و اعتلا جنبش انقلابی  
توده ها، همراه با افت و خیزها و نوسانات پی در  
پی بوده است که ارزیابی و تحلیل آن برای  
هر چه آگاهانه تر پیش بردن این مبارزات،  
ضرورت دارد. اما آنچه که مقدم بر همه لازم است،  
مشاهده دقیق روند جنبش طبقه کارگر در این مدت  
با تمامی نوساناتش میباشد.

ما در این نوشته می‌کوشیم تا سیر مبارزات  
طبقه کارگر را به شکل عینی و در ارتباط با  
یکدیگر بررسی کنیم تا کارگران مبارز و  
زحمتکش بتوانند بدوران زعوا مفریبی های  
دستگاه های تبلیغاتی رژیم و نعل وارونه  
زندنهاش، چگونگی حرکت طبقه خویش را بعد از  
قیام مشاهده کرده، ضعفها و نقاط قوت آنرا  
دریابند. چرا که همانگونه که تجربه جنبش جهانی  
کارگری تاکنون نشان داده، بدون پی بردن  
کارگران به اشکالات مبارزاتشان و بدون  
افزایش این اشکالات، سطح مبارزات کارگران  
رشد و ارتقا نیافته و تمامی تلاشهاشان برای  
خلاصی از قید و بندهای زجرآور جامعه سرمایه داری  
و بهبود شرایط زندگیشان، مانند آبی خواهد بود  
که در کویر تشنه فرو میرود.

بزرگترین ضعفی که جنبش طبقه کارگر از  
آن رنج برده و میبرد، محروم بودنش از ستاد  
رهبری کننده و اصلی ترین سلاح کاری در مبارزه  
طبقه ای اش، یعنی حزب طبقه کارگر میباشد.  
بزرگی این ضعف زمانی مشخص میشود که بداند نیم  
بدون حزب، نه تنها امر انقلاب پرولتری پیش  
نخواهد رفت، بلکه حتی انجام انقلاب دمکراتیک  
و فدا مپریا لیستی خلق نیز مشروط به اعمال  
رهبری طبقه کارگر از طریق ستاد در زمینه اش  
یعنی حزب کمونیست، میباشد.

ضعف جنبش کارگری ایران تنها به کمبود  
حزب طبقه کارگر، بهمانه ستاد در زمینه پرولتاریا  
محدود نمی‌شود، بلکه بیعت عدم وجود شوراهای  
اتحادیه ها، سندیکاها و کارگری و دیگر تشکلهای  
ابتدائی طبقه کارگر از یکسو و نبود پیوند  
مستحکم بین کمونیستها و طبقه کارگر ایران،  
مبارزات کارگران ایران عمدتا پراکنده و



تظاهرات عظیم ویر شکوه اول ماه مه در ۱۳۵۸

## زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!



اقتصادی میباشند و زمینروست که میبینیم مبارزات طبقه کارگر اگرچه از نظر تعداد، بیشترین حجم مبارزه را تشکیل میدهد، اما باخطر همین پراکندگی و عدم یکپارچگی قدرت طبقه کارگر، مبارزات کارگران نمیتوانند تا شیب تعیین کننده ای در جوسایسی و خواستههای سیاسی - انقلابی و ضدا مپریالیستی توده ها داشته باشد.

حال برای آنکه تا شیرات این کمبودهای جنبش کارگری را در عمل و در روند مبارزات دو ساله اخیر ببینیم، به بررسی این مبارزات می پردازیم. با توجه به آنکه یورشهای گسترده و عوامفریبیهای رژیم نظیر براندازی و ختن واقعه سفارت، موجب بروز تغییراتی (افت و خیزهایی) در سطح مبارزات طبقه کارگر گردیده لذا برای بررسی دقیقتر این مبارزات را به چند مرحله تقسیم کرده و مورد توجه قرار میدهم.

### ۱- بعد از قیام بهمن ماه تا مرداد ۵۸

درا یندوره مبارزات کارگران در شرایطی شکل میگیرد که توهم نسبت به حاکمیت جدید بسیار بالاست و اغلب توده ها و از جمله کارگران رژیم جمهوری اسلامی را حکومتی "خودی" می بینند و آنرا که گویا فقط دارای ضعفهایی است! شلیفات رژیم مزدورانش مبنی بر اینکه "حکومت جدید وارث سالها خرابی و کثافتکاری رژیم شاه است و تا پاک کردن آثار آن به زمان احتیاج ندارد"، و دعوت خیانتکاری چگون با زرگان که در رأس دولت موقت قرار گرفته بوده به اینگونه میباشند "مبارز انقلابی" داشت، بر توهم و خوشبختی کارگران و سایر توده ها مانع میزد اما فشار رشد اقتصاد که ناشی از بحران سیستم سرمایه داری وابسته (و نه صرفاً حاکمیت رژیم شاه) بود، بیش از همه برگرداند کارگران وارد میآمد. بخصوص که ما هم اعتقاد و دریا فست نکردن حقوق در او خرم رژیم شاه از طرفی، و بیکاری گسترده و خائنان براندازی که بعلت فرار سرمایه ها و تعطیل کارخانه ها و... ایجاد شده بود، از طرف دیگر، کارگران را در آستانه فلاکت و فقر شدید قرار داده بود. رژیم ضدا انقلابی حاکم نیز بنا بر ما هیتش اقدامی جز تشدید بیکاری و بحران انجام نمیداد.

بدین لحاظ کارگران اندکی بعد از استقرار رژیم جدید، در محنه مبارزه (اینبار مستقیم و غیر مستقیم بر علیه رژیم جدید) ظاهر شدند. مصلحت بعلت حاکمیت توهم براندازی نشان، این مبارزات غالباً شکل دفاعی و آرامی نظیر تحصن و

اعتصاب غذا داشته و از نظر محتوی عمدتاً اقتصادی بودند، بعنوان مثال با یداز نمونه های زیر نام برد: تحصن ۱۲۰۰ تن از کارگران شهرک اکباتان در وزارت کار در روز ۱۵/۱۲/۵۷ برای دریافت حقوق و مزایای شان، تحصن ۷۰۰ نفر از کارگران کارخانه کاشی سعیدی در اداره کار شهر ری برای خواسته های رفاهیشان در روز ۲۰ اسفند ۵۷ و با توجه به نقش برجسته ای که مبارزات کارگران بیکار در این دوره داشته اند، یاد میآورد زیر را ذکر نمود: تحصن و اعتصاب غذای حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران بیکار در تهران در وزارت کار که از ۲۷/۱۲/۵۷ آغاز شده و تا چند روز بعد از عید نیز ادامه مییابد و انعکاس بسیاری در میان توده ها برجای میگذارد. همچنین تظاهرات ده



هزار نفری بیکاران اصفهان در روز ۱۶/۱/۵۸ قابل توجه است که موجب وحشت بسیار رژیم گردیده و چهره ضد کارگری و خشن آنرا به نمایش میگذارد. در این تظاهرات در دوران جمهوری اسلامی بصوف کارگران بیکار شلیک کرده و اقدام به ترورنا جوانان را در قریب ناصرتوفیقین می نمودند. نکته مهم در این حادثه روحیه و اقدام مقابله جویانه و شجاعانه کارگران بود که بزود و خورد با مزدوران پزدا خفت و با تحصن خود در روز بعد، مبارزات خویش را از محدوده خواست های منفی خارج کرده و به آن جنبه سیاسی میدهند.

علاوه بر خواسته های منفی که شکل غالب در مبارزات کارگران بود، یکسری مبارزات با خواست اعمال اراده کارگران بر تولید انجاء میگرفت که عمدتاً تحت رهبری تشکلات کارگری ایجاد شده در جریان قیام، صورت میگرفتند. نظیر تحصن و اعتصاب غذای چندروزه کارگران کارخانه متوساک در روز ۹/۲/۵۸ برای اداره کارخانه که موقتاً به پیروزی میرسد، و یا اعتصاب

سراسری کوره پزخانه های آمل در اردیبهشت ۵۸ برای یکسری خواسته های منفی که منجر به کنترل ۱۱ کوره پزخانه توسط کارگران می شود. همچنین اعتصاب اقدام انقلابی کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز منتهی به اخراج مدیر مزدورشان و بدست گرفتن اداره کارخانه در او خرداد ماه. اما برجسته ترین جنبه مبارزات طبقه کارگر در این دوره مربوط میشود به برگزاری باشکوه روز جهانی کارگر که در سر تا سر ایران و بخصوص در تهران عظمت خاصی داشت. تظاهرات این توده در تهران حدود نیم میلیون نفر را گرد آورده بود، تحت رهبری کمونیستها و با شرکت چندین هزار کارگر برگزار گردید و نمايش قدرتی بود که لرزه بر اندام ارتجاع و رژیم حاکم انداخت. این تظاهرات ای از قدرت طبقه کارگر بود که در فریادهای کارگران زحمتکش و نظا هر کسندگان انعکاس یافت. این روز که نخستین تظاهرات واقعی و علنی کارگری بعد از سالهای بسیار حاکمیت دیکتاتوری شاه بود، بیدارستی نقطه درخشانی در جنبش طبقه کارگران ایران بنسب مبارزات خواسته های مطرح شده در این مراسم غالباً سیاسی بود.

با گذشت زمان، کارگران در کنار سایر توده ها مشا هده میکردند که چگونه رژیم از بر آوردن کوچکترین خواسته های شان عاجز است و چگونه برای پاسداری از سیستم سرمایه داری وابسته به سرکوب و کشتار و اعمالی شبیه آنچه که رژیم جنایتکار شاه انجام داده بود، متوسل میشود. در این شرایط اگر چه بخش آگاه جنبش طبقه کارگر "بخشی جنبش کمونیستی، خود دچار آنخافات و درکهای راست روانه از رژیم بود، ولی مجموعه افشاگریها و تبلیغات کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی در این دوره به روشنتر شدن ذهن کارگران در مورد ماهیت سرمایه داری و رژیم جدید، کمک نمود و بدین ترتیب کارگران کم کم بی میبردند که در جریان قیام چه فریب بزرگی خورده اند! یعنی در شرایطی که حاکمیت جدید محصول سازش نا رهبران خلق با امپریالیسم بوده و از نظر ماهیت بورژوازی و ضدا انقلابی آن هیچ تفاوتی با رژیم گذشته نداشت، توده ها بر این توهم بودند که گویا رژیم جدید محصول مبارزات و قیام خودشان است

بدین ترشیب توهمات کارگران شروع به فروریختن نمود و انعکاس آن در شدید تر شدن مبارزاتشان آشکار گردید. بعنوان نمونه از مبارزات قهرمانانه کارگران کارخانه مینو خرم در او خرداد ماه با یدنا میزد، که بعد از تیراندازی و حمله به پاسداران به اجتماع کارگران و دستگیری نمایندگان نشان توسط مزدوران رژیم، کارگران مبارز با پرچم ختن پیراهن خونین رفقایشان به تظاهرات پرداخته و جاده اصلی تهران - تبریز را ساعتها مسدود میثما یند. آنها آنچنان متحد و یکپارچه و با





اراده استوار به مبارزات خویش ادا می‌دهند تا سرانجام رژیم سرما به داری حاکم را وادار به عقب نشینی و آزادی رفقایشان میسازند. آری، این حرکت انقلابی کارگران که انگکس و سوسی در میان طبقه کارگرا شدت بیان روشنسی از آشتی نا پذیری خواستهای کارگران ورژیم عوامفریب جمهوری اسلامی بود.

رشد و ارتقا مبارزات طبقه کارگر در کنار شدیدتر شدن مبارزات سایر طبقه ها بخصوص خلق - های قهرمان کرد و ترکمن و افزایش مبارزات توده های شهری برای کسب آزادیهای دموکراتیک و گسترش فعالیت انقلابی و افشاگرانه کومنیست ها و انقلابیون دیگر رژیم را بر آن داشت که برای حفظ حاکمیت خویش به یک یورش همگانه جانبدارانه نسبت به توده ها و نیروهای انقلابی دست بزنند و بدین ترتیب مرحله دوم جنبش طبقه کارگر با فرمان جهاد آیت الله خمینی بر علیه خلق رزمندگردد آغاز می شود.

### ۳- از یورش به کردستان تا واقعه سفارت

این حمله حساب شده و همه جا نبه به دستاورد های انقلابی توده ها، از مدتی قبل تسارک دیده شده بود. رأ دیوتولویزیون و مطبوعات رژیم به لجن پراکنی بر علیه خلق دلاور کرد که برخلاف اغلب توده ها، اسیر خوشبوری نسبت به رژیم جدید نگشته و بعد از نوروز خونین ۵۸ به مبارزه مسلحانه انقلابی بر علیه رژیم دست زده بودند. پردها غتند، آنها سعی داشتند با وجود آوردن جو ضد کردی "زمینه کشتار خلق کرد را در میان سایر خلقها فراهم نمایند. علاوه بر این، حملات اوپاشان و مزدوران رژیم بر علیه مطبوعات انقلابی و دمکراتیک و به آتش کشیدن دفاتر نیروهای کومنیستی و انقلابی در دانشگاه و بطور کلی ایجاد محیط رعب و وحشت کوشیدند تا خفقان سیاه خود را بر خلق قهرمان ما تحمیل کرده و انقلاب را خفه سازند.

این یورش که با استفاده از تمام نیروی رژیم و توهمات که توده ها نسبت به آیت الله خمینی داشتند، انجام گرفت، برای مدتی هر چند کوتاه ا فتی در مبارزات توده ها و طبقه کارگر وجود آورد. خفقان در کارخانه ها حاکم شد و هر حرکت اعتراضی بشدت سرکوب میگردد. برای مثال کمیته شهر منتهی البرز پخش اعلامیه را در کارخانجات ممنوع میکند، یک

کارگر منایح فولاد اواز بجرم پخش اعلامیه دستگیر و زندانی میشود، تظاهرات بخشسی از کارگران ایران ناسیونال در مرداد ماه به سر علیه آئین نامانضباطی، مورد حمله پاسداران قرار میگردد و یک کارگر مجروح میشود، ۱۰۰ کارگر مبارز زین دزبهر ماه توسط پاسداران سرما به دستگیر میشوند و... مبارزات کارگران بخصوص در ماه شهریور کاهش فراوانی می یابد. طرح ایجاد "نیروی ویژه" در کارخانجات که همان اذرا و حفاظت و ساواک رژیم گذشته بود و در مرداد ماه به تمویب "شورای انقلاب" رسید و بود، زمینه مناسبی برای عملی شدن مییابد. اما مدت زیادی نمیگذرد که بخصوص بعد از مقاومت حماسه آفرین خلق قهرمان کرد در مقابل یورش فاشتویا و توپهای ارتش آمریکا و پاسداران مزدور، مبارزات کارگران و سایر توده ها دوباره اوج میگردد. در واقع حمله رژیم برای خفه کردن انقلاب با شکست مفتضحانه ای بخصوص در کردستان مواجه میگردد.

تخص دو روز و چهار هزار نفره کارگران شرکت واحد را و خرابی بیورما برای افزایش دستمزد، راهپیمایی و اجتماع ۴۰۰۰ نفر از کارگران مبارز منایح فولاد اواز در سوم مهر ماه برای خواستهای ایجاد شورای مستقل، انحلال نیروی ویژه و تاکید بر ضرورت وحدت و یکپارچگی طبقه کارگر، تحصن هزار نفر از یونیکار - ان تبریز در استاندارای که علیه رژیم یورش پاسداران سرما به مقاومت قهرمانانه کارگران مواجه میشود، در اوایل مهر ماه، اعتصاب کارگران تخلیه و با رگیری بندر خمینی برای خواستهای رفاهیشان در آذرماه، پیروزی مبارزات کارگران نخب زرین برای آزادی رفقایشان در اوایل آبان و بالاخره مبارزات کارگران بیکار رتهرانی که به اشغال

انقلابی و مجدد "خانه کارگر" در روز ۵/۸/۵۸ توسط بیش از ۱۵۰۰ نفر منجر میگردد، همه و همه نمونه های از اوچگیری مبارزات طبقه کارگر هستند در کنار اوچگیری مبارزات سایر توده های انقلابی و گسترش اختلافات درون رژیم، حزب جمهوری اسلامی دست به حرکتی عوامفریبانه میزند، بدین صورت که با اشغال سفارت آمریکا توسط "دانشجویان خط امام" دارودسته حزب جمهوری در رژیم قدرت بیشتری گرفته و با تظاهرات "فدا میریالیست" بودن و ایجاد هیاهوی بسیار، برای مدتی بر امواج روبه افزایش مبارزات فدا میریالیستی و دمکراتیک توده ها سوار میشوند و بدین ترتیب مرحله جدیدی در مبارزات طبقه کارگر و توده ها بوجود میاید.

### ۳- از اشغال سفارت تا اردیبهشت ۵۹

رژیم با استفاده از توهمی که در ذهن طبقه کارگر وجود آورده بود، از این پس هر حرکت اعتراضی و مبارزاتی کارگران را تحت عنوان "تحریک ضد انقلاب" و "توطئه آمریکا" سرکوب مینماید و هر خواست حق طلبانه آنها را به بهانه آتشکاز آمریکا قصد اخلان نظامی دارد و "مادر مبارزه" اقداماتی قرار داد رژیم "نظارت بر آن، ساکت میگردد، رژیم که با یورش و سرکوب همه جا نبهش در تابستان نتوانسته بود انقلاب را خفه سازد، اینبار با دامن زدن بر توهم توده ها و رنگ آمیزی چهره ضد مردمی خویش، نتوانست برای مدتی اذهان توده ها را منحرف کرده و از سوی دیگر به یمن گرفتن دستاوردهای مبارزاتی آنها بپردازد.

در رابطه با جنبش طبقه کارگر، میتوان از اعمال ضد کارگری زیربمعنوان نمونه نام برد:



تظاهرات نیروهای کومنیست در اوایل ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۵۹)

کارگران جهان متحد شوید!



تصویب ماده ۹ قوانین "جرائم ضد انقلاب" که برای کارگران مبارز و انقلابی ۲ تا ۱۰ سال زندان تعیین کرده بود، ممنوعیت هرگونه تظاهرات و تحصن و اقدام مبارزاتی کارگران، از سوی "شورای انقلاب" در اوایل آبانماه، استقرار "نیروی ویژه" در صنعت نفت در اوایل آبان به منظور سرکوب مبارزات کارگری و تعقیب و اخراج کارگران، تصرف خانه کارگر بوسیله ساداران مزدور رژیم در اوایل آذرماه و تصمیم شورای انقلاب در بهمن ماه مبنی بر اجرای ۴۸ ساعت کار در هفته برای کارگران و دهها نمونه دیگر از اقدامات سرکوبگرانه رژیم در این دوره است.

اما علیرغم اینها مبارزات کارگران متوقف نگردید، کارگران بیگانه که شدیداً در معرض فقر و فلاکت قرار داشتند، زودتر از سایر کارگران عکس العمل نشان دادند و در اغلب موارد تغییراتی در شعارهای مبارزاتی شان رخ داد که از جمله آنها اضافه شدن یکسری شعارها و خواستهای ضد امپریالیستی بر شعارها و خواستهای قبلیشان بود. مثلاً کارگران بیگانه تهران در ۵۸/۸/۲۱ به اشغال انقلابی وزارت کار میپردازند و کارگران بیگانه قزوین در روز ۵۸/۸/۲۲ ضمن راهپیمایی با شکوهی ابتدایه مدت ۲ روز و سپس ۱۷ روز در اداره کار این شهر متحصن میشوند و در روز ۵۸/۹/۳۰ حدود ۴۰۰۰ نفر از کارگران سندیکای پروژهای آبادان و خومه با انجام راهپیمایی سیاسی و پیرشکوهی خواها ن لفقو قرار دادهای امپریالیستی و پرداخت بیمه بیگاری و ایجاد کار شدند.

البته واقعه سفارت در منصرف نمودن مبارزات کارگران نیز نقش قابل توجهی ایفا کرد. بدین ترتیب که کارگران که مبارزاتشان به صورت عمومی، آنها را در مقابل رژیم قرار داده بود، اینک با تظاهرات ضد امپریالیستی خود، بدنبال حزب جمهوری عوام فریب روان گشته و بنا بر دست با پشتیبانی از حرکت سفارت سمع و سوی مبارزه شان بزرگترین رژیم ضد انقلابی خاکم میبرد، انعکاس این انحراف در مبارزات کارخانهها نیز به صورت مبارزه برای دولتی کردن کارخانهها (با این توهم کگویا دولتی کردن همان ملی کردن است) و در حقیقت کشکش بین دو جناح حزب ولیبرالها و... منظور می گشت.

البته توهم کارگران اینبار هم دیگری نبود و بعد از گذشت چند ماه، جنبش کارگری مجدداً روبه‌وج نهاد. اما با تجاربی که

کارگران در این مدت کسب کرده بودند، شیوه های مبارزاتیشان تعرضی ترکشده و کارگران در مقابل سرمایه داران و حتی مزدوران اسلحه بدست رژیم ایستاد و از حقوق خویش دفاع می نمودند و در بسیاری از این مبارزاتشان رژیم را وادار به یکسری عقب نشینی ها نیز کردند. از جمله میتوان به اعتصاب پیروزمندانسه ۵۰۰۰ نفری کارکنان کارخانه چوکا در اوایل خرداد ماه اشاره کرد که به گروگانگیری سرپرست مزدورشان کشیده شد و موجب اخراج افراد مسلح از کارخانه و قدرت یابی شورای کارگران گردید. ویسا راهپیمایی کارگران مجتمع فولاد اهواز برای لغو قرارداد های امپریالیستی و رسمی شدن کارگران بیمانی در اوایل خردادماه، اعتصاب کارگران شهرداری بندرعباس برای آزادی ۱۳

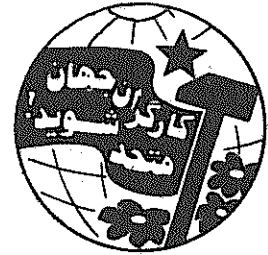


تن از زمان پندگانشان در ۵۸/۱۱/۹، راهپیمایی ۲۰۰۰ نفر از کارگران پروژه ای گساران در ۵۸/۱۱/۲۲ و پیروزی کارگران کارخانه نازخ قزوین در اوایل اسفند که با گروگانگیری مسئولان و راهپیمایی برای آزادی نمایندگان خود توأم بود، نمونه های از حرکات انقلابی و تهاجمی کارگران در شهرها بود. یکی از خواستهای کارگران که در اوایل خردادماه ۵۸ محور مبارزات کارگران قرار گرفته بود، مسئله سود ویژه و تلاش رژیم برای حذف آن بود. اعتصاب و میتینگ عظیم بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران ۴۴ کارخانه کیلان که در روز ۵۸/۱۲/۲۰ و بدعت "اتحاد شورا های کیلان" انجام میگیرد، نمونه با شکوهی از وحدت و قدرت طبقه کارگر را بنمایش گذاشت که موبراندا سرمایه داران و رژیم خا میشان راست نمود. خواستهای کارگران در این اجتماع سیاسی و اقتصادی بوده و برای نمونه خواهان برسمیت شناخته شدن شوراها، قطع وابستگی به امپریالیسم، لغو قانون آریامهری کار و تدوین قانون جدید توسط کارگران بودند.

در تهران مبارزات کارگران تحرک و جلوه خاصی داشت بطوریکه رژیم را عاصی و وحشتزده کرده بود. موازین نمونه های برجسته آن بودند: مبارزات با شکوه کارگران کارخانه مینو برای خواستهای چون سود ویژه در اسفند ماه که با انحلال شورای قلبی و گروگانگیری مقامات کارخانه آغاز شد و منجر به هجوم وحشیانه پاداران سرمایه به کارگران گردید همچنین کارگران مبارز کارخانه ایرانا بعلت کاهش سود ویژه در روز ۵۸/۱۲/۱۷ دست به اعتصاب و گروگانگیری زده و با کنترل کارخانه تجار ب گرانپاشی از همبستگی و فداکاری کارگران برای میگذرانند. مزدوران مسلح رژیم با یورش خود به کارخانه و زندانی کردن ۲۵ نفر و اخراج ۶۵ کارگر مبارز، به سرکوب حرکت انقلابی کارگران میپردازند. همچنین است مبارزات قهرمانانه کارگران کارخانه نهدا روپخش برای دریافت سود ویژه که به تحسن کارگران میانجامد و با یورش ارتجاع در فروردین ۵۹ که منجر به زخمی شدن چند کارگر مبارز و اخراج چند نفر دیگر میشود، سرکوب میگردد. اگرچه در این مبارزات انحرافات آنرا کوسندیکالیستی نیز وجود داشت که خود لطماتی به مبارزات کارگران وارد آورد.

اوایل اسفندماه کارگران بیگانه در پیروزی و اندیمشک به تظاهرات بر علیه رژیم میپردازند و مورد یورش وحشیانه ۳ بدستان جمهوری اسلامی قرار میگیرند که در درورد ۴ تن شهید و دهها تن زخمی می شوند و در اندیمشک نیز ۲۱ نفر زخمی و دستگیر شده و ۵ نفر که یکی از رفقای هوادار سازمان (بنام حجت الله خوش کفا) نیز در میان آنها بود، شهید میشوند. این جنایات و وحشیانه که در فاصله کوتاهی از یکدیگر در مورد بیگاران انجام میگردد، موج خشم و نفرت را در میان توده ها و بخصوص طبقه کارگر ایران دامن میزند. موج افشاگریهای کمونیستها و نیروهای انقلابی پیرامون این قتل عامها، در شکستن هر چه بیشتر توهم توده ها موشرمانا فتدورا هیما شیهای متعددی از سوی بیگاران سازمانها در محکوم کردن این جنایات، برقرار میشود.

رویه مرفته، اوچگیری جنبش توده ای در این مقطع، که با کاهش چشمگیر توهم توده ها نسبت به رژیم و شدیدتر شدن مبارزاتشان همراه است، با ردیگر رژیم جمهوری اسلامی را تحسنت فشا ر قرار میدهد، بطوریکه برای نجات خویش تنها راه را تدارک یک یورش همجا نبه دیگر برای خفه کردن انقلاب در سرتا سرتا بران می بینند. از اینرو اینبار با تمام قوا به کردستان قهرمان یورش برده و از هوا و زمین به کشتار خلق بیدفاع کرد میپردازند. همزمان با حمله مجدد به کردستان، دانشگاهها این سنگر آزادیهای دمکراتیک و فعالیتهای انقلابیون و کمونیست ها، مورد هجوم و با شان و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرد. رژیم بدینوسیله



میکوشد تا با ردیگر با ایجا دمحیط خفان، هر -  
گونه صدای اعتراض آمیز و هرنمای افشاگرانه  
را در منطقه خفه کرده و با بی خبرگذاشتن توده ها  
از واقعیت امر، دروغپردازیهای خود را بخورد  
آنها داده و با خیال آسوده به سرکوب انقلابیون  
بپردازد، اما چه خیال خامی! خلق قهرمان کرد  
و دانشجویان انقلابی اگر چه خونهای بسیار  
نثار انقلاب نام تمام خلق کردند، اما به همراه سایر  
توده های انقلابی هرگز اجازه خفه شدن انقلاب  
را ندادند.

### ۴- از هجوم گسترده ارتجاع در اردیبهشت ۵۹ تا جنگ ایران و عراق

انکسار سرکوبگری رژیم در جنبش طبقه  
کارگر در این دوره غالباً بشکل از هم پاشیدن  
تشکلات کارگری نظیر کارکنان شوراها، شوق،  
اتحادیه شوراها، گسترش صنایع، اتحادیه  
شوراهای اراک، اتحادیه شوراهای گیلان و  
شوراهای واقعی کارخانجات و سرکوب و اخراج  
کارگران انقلابی و ضراب، بود. بعنوان نمونه  
با پیدایش اذیت یکی از کارگران شرکت نفت به  
دست پاسداران ارتجاع، حمله به شورای کارکنان  
تراکتورسازی تبریز، اخراج ۹ تن از کارکنان  
مبارز کارخانه تاج اصفهان، اخراج ۱۷ تن از  
کارگران مبارز کارخانه ایرانا و اخراج ۸ تن  
از کارگران مبارز کارخانه کارتن سازی قزوین  
که همگی در اردیبهشت ماه انجام گرفتند، نسام  
بود. همچنین اخراج عده ای از کارگران ماشین  
سازی و تراکتورسازی تبریز در خردادماه،  
دستگیری نمایندگان کارگران کارخانه  
"ماکا" در خردادماه، اخراج کارکنان شرکت نفت  
لاهنکو، دستگیری نمایندگان کارخانه دیسمان در  
مردادماه و... نمونه های دیگری از اقدامات  
سرکوبگرانه رژیم در این دوره اند.

مراسم روز جهانی کارگر اگرچه همچون سال  
۵۸ ولی هم توسط تشکلات کارگری و هم توسط  
نیروهای کمونیست بصورت تظاهرات و راهپیمایی  
بزرگزار میشود. مهمترین مبارزه ای که طبقه  
کارگر در کشوقوس سرکوبگرانه رژیم  
بدان دست میزند، اعتصابات گسترده کارگران  
کوره پزخانه های تهران است که جمعا حدود ۱۵  
هزار کارگر در نیمه اول اردیبهشت دست به  
اعتصاب میزنند. کارگران در مقابل یورش

پاسداران سرمایه که همواره در اینگونه موارد  
نقش درجه اول را در سرکوب کارگران به عهده  
داشته اند، دست به مقاومت قهرمانانه ای زده و  
حتی در مواردی مزدوران را خلع سلاح میکنند.  
اما بعد از آن برای مدت کوتاهی رکودی  
در مبارزات کارگران بوجود میاید، که دوام  
چندان نمیاید و زتیرما به بعد شاهدا و جگیری  
و شدت یابی مجدد مبارزات کارگران هستیم.  
مثلا در قاشمشهر کارگران مبارز روز ۱۵/۴/۵۹ به  
پشتیبانی از مبارزات سایر توده ها و دانش -  
آموزان انقلابی دست به اعتصاب و تظاهرات  
سیاسی و خونینی میزنند و در مردادماه کارگران  
کارخانه کشف کارگیلان نماینده مجلس را از  
کارخانه خویش بیرون میکنند. همچنین کارگران  
کارخانه پارس متال تهران بعد از یکماه و نیم  
مبارزه که تمام مبارزگان تکبیری مقامات کارخانه  
بود، در شهریورماه به پیروزی رسیده و موفق به  
بازگرداندن نمایندگان اخراجی خود میشوند.  
در مقابل رشد مبارزات کارگران و سایر  
توده ها که توهم آنها نسبت به رژیم مرتباً در حال  
کاهش یافتن است، رژیم به چاره جویی افتاده و  
یکسری مقررات ضد کارگری جدید وضع میکند.

ما بنده قانون ۴۴ ساعت کار اجباری که توسط  
شورای انقلاب در شهریورماه اعلام میشود.  
همچنین تعطیل پنجمین ماه لغو میگردد. تا اینکه  
جنگ ایران و عراق پیش می آید و در پی آمدن  
ابعاد تازه ای پیدا کرده و شدت میاید.

### ۵- از شروع جنگ تا کنون

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی پایگاهش  
را در میان توده ها به نسبت قابل توجهی از دست  
داده بود و عوام مغربیهایش دیگر موثر نبوده و  
روز بروز بیشتر در مقابل مبارزات توده ها در  
انزوا و انفراد قرار میگرفت، جنگ ایران و



گوشه ای از شعارها و خواستهای حق طلبانه کارگران در راهپیمایی باشکوه  
۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، مقابل خانه کارگر

## زنده باد سوسیالیسم!



را در توهم نگهدارد، جنگ نیز مدت زیادی موجب رکود مبارزات کارگران و سایر توده‌ها نگردد، بخصوص که اینبار تشدید بحران اقتصادی در اثر جنگ، موجب گسترش بیسابقه بیکاری و گرانسی ما می‌گردد. مردم شده و فقر و فلاکت آنان را به سطح بیسابقه‌ای رسانده است. مبارزات کارکنان مناطق جنگ‌زده صنعت نفت ابعاد فراوانی می‌یابد، برای نمونه در روز ۵۹/۸/۱۰ کارکنان پالایشگاه آبادان در اجتماع خود در مقابل شرکت نفت تهران فریاد اعتراضی خود را بگوش مردم میرسانند، همچنین روز ۵۹/۸/۱۷ حدود ۲۰۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت در ماهشهر دست به راهپیمایی می‌زنند. در تهران از روز ۵۹/۹/۲۹ تا اوایل دیماه بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران جنگ‌زده خرمشهر دست به تظاهرات و راهپیمایی‌های متعددی می‌زنند. روز ۵۹/۱۰/۶ حدود ۵۰۰ تن از کارکنان جنگ‌زدگان با خا توده‌ها پیشان در دفتر مرکزی شرکت نفت متحصن میشوند و در شهرهای شیراز، اصفهان، ماهشهر، کارکنان جنگ‌زده دائماً اجتماعات متعدد برگزار کرده و ضمن طرح خواسته‌های برحق خویش به افشای عملکردهای ضدکارگری رژیم می‌پردازند. از جمله این اقدامات طرح بازنشستگی اجباری کارکنان، اخراج برخی از آنان، عدم پرداخت حقوق کامل کارکنان و سرانجام دستگیری ۳ تن از نمایندگان شورای سراسری کارکنان جنگ‌زده می‌باشد که کماکان در زندان‌ها و اقدامات اعتراضی و متعدد کارکنان مناطق مختلف جنگ‌زده تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است.

همچنین در تهران روز ۵۹/۹/۱۰ اعتصاب کارگران کارخانه کانا در ای به زده و خسورد خونین با پاسداران سرمایه‌کشیده می‌شود. کارگران قهرمان علی‌رغم دادن یک شهید و چند زخمی، دلیرانه در مقابل مزدوران می‌ایستند و ضمن تعرض بر علیه آنها چند مزدور را زخمی کرده و روحیه‌ای انقلابی از خود نشان می‌دهند. اداره کارگر توسط بیکاران این شهر مجدداً در روز ۵۹/۹/۱۵ به اشغال درمی‌آید. کارگران کارخانه سیمان سپاهان اصفهان در روز ۵۹/۹/۳۰ بغا طر قطع ایاب و ذهاب، دست به اعتصابی سه روزه می‌زنند که با یورش پاسداران و دستگیری ۱۵ کارگر مبارز مواجه می‌شود. کارگران دخت‌نیست بغا طر کم‌شدن ۲۵٪ حقوقشان دست به اعتصاب زده و چندین روز جلوی خروج تولید را میگیرند، تا

اینکه رژیم بوحشت افتاده و در مقابل آنسان تسلیم می‌شود. در اوایل خرداد ۵۹ مبارزه برای دریافت سود ویژه که رسماً توسط رژیم قطع می‌شود در کارخانجات سراسری اوج می‌گیرد. از جمله تحصن چند هزار نفره کارگران کارخانه کفش ملی است که با یورش وحشیانه پاسداران مواجه می‌شود و طی آن چند تن کارگر مجروح می‌شوند همچنین مبارزات برای سود ویژه در کارخانجات فیلیپس، ایران الکتریک، سایپا،

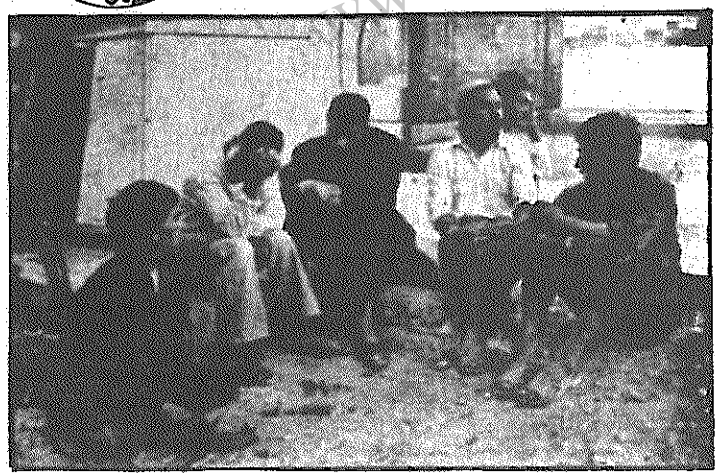
و... گسترده می‌شود. کارکنان شرکت واحد نیز با اعتصاب و تحصن خود در روزهای ۳ تا ۵ اسفندماه، رژیم را تحت فشار قرار داده و او را وادار به واکنش سریع و سرکوبگرانه می‌کند. این مبارزات و دهها نمونه دیگر که روز بروز گسترده‌تر می‌شوند، بیانگر اوچگیری جنبش انقلابی طبقه کارگر است که بر متن اعتلای انقلابی جامعه نوید پیکار رهسای بزرگی را در آینده می‌دهد. رژیم جمهوری اسلامی علی‌رغم تمام می سرکوبگریها و عوا مغریبها پیش امروزه ضعیف‌تر و جزئی‌تر است که بتواند انقلاب زده‌ها را خفه سازد و این واقعیت را از حاد شدن اختلافات درونی رژیم بخوبی می‌توان تشخیص داد. از سوی دیگر مبارزات طبقه کارگر

بعد از قیام افت و خیزهای متعددی را پشت سر گذاشته و اکنون در حال خیزش است. اما همانطور که در ابتدا گفتیم خود بخودی بودن این مبارزات وضعف، تشکیک کارگران (چه تشکیلات توده‌ای نظیر شوراهای واقعی کارگران و چه فقدان ستاد رزمنده‌اش یعنی حزب طبقه کارگر) موجب می‌شود که کارگران علی‌رغم تمام می از جانب گذشتگیها و قهرمانیها نشان نتوانند از مبارزات خود نتیجه لازم را بگیرند. بنا بر این آنچه که حتی از تجربه همین دو سال حاصل می‌شود، لزوم ایجاد هر چه سریع‌تر و پیگیرانه تر تشکیلات کارگری در مراکز تولیدی از طرفی و مهم‌تر از آن افزایش آگاهی طبقه کارگران و ضرورت ایجاد حزب طبقه کارگر از طرف دیگر، می‌باشد. چرا که تنها بکمک حزب است که طبقه کارگر می‌تواند راه خود را بسوی سوسیالیسم هموار ساخته و انقلاب دمکراتیک خلق را به پیروزی برساند.

مستحکم باد همبستگی جهانی طبقه کارگر!  
مرگ بر امپریالیسم جهانی!  
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!  
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!  
زننده بسوسیالیسم!



## همچون همه رژیم‌های سرمایه‌داری...



بیکاری شتری است که در رژیم جمهوری اسلامی  
همچون همه رژیم‌های سرمایه‌داری بر در خانه  
هر کارگری می‌خواهد.

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
روز جاری کارگر  
۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۰

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

اشقش روشنفکر و پرولتاریا

بیدایش قشر روشنفکر به تقسیم کار اجتماعی به کار فکری ویدی به او خردوردها معا اشتراکی اولیه و اوائل دوره نظام برده داری برمیگردد. جا معا سرما یه داری قشر روشنفکر را که در نتیجه این تقسیم کار بوجود آمده بود تنها بصورت یک قشر وسیع و منجمد در آرزو و آرزو او بسته به خود نمود. اقتضای مختلف روشنفکران که تماما با کار فکری سروکار داشتند بوجوه آتدند که در خدمت دستگا هاداری سیاسی، ایدئولوژیک، نظامی و اقتصادی بورژوازی قرار گرفتند. کارمندان ادارات، وکلای قضات، پزشکان، مهندسان، ماموران - بین نظامی، فیلسوفان، آموزگاران و دانشجویان و... تماما در نتیجه خصلت اجتناب عی نیروهای مولده جا معا سرما یه داری از یک طرف و احتیاج بورژوازی به حفظ مالکیت خصوصی خود بروسا ثل تولید از طرف دیگر بوجود آمده و بصورت یک قشر وسیع و منجمد درآمدند.

با وجود اینکه روشنفکران به شکل وسیع و منجمد خود در اثر تولید سرما یه داری و احتیاج بورژوازی بوجود آمده اند، ولی این وابستگی به آن مفهوم نیست که کجا کجا در خدمت بورژوازی باقی بمانند. از آنجا که روشنفکر در واقع آینه تفا دهای طبقاتی در جا معا هفت به دلیل اشتغال به کار فکری نسبتا اندک این تفا دها را به حساب - ترین وجهی متعین نشان زد. در نتیجه قشر روشنفکر نیز نسبتا ندر جا معا سرما یه داری تنها دارای یک ماهیت طبقاتی با شد و طبعا سمت گیریهای مختلف طبقاتی در آن، این قشرا به بخشهای مختلف طبقاتی تقسیم مینماید. گروهی در خدمت بورژوازی باقی مینمانند و گروهی بسمت پرولتاریا کشیده میشوند (و بخصوص اگر جا معا سرما یه داری عقب مانده و تولید خرد بورژوازی در آن غالب باشد) گروه بیشتری بمنوان روشنفکران خرد بورژوازی باقی مینمانند.

یک روشنفکر خرد بورژوازی البته میتواند با استفاده از ستریسی خود به علم و آگاهی، مواضع خرد بورژوازی و بورژوازی خود را ترک گفته و در جریان مبارزه طبقاتی، با تجهیز شدن به ایدئولوژی طبقه کارگر یعنی مارکسیسم لنینیسم، در جهت از بین بردن خصا ثل طبقاتی خود اقدام نماید. این امر مستلزم آن است که روشنفکر نه تنها در مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی شرکت نماید و بدین طریق در تغییر انقلابی جا معا فعا لانه شریک شود، بلکه علاوه بر آن با بدیده به - بله همرا ه با دست یافتن به ایدئولوژی پرولتاریا خصلتها ی گنبدیده بورژوازی و خرد بورژوازی را در درون خود موجودا بودا خت و بجای آن خصا ثل پرولتاری بنشانند. در همین رابطه، رفیق شور - خوجه در مقاله "درباره روشنفکران" میگوید:

"زمانی که یک کارگر کمونیست میشود، او احساس میکند چیزی که از قبل تا بحال

# روشنفکران و جنبش کمونیستی

(قسمت اول)

کاربرها کننده وفردی است، روشنفکر نیز مجبور است که هویت خود را در حفظ این شرایط فردی و پرورش استعداد های خصوصی خود جستجو نماید. این شرایط فردی، مستلزم روحیه انفراد منشی و آثارشیم روشنفکرانه میباشد که خود و لیسن خصلت اساسی این قشرا تشکیل میدهد.

درا و پنهان بوده است شکوفا شده، و فرهنگی را کشف میکند، که او را با تجیزی که تا بحال به تاریکی میدیده است، روشن میکند. او در مارکسیسم اظها ر واضح خودش را می نیابد و از چیزی که در ضمیرش بوده آگاه میشود. از این روزها نیکه یک کارگر کمونیست میشود خودش را با خت و محکم میکند

سرچشمه تمام خصا ثل روشنفکران معمولی از قبیل انضباط ناپذیری، خود محور بینی، عدم متانت، ناپیگیری، خیال پردازی، آکادمیسم، تزلزلات روحی و... را می توان در همین دو خصلت اساسی فوق، یعنی گرائی و انفراد منشی خلاصه کرد.

دومین خصلت اساسی روشنفکر معمولی، همان ذهنی گرائی است و ناشی از این واقعیت میباشد که روشنفکران با واقعیت های عینی سیلاوا بطه سروکار ندارند بلکه با نشانه های این واقعیتها از طریق کار فکری سروکار دارند. در نتیجه همیشه بین احتمال وجود ایدئولوژی روشنفکر در خطرا نحراف چشم بستن بروا قعیات عینی قرار گرفته و بنابینه تمایلات ذهنی خود، نشانه های این واقعیتها را بجای خود این واقعیتها عوضی بگیرد. سرچشمه تمام خصا ثل روشنفکران معمولی از قبیل انضباط ناپذیری، خود محور بینی، عدم متانت، ناپیگیری، خیال پردازی، آکادمیسم، تزلزلات روحی و... را میتوان در همین دو خصلت اساسی فوق، یعنی گرائی و انفراد منشی خلاصه کرد. رفیق لنین خود در توصیف همین روشن - مکران خرد بورژوازی و تفا د آنها با طبقه کارگر در کتاب "یک گام به پیش دو گام به پس" از قول کارکونسکی (که در آن زمان هنوز مارکسیست بود) چنین نقل قول میاورد:

"منظور من از روشنفکر فقط روشنفکر معمولی است که به جا معا سرما یه داری متکی است و نما بندده شاخص طبقه روشنفکران است. این طبقه یا پرولتاریا تفا دمعینی دارد.

این تفا دنو عش با تفا دبیین کاروسرما یه متفاوت است. روشنفکر - سرما یه دار نیست. صحیح است که وضع زندگی وی یک وضع بورژوازی است و مادامیکه به هرزه گرد تبدیل نشده است مجبور است این وضع را حفظ کند، ولی در عین حال او مجبور است محصول کار خود را غلب نیروی کار خود را نیز بفروشد و چه بسا متحمل استثمار از طرف سرما یه دار روخت و خواری اجتماعی معینی نیز بشود. بدین طریق روشنفکر با پرولتاریا هیچگونه تفا د ا قتما دی ندارد، ولی وضعیت

زمانیکه یک روشنفکر کمونیست میشود، وقتا یسع مانند قبل تجلو نمیروند. در هر مرحله پیسزوی آگاهی سوسیالیستی، روشنفکر مجبور میشود که چیزی از گذشته را خراب و ویران کند. بنا بر این او خراب میکند و میسازد، در اولین وهله او گمان میکند که چیزی نوین در مقابل خودش نیافریده. بلکه در حال مبارزه با خودش و بر علیه خودش است. زمانیکه یک کارگر کمونیست میشود، او می - داند که خوا هد جنگید و او غصاب خوا هد کرد و او را در مبارزه با سرما یه داری خواهد شد، و حتی ممکن است کشته شود اما با این وجود و فقط یک دشمن دارد و این دشمن یک دشمن خارج از اوست، این دشمن سرما یه داری است. در حالیکه روشنفکر میبایست که این نیرو را در دو وجه تجلو ببیند، یکم بر علیه خودش مبارزه کند و آن مبارزه است بر علیه خرد بورژوازی خمار و دوم بر علیه دشمن خارجی یعنی سرما یه داری.

دو خصلت مهم روشنفکران خرد بورژوازی، انفراد - گرائی و ذهنی گرائی میباشد. این دو خصلت دقیقا از شرایط کار روزندگی این روشنفکران برخاسته و انعکاس روحی وضعیت آنهاست. روشن - فکر خرد بورژوازی انفراد گراست، زیرا نسبت به قدرت فکری و دانش خود بعنوان یک مالکیت خصوصی تگریسته و آن همچون پیشه و ریا دگاندار - ی که به مایملک کوچک خود چسبیده است، سر - سختانه محافظت مینماید. او آن دانش و مهارت فردی را که در اثر استفاده از تعلیم و تربیت عمومی جا معا سرما یه داری (از قبیل استثمار بورژوازی از کارگران و زحمتکشان) بدست آورده است، همچون سرما یه ای گرائیها نزد خویش نگاه میدارد و میکوشد تا از محصولات کاراییسن سرما یه فقط خود منتفع گردد. از آنجا که شرایط کار را و نیز زمانندیش و ران و دکانداران شرایط

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

زندگی او و شرایط کارش بیرون ریا نمیست  
و از اینجاست که تضاد معنی از لحاظ روحیه و  
طرز تفکرناشی میشود.

بیرون ریا - مادامیکه فرد منفرد و مجزائیت  
- هیچ است... او تمام نیروی خود، تمام  
استعداد خود را برای ترقی و پیشرفت و تمام  
امیدها و آرزوهای خود را از زبان و فعالیت  
مشترک و منظم با رفقای کسب می نماید. او  
وقتی خود را عظیم و نیرومند حس میکند که قسمتی  
از بیکر عظیم و نیرومندی را تشکیل میدهد. این  
بیکر برای وی در حکم همه چیز است ولی فرد  
منفرد و مجزا نسبت به آن بسیار کوچک است.  
بیرون ریا با بزرگترین جانفشانها و مانندی  
جزئی از توده بی نام بدون منظورها می برای  
نفع شخصی و برای استعمار شخصی مبارزه می -  
کند و وظیفه خود را در هر شغلی و هر جا شیکه و را  
یکما رندا انجام میدهد و در طلبانه مطیع انضباطی  
است که در تمام احساسات و تمام تفکرات و رخنه  
کرده است.

ولی وضع روشن فکر بکلی طور دیگری است.  
مبارزه او از طریق بکار بردن نیرو و بنحوی از  
انحاء نیست بلکه از راه استدلال است. اسلحه او،  
معلومات شخصی او، استعداد شخصی او و معتقدات  
شخصی اوست. او فقط در سایه صفات شخصی خود  
میتواند اهمیت معینی پیدا کند. به اینجهت  
آزادی کامل ابراز شخصیت خود برای او نخستین  
شرط کار موفقیت آمیز را تشکیل میدهد. اگر او  
بعنوان یک جزئی که در خدمت کل است مطیع یک  
واحد کل معینی میباشد، به زحمت و بحکم ضرورت  
به این اطاعت تن در میدهد نه بر حسب انگیزه  
شخصی، و ضرورت انضباط را فقط برای تسویه  
فائل است نه برای برگزیدگان. خودش را هم  
بدیهی است جزو برگزیدگان می شمارد....

**۴- جنبش کمونیستی و روشن فکران**  
بیرون ریا علیرغم اینکه این رسالت تاریخی  
را بنا بر شرایط اقتصادی و اجتماعی کارش به  
عهده دارده که با بدست گرفتن قدرت سیاسی از  
دست بورژوازی، خود را بصورت طبقه کام مشکل  
نموده و برای ساختمان سوسیالیسم و استقرار  
کمونیسم شرایط را آماده نماید، ولی نمیتواند  
بخودی خود بدون مساعدت روشن فکران بورژوا  
و خرده بورژوا که موضع طبقاتی خود را به نفع  
مواضع او ترک گفته اند، به این اقدام تاریخی  
موفق شود. علت اینجاست که بیرون ریا بدلیل  
نوع شرایط کار خود قادر نیست که در جا معمه  
سرمایه داری به تعلیم و تربیت خود پرداخته و مانند  
روشن فکران بورژوا و خرده بورژوا از مواهیب  
دانش عمومی بهره مند گردد. علیرغم اینکه  
ایدئولوژی طبقاتی او ناشی از محتوای زندگی  
و مبارزه طبقاتی اوست، ولی برای تدوین  
این ایدئولوژی لازم بود تا نخست روشن فکرانی  
پیدا شوند که با تسلط بردانش بشری، با به های  
تئوریک این ایدئولوژی را ریخته و آنرا بصورت  
یک علم یعنی مارکسیسم در آورند. بدیهی است  
که همین مساله در مورد انتقال ایدئولوژی

سوسیالیسم علمی به درون جنبش خود بخودی هر  
کشور نیز صدق می نماید. لنین در مورد تجربه  
روسیه در "چپا بید کرد؟" میگوید:

"ما کفتم که آگاهای سوسیال دمکراتیک در  
کارگران اصولا نمیتوانست وجود داشته  
باشد. این آگاهی را فقط از خارج ممکن  
بود وارد کرد. تاریخ تمام کشورهای گواهی  
میدهد که طبقه کارگر با قوای خود منحصر  
میتواند آگاهی تردیونینوینیستی حاصل  
نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که باید  
تشکیل اتحادیه دهد، بر ضد کارفرمایان

کافی نیست که بگوئیم فلان نیروی انحراف روشن فکرانه است، بدون اینکه روشن سازیم که  
این انحراف خود ناشی از عملکرد کدام سیستم فکری غیر رولتری میباشد. اشکال مختلف رویزیونیسیم،  
تروتسکیسم و دیگر انواع اپورتونیسیم، هم زمینه رشد خود را در تزلزلات روشن فکرانه میابند.

مبارزه کند و دولت را مجبور به صدور قوانینی  
نماید که برای کارگران لازم است و غیره.  
ولی آموزش سوسیالیسم از آن تئوریهای  
فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشوونما یافته  
است که نمایندگان دانشور طبقات دارا و  
روشن فکران تسبیح نموده اند. خود ما رکن و  
انگلس موجدین سوسیالیسم علمی معاصر  
نیز از لحاظ موقعیت اجتماعی خود در زمره  
روشن فکران بورژوازی بودند. بهمین گونه  
در روسیه نیز آموزش تئوریک سوسیالیسم  
دمکراتیک کاملاً مستعمل از تئود خود بخودی  
جنبش کارگری و بشما به نتیجه طبیعی و  
ناگزیر تکامل فکری روشن فکران انقلابی  
سوسیالیست بوجود آمده است.

تا هنگامی که جنبش کمونیستی نمیتوان  
یک گرایش ایدئولوژیک در یک طرف و جنبش  
خود بخودی طبقه کارگر بعنوان یک جنبش  
اتحادیه ای در طرف دیگر باقی بماند و ما بین  
این دو بیوند حاصل نشود، واضح است که هم جنبش  
کمونیستی و هم جنبش کارگری، مستعد پذیرش  
انحرافات غیر رولتری خواهد بود. از یکسو،  
جنبش کارگری بدون آگاهی رولتری و بدون  
رهبری حزب بیرون ریا می، با سادگی زیر بار  
براندیشه های بورژوازی حاکم خواهد رفت و  
بصورت یک جنبش کارگری بورژوازی درخواهد  
آمد و از سوی دیگر اگر جنبش کمونیستی در سطح  
روشن فکران باقی مانده و از بیوند با ما در خود  
یعنی طبقه کارگر محروم ماند، بدون شک بسام  
انواع و اقسام انحرافات خاص روشن فکران بورژوا  
خرده بورژوا خواهد افتاد و قادر نخواهد شد که به  
گرایش ایدئولوژیک خود به سمت بیرون ریا  
ما دیت بخشد و آنرا بصورت یک جریان اجتماعی  
در آورد.

معمولاً هنگامی که جنبش کمونیستی هنوز  
محدود به قشر روشن فکران بوده و نتوانسته است  
حتی در میان قشر پیشروتر کارگران نیز جا بی  
پیدا نماید، محیط مساعدی برای پرورش تمام  
خصائل منفی انفرادی گرایانه و ذهنی گرایانه  
است. در این محیط، گرایشهای مرتدانه، چون  
رویزیونیسیم و تروتسکیسم به سادگی رشد کرده و

میدان سرای ناخوت و تازیدها مینماید. از آنجا  
که هنوز بین روشن فکران علیرغم گرایش ایدئو-  
لوژیکشان به سمت بیرون ریا قادر نشده اند که  
به این گرایش عینیت مادی بخشند، در نتیجه  
تزلزلات و نوسانات بورژوازی در آنها بر احتی  
امکان بیرونی پیدا می نمایند.

در برخورد به این زمینه مسا عد برای بیروز  
انحرافات در قشر روشن فکران کمونیست، بیک  
اشتباه رایج آن است که اساساً به نفعی ضرورت  
روشن فکران کمونیست افتاده و برای فرار از  
تزلزلات روشن فکرانه به نفعی عنصر آگاه میبرسد.

این اشتباه خود زمینه ساز یک انحراف بورژوازی  
است که در نتیجه آن طبقه کارگر محروم از رهبران  
فکری خود مانده و در زیر آماج حمله بورژوازی  
قرار میگیرد. شکل پوشیده تر دیگر این انحراف  
که بصورت برخوردی خطت گرایانه رخ میدهد آن  
است که تصور کنیم بیروز انحرافات روشن فکرانه  
جدا از گرایشهای ایدئولوژیک - طبقه تسی  
حاملین آن است و در نتیجه برای مبارزه با این  
انحرافات روشن فکرانه فقط همین کافی است  
که با فردگرایی، ذهنی گرایشی، سکتاریسم، و  
امثال آن جدا بر خورد شود. غافل از اینکه  
تمام این تئوروات روحیه روشن فکرانه، خود  
ناشی از عملکرد ایدئولوژی بورژوازی و تفوذاشکال  
مختلف آن در درون جنبش طبقه کارگر - چون رویز  
- یونیسیم و تروتسکیسم و... میباشد. بعبارت  
دیگر کافی نیست که بگوئیم فلان نیروی انحراف  
روشن فکرانه است، بدون اینکه روشن سازیم که این  
انحراف خود ناشی از عملکرد کدام سیستم فکری غیر  
بیرون رتری میباشد. اشکال مختلف رویزیونیسیم،  
تروتسکیسم و دیگر انواع اپورتونیسیم هم زمینه  
رشد خود را در تزلزلات روشن فکرانه میابند. به  
ویژه تروتسکیسم از آنجا که بدلیل شکل خاص  
دستگاه ایدئولوژیکش با منافع هیچ یک از اقشار  
بورژوازی جزو روشن فکران بورژوا و خرده بورژوا  
خوانائی ندارد، بهراحتی درون این قشر نفوذ کرده  
و از آنها بصورت حاملین اجتماعی ایدئولوژی  
بورژوازی خود استفاده می نماید، واضح است که در  
این حالت، برای مبارزه با انحرافات روشن فکرانه باید  
کار را از مبارزه با تروتسکیسم جسید، و گرنه راه بجاش  
نخواهیم برد.

خلاصه کنیم مبارزه با انحرافات روشن فکرانه  
درون جنبش کمونیستی، تنها در پرتوکل مبارزه  
طبقاتی بیرون ریا و بخصوص با توجه به عمده ترین  
انحرافات ایدئولوژیک حاکم بر جنبش میسر است.  
در این مبارزه است که سوسیالیسم علمی از درون  
قشر محدود روشن فکران بیرون آمده و با پیوند  
یا فتن با جنبش کارگری و تانین استحکام  
ایدئولوژیک برای آن، از لحاظ عینی نیز زمینه  
برای عملکرد گرایشهای انفرادی منشاس  
ذهنی گرایانه، تا مسا عد تر میگردند. ادا

# گرامی باد خاطر ه مبارزات قمر ماخانه دانشجویان انقلابی در اول اردیبهشت ۵۹

اول اردیبهشت فرامیرسد و خاطر ه مبارزات  
مقاومت دانشجویان انقلابی در مقابل یورش  
ارتجاع به سنگرزادی، از نوزنده میشود.

سال گذشته در این روزها توطئه حاکم  
جمهوری اسلامی و با تا ئیدلیبرالها، دانشگاه  
های سراسر ایران مورد هجوم ساداران و اوباشان  
وابسته به حزب جمهوری قرار میگردد و آنها  
به شهادت میرسند.

در تهران، اوباشان حزب جمهوری اسلامی و  
سپاه ساداران با قمو و جاقو و مسلسل به دهها  
هزار نفر دانشجوی انقلابی و توده های آگاه که  
به گردن ترسای دانشجویان کمونیست حلقه  
زده بودند، تا آزادی فضا لیت سبایی  
دانشجویان انقلابی دفاع کنند، حمله کرده و  
دست کم ۴ نفر را به شهادت رساندند. در رشت،  
تتها جم مسلحانه ارتجاع به سنگرزادی و راه  
پیما ئی حمایت از دانشجویان انقلابی، ۱۴ شهید  
و دهها زخمی و دستگیر بجای گذاشت. در شیراز  
وزاهدان یک نفر به شهادت رسیدند. ابعناد  
جنابیت در اوز بسیار وسیع بود و در تها جسم  
گسترده با ساداران و اوباشان حزب جمهوری به  
سرکردگی غرضی استانداری و جنتی حاکم شروع  
اهاوز ۱۲ نفر شهید و نزدیک به هزار نفر زخمی و  
دستگیر شدند. تا لزشهداری را به زندان تبدیل  
کرده و هتصددا نشجورا در آنجا به بند کشیده  
بودند. هنگامی که ارتجاع با روحیه مقساوم و  
سرودخوانی دانشجویان اسیر مواجه میشود آنها  
را به رگبار مسلسل می بندد و تن را به شهادت  
میرساند. ترور در زندان ادا مه میباید و جمله  
رفیق کمونیست پیکا رگر شهید مهنا زمتمدی در  
زندان ترور میشود. تها جبهه دانشگاه جندی  
شاهپور بسیار روحشانه بود، بطوریکه به چندین  
دختر دانشجویان و زمیکنندویا دانشجویان را با  
قمو و جاقو تکه تکه میکنند. پس از این جناست  
رژیم رفقای کمونیست پیکا رگران شهید احمد  
موندن و مهدی علوی شوشتری را جها تفاق رفقای  
کمونیست مسعوددانیالی و دکتر نریمیا را در  
اهاوز رفیق فرامرحمیدرا در رشت به جرم عشق  
به خلق و دفاع از سنگرزادی تیرباران میکند  
رژیم با این کشتار فجع مدمات تعطیلی  
دانشگاهها را پی ریزی کرد و پس از ۱۴ خرداد  
۵۹، دانشگاهها را می بندد.

مسلسل بسته شده و به شهادت رسیدند و ابعناد  
دانشگاه بود که همواره بعنوان یک سنگر پیکا ربا  
امیریا لیسو و ارتجاع، احترام عمیق توده های  
انقلابی ایران را بر می انگیزت.

با سرنگونی رژیم شاه مزدور، بهمت حماسه  
آفرینی های توده های قهرمان ایران که  
دانشگاهها نیز نقش ویژه ای را در این سرنگونی  
ایفا کردند، رژیم جمهوری اسلامی با پایمال  
کردن خون و آرمایان هزاران شهید و با سازش  
با امیریا لیسو، بقدرت خزید و به حفظ و جراست  
منافع سرمایه داران و امیریا لیستها و سرکوب  
انقلاب پرداخت. دانشگاه که تمام تاریخ عمرش  
را به مبارزه با ارتجاع و امیریا لیسو مشغول  
بوده است نمیتوانست در مقابل این جنایات  
ساکت بماند.

پیچ و مهره های سرمایه داری وابسته نیا زمبرم  
دا شدند، توطئه یورش به دانشگاهها را نه بسرای  
به تعطیل کشاندن آنجا، بلکه برای سرکوب  
دانشجویان انقلابی و بخصوص کمونیست و بستن  
دفا ترسای آنان، ضروری میدانستند، در حالی  
که خمینی و سردمداران حزب جمهوری اسلامی  
در عین نیا زبه متخصصین برای با زسازی سیستم  
سرمایه داری وابسته میخواستند دانشگاهها را  
ببندند، چرا که میدانستند، نه شکنجه، نه زندان و  
نه تیرباران، هیچیک نمیتواند فریادهای آزادی  
خواهان و انقلابی دانشجویان را خاموش کند و  
تا دانشگاهها با زهستند، سنگرزادی همچنان  
خروشان خواهد بود. بدین ترتیب لیبرالها،  
حزب جمهوری، آیت الله خمینی و... که شا هدرشد  
دانشجویان انقلابی و کمونیست و افشاگری

و آگاهگری وسیع  
در دانشگاهها  
ایران بودند بر  
سرکوب خونین  
انقلاب در  
دانشگاهها به  
توافق رسیدند.  
این سرکوب  
خونین حلقه ای  
از تخریب و کشتار  
و سرکوب گسترده  
در سراسر ایران  
بود، رژیم جمهوری  
اسلامی پس از  
شکست اولین  
سرکوب عمومی اش



جنبش دانشجویان انقلابی پس از قیام بهمن  
همچنان دانشگاه را به سنگرزادی بدل نمود و  
بدفاع از آزادی و انقلاب پرداخت. دانشگاه  
همدستی ارتجاع حاکم را با امیریا لیستها و  
سرکوب خونین انقلاب در کارخانه ها و مسزراع،  
کردستان و ترکمن صحرا، دانشگاه و مدارس افشا  
میساخت و بدین ترتیب خاری بر چشم ارتجاع بود.  
همه جناحهای رژیم حاکم که مبارزات آگاهانه  
گرایانند دانشجویان انقلابی را نمیتوانستند  
تحمل کنند، همانند رژیم شاهان و دیگر رژیم  
های ارتجاعی، در صدد سرکوب خونین دانشگاهها  
برآمدند. لیبرالها که زعشق توده ها به دانشگاه  
اطلاع داشتند و میدانستند که تعطیلی دانشگاهها  
برامواج نا رضایتی آنها خواهد افزود و علاوه بر  
آن به متخصصین دانشگاهها برای سفت تر کردن

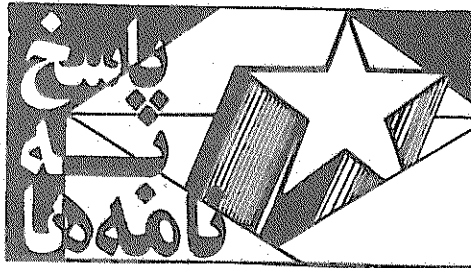
درمدا و شهرو و مهر ۵۸ به تجدید قوا پرداخته و با یک  
دوران فریب توده ها، دوباره آماده سرکوب گردید. بر  
مبنای این طرح خائسانه، بنی صدر و آیت الله خمینی  
سال ۵۹، را سال امنیت نامیدند و سرکوب گسترده  
انقلاب را از کردستان تا دانشگاهها اعلام کردند.  
بلافاصله پس از این "خط و نشانها" ارتجاع  
متحدا به کردستان و سپس به دانشگاهها حمله ور  
شد. تا این دستگیر مستحکم پیکا ردمکراتیک و  
ضدامیریا لیستی را در هم کوید چنین بود که  
فردای کشتار خونین اول اردیبهشت، بنی صدر  
در سخنرانی دانشگاه تهران خود روز اول اردیبهشت  
روز کشتار خونین دانشجویان انقلابی  
را اولین روز استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی  
نامید.

### درباره معیارهای وحدت و عضویت

رفیق - در مورد یکی بودن معیارهای عضویت و وحدت با سازمان که در قطعنامه پیکار شوریک آمده است انتقاد نمودم و سوال کرده است آیا طرح چنین مسئله ای نشان دهنده سکتا ریسم نیست؟ چرا که بدین ترتیب سازمان درک خوبی را از کلیه وحدت ها تا سرحد "ادغام" بیابن آورده و در حقیقت وحدت را تنها به صورت جذب سایر نیروها در سازمان برطبق معیارهای سازمان درک میکند.

در پاسخ به سوال و انتقاد در فوق باید بگویم این مسئله که معیار وحدت و عضویت در سازمان یکی است نه به معنای آن است که کلیه وحدت ها باید در صورتنا بصورت "ادغام" در سازمان باشند و یا آنکه تنها مبانی و موافق سازمان است که میبایست تحت هر شرایطی معیار وحدت قرار گیرد. پرواضح است که ممکن است در یک وحدت با کمبود کیفی متمایزی از آنچه که تا کنون صورت گرفته است، حتی فلان نقطه نظری سازمان نیز در جریان مبارزه ایدئولوژیک بخواهد تغییر داده شود و فی المثل بایک گروه و یا سازمان بر اساس موضوع جدیدی در مورد یک مسئله خاص وحدت صورت پذیرد (چه سابقین امیرا برپا نشی کنگره همراه باشد) بدین ترتیب ما امکان تغییر نظر و موضوع سازمانی را در برابر این یا آن مسئله (در صورت تا مینسن اکثریت بر سر موضوع جدید در کنگره و یا توسط رهبری) مطلقاً نمیکنیم، اما پرواضح است در صورت چنین تغییری بلافاصله مبانی عضویت نیز شامل حال موضوع جدید خواهد شد. بدین ترتیب آنچه در مورد یکی بودن معیار عضویت و وحدت مورد نظر بوده است، بیگانگی آن است، چه اگر فردی به عضویت سازمان درآید یا جریانی با سازمان وحدت نماید، نمیتواند مبانی سیاسی، ایدئولوژیکی آن متغیر شود. مثلاً سوسیال امپریالیسم معیار وحدت باشد یا معیار عضویت نباشد و یا بالعکس، لذا این امر نه نشان "سکتا ریسم" و نه برخوردی غیر اصولی است، بلکه بالعکس جدا بودن و متمایز بودن معیارهای وحدت و عضویت تنها میتواند نشان دهنده اصولیگری به موافق ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی مورد پذیرش سازمان باشد.

یکی از رفقا پرسیده است آیا ممکن است بدون اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک و صرفاً بر سر مسئله تشکیلاتی اختلاف نظراتی پدید آید و به چنان حدتی برسد که موجب انشعاب گردد؟ در پاسخ به این رفیق باید بگوئیم که اختلاف بر سر مسائل تشکیلاتی، خودمضمونی ایدئولوژیک دارد. گرایشات ایدئولوژیک خود را در عرصه های گوناگون ایدئولوژی، سیاسی و تشکیلاتی منعکس میکنند و از اینرو همواره این امکان وجود دارد که انحراف ایدئولوژیک فی المثل در عرصه تشکیلات عمده شود و میسازد

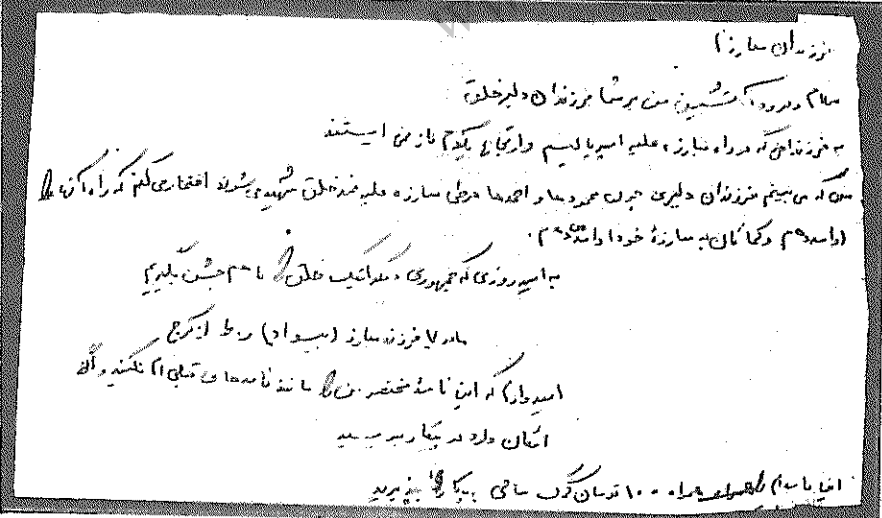


ایدئولوژیک بر سر آن به دو خط مثنی بیانجامد فی المثل ما نترا لیسیم مگر اتیک که اساسیترین و در عین حال ابتدائی ترین اصل تشکیلاتی یک تشکل م - ل است، اگر در برابر خورد به ایسن مقوله دونگرش بورکرا تیک ولیبرالی (نظیر - ثوری وجود و وظیفه مثنی در حزب) در مقابل درک اصولی از این مقوله قرار گیرد، در صورت عدم اصلاح حتماً به اشعاب و یا اخراج و تفسیه منجر خواهد گشت، بدین ترتیب حتی اگر در شرایطی اختلاف نظر بر سر مسائل بیرونی و مثنی بروز نماید و صرفاً در عرصه درک از اصول تشکیلات دو خط مثنی پدید آید، اشعاب قطعی است. جلوه های نقطه نظراتی که در عرصه تشکیلات میتواند به چنین نتایجی منجر شود عبارت است از: انحلال طلبی، بورکرا تیسیم، نفی ما نترا لیسیم - مگر اتیک، فرا کسیونیسیم و ...

در اینجا بدینجا نامی که ما در مستطاب رز میبردا زیم ویر خود میبایسیم که چنین ما درانی صفوف میازره را هر چه بیشتر مستحکمتر میسازند

### درباره تهیه و توزیع آثار سازمان

عده ای از رفقا در مورد ضرورت تکثیر مجدد برخی مقالات پیکار و تهیه و تکثیر نواریهای آموزشی، هنری و ... توضیحاتی داده اند و در این رابطه به سازمان انتقاداتی وارد شده اند. رفقا! در یک تشکیلات، توده ای به تگسای امکانات متنوع و وسیعی که در ادعوماً نباید کارهای نظیر تکثیر و ... را انتشارات مرکزی انجام دهد، بلکه ما سا این وظیفه رفقای هوادار و ارگانهای ناحیه و منطقه است که به این کار میادرت و رزند. ظرفیت انتشارات مرکزی سازمان محدود است و نمیتواند تکثیر و تجدید چاپ بسیاری از کتب و نشریات و امثالهم را خود برعهده گیرد. پس بعهد رفقای هوادار و کمیته های ناحیه است که به تناسب نیرو و توان خود به تکثیر برخی مقالات پیکار، برخی ترجمه ها و یا کتبی نظیر شوریک و امثالهم دست بزنند. فی المثل مقاله افزایش دستمزدها در پیکار منتشر شده بود مقاله بسیار ساده و قابل استفاده ای بود که رفقای کارگری در نواحی مختلف میتوانند آنرا بصورت کتاب و یا جزوه تکثیر و توزیع نمایند. در مورد نواریهای آموزشی و هنری سازمان نیز به همین ترتیب میبایست توسط رفقا تکثیر و پخش گردد. این دیگر میزان خلاقیت رفقای هوادار است که به تگسای تلاش پیکار نشان میتوانند آنها را به دست زدن به ابتکار و گوناگون و توده ای برای پخش و گسترش فعالیتها و آثار سازمان بکشاند.



### سایر رفقای که نامه ارسال کرده اند

غرب - د - ش جنگزده، هما مسجد سلیمان - م - س دانش آموزش، جمع خصوصی - ک - ک، م - ارتدراکات محمود، سلیم ز شیراز، نینا انزلی، م - فرنا زان - د - دج، مهدی - م - م، کمیته ناحیه آبادان ی - ۳ - قم، بخش جنوب شهر - دانش آموزی داراب علی - س - ج، هما فرهادر، رضا شهری، الف - د - محمد کمیته کارمندی، ۲۲ - شیراز، تشکیلات کرمان، س - ج - قم، هسته اکرم صا دقبور، جی - از پتک، فرزان شهب تهران، د - آ - ج - آ، مراد لاهیجان

بخش و توزیع غرب، حمید از کمیته ترجمه تا "ک" از ک - ه - د - د، مسئول دانشجویی "ش"، ب - فرزانه از قزوین (نامه)، ش و ن از پیشا هنگ - م - بهزاد جنگزده خوزستانی، "م" از برورد، جعفر، مهرآباد، کمیته ناحیه آبادان - د - دغرب، نیسی - دزفول، مهدی - تهران، خسرو - ۱۲ کرمانشاه، م - ن کرمانشاه، حبیب چاپ - ج - ۲۴ تهران، ب - کا زرون، م - مشهد - سراز - م از تدارکات، محلات - بخش و توزیع غرب، د - د



# سازمانهای سیاسی و حماسه مقاومت اول اردیبهشت ۵۹

رژیمهای ارتجاعی عملاً در سرکوب انقلاب از دوشنبه سودمی جویند، سرکوب و فریب و یا چماق به تنهایی یا چماق و نانی شیرینی، در هر چرخش تاریخی بسوی یکی از این سیاستها، تشخیص تا کتیک صحیح پرولتری، حاشا هیت فسران است. رژیم جمهوری اسلامی پس از شکست در جنبش مقاومت اول کردستان و اوچگیری جنبش توده‌ای به موازات اشغال سفارت به عقب نشینی دست زد، این زیگزاگ ضد انقلاب، موجب تشدید انحرافات فراوان در درون جنبش کمونیستی گردید، از او خرسال ۵۸ پیدا بود که رژیم از این دوران برای تجدید قوا به منظور سرکوب انقلاب مددخواهد جست، سرکوب خونین خلق ترکمن، در او خربهن ۵۸ بخوبی این حقیقت را نشان میداد، ارتجاع که از این سرکوب بمنظور محکی برای میزان آماجگی نیروهای انقلابی نیز استفاده میکرد، با سیاست تسلیم طلبانه و انفعالی فدائیان در ترکمن صحرا در یافت که میتوان ندبا شدت بیشتری به سرکوب سپردا زد، چرا که عدم مقاومت در مقابل اولین عملکردهای سرکوب، سرکوبهای وحشیانه تری را بدنبال خواهد داشت، اگر در دوران افت و رکود، عقب نشینی های منظم با یستی در مقابل سرکوب بکار گرفته شود، در دورانی که جنبش بسوی اوج حرکت میکنند و جامعه در حالت اعتلا بسر میبرد، تا کتیک اصولی، عموماً مقاومت در برابر آنها جسم رژیم است، ارتجاع با یستی با زحمات فراوان بتوانند یک سنگر را افتتاح کنند، این درس اساسی مبارزه طبقاتی با ردیگر تجربه شد.

بدین ترتیب ارتجاع که تسلیم طلبی بخش وسیعی از جنبش کمونیستی را در جریان ترکمن صحرا دیده بود و گرایش لیبرالی بخش وسیع دیگری از جنبش دمکراتیک یعنی سازمان مجاهدین را نیز مشاهده بود، برای آنها جمگرتده به انقلاب آماده شد، در این میان حزب جمهوری و همینطور آیت الله خمینی خواهان سرکوب همه نیروهای دمکرات و کمونیست بودند، در حالیکه لیبرالها عیبگوشیدند، با جذب دمکراتهای نا پیگیر (مجاهدین) بانان شیرینی های حقیر و بیطرف کردن کمونیستهای نا پیگیر (چریکهای فدائیان)، جنبش توده‌ای و انقلاب را سرکوب کنند، بهر صورت در جناح حاکمیت متحد خود را آماده سرکوب نیروهای انقلابی کردند و آیت الله خمینی و بنی صدر سال ۵۹ را سال امنیست خواندند و سرکوب کردستان و ودا نشکا هونیز کلیه آزار دهنی دمکراتیک را در دستور کار خود گذاشتند، نطق نوروزی جناحین حکومت آشکارا اعلان جنگی به انقلاب و طلبیه سرکوب بود.

سرکوب و کشتار از او آخر فروردین در کردستان آغاز گردید و تهاجم به دانشگاه تدارک دیده شد و در اول اردیبهشت ۱۶ آذر شاه دویا ره تکرار شد... در این میان نگاه به سیاستهای نیروهای سیاسی

در اول اردیبهشت میتوانند حاوی درسها و تجربیات ارزنده‌ای باشد، بخصوص اینکه دیدیم چگونه ادا همیان تزلزلات و سیاستهای انحرافی فدائیان که در اول اردیبهشت شاهد بخشی از آن بودیم، چگونه بخش وسیعی از آنها به منجلا ب رویزیونیسمدر غلطانید.

## ۱- رویزیونیستهای توده‌ای

### و مداحی جلادان دانشجویان انقلابی

این خائنین پس از یورش ارتجاع بلافاصله دفا تر خود را تخلیه کرده و فوراً بدفاع از رژیم جمهوری اسلامی پرداختند، آنها به مداحی جلادان اول اردیبهشت پرداخته و تقصیر کشتار را به گردن کشتارشدگان انداختند، آنها با لجن بر آکنی علیه نیروهای کمونیست و بخصوص سازمان ما که جنبش مقاومت دانشجویان را سازمان داده بودند، ارتجاع را در کشتار اول اردیبهشت محق اعلام کرده، سازمانهای کمونیست را مقصر قلمداد کردند، هم آوازی خائنین توده‌ای با رژیم جمهوری اسلامی در کشتار دانشگاهها گریه‌ها ردیگرما هیت خائنه آنها را برملا ساخت اما بحالت تعداد کم هواداران نشان زد دانشگاهها عملاً نتوانستند، کوچکترین مانعی در جنبش مقاومت دانشجویان ایجاد نکنند.

## ۲- مجاهدین خلق و خودداری

### از شرکت در مقاومت

دانشجویان هوادار مجاهدین، پس از آغاز توطئه اشغال دانشگاهها، از شرکت در حماسه مقاومت خودداری نمودند و حاضر شدند تا تمام دفا تر خود را در اختیار "مقامات قانونی" قرار دهند، اتخاذ این سیاست لیبرالی و دوری گزیدن از مبارزه انقلابی ریشه در دو انحسراف اساسی مجاهدین دارد.

اولا مجاهدین نسبت به لیبرالها شدیداً متوهم بوده و از هنگام روی کار آمدن بنی صدر به پشتیبانی از وی در مقابل جناح دیگر حاکمیت (حزب جمهوری و متحدینش، آیت الله خمینی و...) پرداختند.

ثانیا مجاهدین در طی این دوران (و بعداً نیز البته با شدتی کمتر) میگویند اقدامات خود را در چرخش رچوب قوانین بورژوازی حاکم انجام دهند و از اعمالی که در تضاد با قوانین

مورد قبول بورژوازی است حتی المقدور اجتناب میکردند، بدین ترتیب توجهی تا انجمن دانشجویان مسلمان در این روزها که میگفتند ما دفا تر خود را به او با شان حزب جمهوری تحویل نمی دهیم، اما به هیات ترئیس (عمدتاً لیبرال) دانشگاه که مقامی قانونی است تحویل میدهیم در واقع بیان قانونیگری لیبرالی بود، بدین ترتیب توهم داشتن نسبت به لیبرالها از یکطرف و کوشش در باقی ماندن در چرخش رچوب قوانین بورژوازی از طرف دیگر، مجاهدین را به ترک مقاومت و مبارزه انقلابی و تحویل آسان و تسلیم طلبانه سنگر آزادی به دشمن بسبود، طبیعی است جنبش دانشجویان انقلابی عدم شرکت مجاهدین خلق را در حماسه مقاومت اول اردیبهشت و فراوانی مبارزه را هرگز نخواهد بخشید.

## ۳- سازمان چریکهای فدائیان خلق

### و بازگشت از نیمه راه

اگر مجاهدین خلق از شرکت در جنبش مقاومت برپا زدند، دانشجویان پیشگام (تشکیلات وابسته به فدائیان) تا نیمه راه آمدند ولی بخاطر تزلزلتشان از نیمه راه بازگشتند، آنها تا اوایل روز اول اردیبهشت دوام آوردند، اما هنگامیکه آنها جم شدت گرفت بتدریج به تسلیم طلبی و فرار از مقاومت کشیده شدند آنها از یکطرف جنبش توده‌ای شده دفاع از دانشگاهها را بنا چیز تصور کرده و از طرف دیگر اهییتی، را که دانشگاه برای توده‌ها داشته، درک نکرده و نمی فهمیدند که با آماجگی جنبش توده‌ای و دانشجویان انقلابی، میشد در مقابل نیروهای سرکوب رژیم ایستاد، سیاست درست در آن زمان مقاومت در مقابل او با شان حزب جمهوری و سیاستها را ن عدم مقاومت در مقابل توده‌ها، بی بود که نه شبیه (دوم اردیبهشت) بنا بود به دانشگاهها بیایند.

آنها در این هنگام برای شوریزه کردن انحرافات رویزیونیستی شان به نزر رویزیونیستی عدم تشنج پناه برده و عدم شرکت انقلابی در مبارزه طبقاتی را ندادند، علاوه بر این، آنها با زیر پا گذاشتن کلیه اصول کمونیستی و انقلابی، در شرایطی که در کمیته دفاع از دفا تر سیاسی متشکل از دانشجویان هوادار رینکسار - مبارز (هواداران طیف موسوم به خط ۳) هواداران

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



راهکار گروهی پیشگام عضویت داشتند و با یک نهاد انقلابی با یستی کوششهای خود را در زمینه مساثل مربوط به دفاع یا عدم دفاع از دفاعی سیاسی در آنجا طرح میکردند، بدون اطلاع این کمیته و زواویه ای تسلیم طلبانه از ظهر روز دوشنبه اول اردیبهشت (یعنی زمانی که تازه آنها جمشید ارتجاع آغاز شده بود)، به توافقاتی با بنی صدر رسیده و به وی قول ترک مقاومت را دادند. فداشیا ن در روز دوم و سوم اردیبهشت نیز موضعی شدیداً تسلیم طلبانه گرفته و در پی همان تزلزلات رویزیونیستی شان با هرگونه تظاهرات افشاگرانه بر علیه کشتار اول اردیبهشت به مخالفت برخاستند، حتی بطوریکه بجای مبارزه در جهت افشای ارتجاع، نیروهای خود را برای ضدیت با تظاهرات دانشجویان هوادار سازمان بسیج کرده و توده ها را به عدم شرکت در این تظاهرات دعوت میکردند (هرچند که در تظاهرات پرشکوه سوم اردیبهشت علی رغم کوششهای آنها، حدود ۱۵ هزار نفر شرکت کردند).

طبیعی است شرکت فعال مجاهدین در این مقاومت و عدم گریز فداشیا ن از نیمه راهی - توانست ابتدا مقاومت اول اردیبهشت را وسعت بخشد، ارتجاع را هر چه بیشتر در نزد توده ها افشا سازد.

### ۴- راهکار و سیاست میان دو صندلی

راهکار و گرنیز که خود از تزلزلات رویزیونیستی بی نصیب نبود (هرچند شدت آن در آن زمان از فداشیا ن به مراتب کمتر بود) در جریان مقاومت اول اردیبهشت سیاست میان دو صندلی را اتخاذ کرده و میان سیاست پیگیر (سیاست ما) و سیاست ناپیگیر (سیاست فداشیا ن) در حال نوسان بود. ابتدا با مساکمیت دفاع از آزادی در دانشگاه پیوست و سپس در جریان اختلافات ما و فداشیا ن، عمدتاً با منضم بود و با به جانب فداشیا ن گرایش می یافت و سرانجام با ما قطعنامه مشترکی را که حاوی سیاستی پیگیر بود امضا کرد. بهر صورت این حالت سیاست میان دو صندلی به راهکار و گرنیز صورتی متزلزل که نمی توانست قاطعانه یک سیاست را پیش بگیرد میبخشید. بطوریکه در نهایت از شرکت در تظاهرات سوم اردیبهشت ما و دانشجویان مبارز به تبعیت از فداشیا ن سر باز زدند.

### بقیه از صفحه ۲۲ گواهی یاد...

بدین ترتیب علت اساسی آنها جمعه دانشگاه - ها را در اول اردیبهشت، با یستی در نقش آگاکه گرانته نیروهای انقلابی و کمونیست جستجو کرد. این مسئله را آیت الله خمینی در شطوط چند ماه پیش خود بخوبی بیان داشت و گفت بسیاری دانشگاهها مکان فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست وجود دارند، بنیایستی با زود، اما تحت فشارهای ناشی از کمبود متخصص دانشگاهی که از نیازهای ضروری سیستم سرمایه داری وابسته است و همچنین تحت فشار توده های وسیع مردم و کارآگاهها و افشاگرانه کمونیستها در زمینه تعطیل دانشگاه، "انقلاب فرهنگی" و سرکوب نیروهای کمونیست و انقلابی و با لاجرم فشار لیبرالها و شکست برنامها به مصلحت انقلاب فرهنگی، آیت الله خمینی و حزب نیسز ناچار از عقب نشینی شده و آیت الله خمینی چه

دانشگاهی برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته، از همان ابتدا تا بحال، همواره از با ز - گشائی دانشگاه سخن میگویند، دانشگاهی بدون حضور نیروهای کمونیست و انقلابی.

توده های انقلابی میهن امروز بیش از پیش خواهان بازگشائی دانشگاهها هستند، آنها می - خواهند دانشگاهها گشایش یا بندت با ردیگر دانشجویان انقلابی به دفاع از آزادی و انقلاب پرداخته، حزبیها و لیبرالها را رسوا سازند. اینک با یستی با افشای جنايات ارتجاع در اول اردیبهشت ۵۹، فریاد خود را برای بازگشائی دانشگاهها این سنگرزادی بلندتر کنیم. دانشگاهها باید گشایش یا بندت دانشجویان انقلابی با تعیین شوراها واقعی خود فعالیت سیاسی انقلابی، هر چه بیشتر دانشگاهها را به سنگرزادی بدل نمایند.



دوشهد گمنام اول اردیبهشت ۱۳۵۹ که عکسشان برای اولین بار چاپ میشود.

درود بر شهدای بخون خفته اول اردیبهشت! دانشگاه این سنگرزادی به همت توده ها گشوده باید گردد!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰ / ۱ / ۲۷

در بنیام نوروزی خود چه دردید را اعضای ستاد "انقلاب فرهنگی" تا کید بر بازگشائی تدریجی دانشگاه نمود، هر چند که مثل گذشته روی تصفیه نیروهای انقلابی از دانشگاهها تاکید داشت.

لیبرالها نیزها طور که اشاره کردیم از ابتدا تا کنون برای فریب توده ها و جلوگیری از آزادی آنها و درک ضرورت متخمسین

### این شکنجه نیست!

بشارتی ساواکی عضو "هیات بررسی" شایعه "شکنجه" و "سیاسی از دست اندرکاران رژیم" و با لاجرم آیت الله خمینی گفتند که "شکنجه در زندانها وجود ندارد" ما از صدها نمونه میگذریم فقط یک شکنجه را که مشت است نمونه خروار در زیر می آوریم:

یک دختر انقلابی را جهت ترساندن و به حرف

در آوردن او شبانه تپه های اوین برده اند، چشم او را بسته تا با مصلحت مراسم عدا م را در باره اش اجرا کنند. در حالیکه چشمها بیش بسته بوده به او میگویند جدولی پیش پای تو است، از آن بهر او می بردولی در کودالی به عمق ۲-۳ متر می افتد و دچار خونریزی داخلی میشود.

از نظر آیت الله خمینی رژیم جمهوری اسلامی، این شکنجه نیست، شما چه میگوئید؟



### گسترش مبارزه طبقاتی در کشورهای امپریالیستی غرب

بحران اقتصادی گسترده‌ای جهان امپریالیستی غرب را فرا گرفته است. افزایش بیسابقه بیکاری، تورم و گران‌ی و فقر و فلاکت توده‌ها و در بستران رشد روزافزون مبارزات کارگری یکی از مشخصات برجسته وضع کنونی حاکم بر جهان است. در حال حاضر بیش از ده و نیم میلیون نفر در آمریکا بیکار میباشند، در اروپا نزدیک به بیست میلیون نفر در جستجوی کار میباشند و در شرایط کنونی ارتش ذخیره کار بیش از پیش گسترده میشود.

انحصارات امپریالیستی و بورژوازی انگل کشورهای سرمایه‌داری برای مقابله با بحران و کم شدن سود، بیش از پیش کارگران و حاکمان را تحت فشارهای اقتصادی قرار داده و در کنار آن سیستم و سرکوب طبقاتی را بنحویر جسته ماکمل سیاست روزمره خود نموده اند. اما علیرغم این سیاستهای ارتجاعی مبارزات کارگران و سایر پرشده‌های زحمتکش زنده‌تری میباشند و زخمهای جهان سرمایه‌داری عمیقتر مینمایند. در هفته گذشته بود که سندیکی مدمنچیان ذغال سنگ آمریکا با اکثریت قاطع رای به ادا ما اعتصاب داد. این اعتصاب که ۱۶۰ هزار کارگر در آن شرکت دارند موجب ضربات مهمی به صنایع گردیده است چرا که صنایع بسیاری وجود دارند که ذغال سنگ منبع انرژی آنهاست. بعلاوه این اعتصاب خسارات مالی و اقتصادی بسیاری به امپریالیسم وارد ساخت. خسارات این اعتصاب برای امپریالیستها بیش از خسارات اعتصاب ۱۶۱ روزه سالهای ۶۸-۱۹۷۷ میباشند. در انگلستان در حالیکه اعتصاب سراسری کارگران وارد چهارمین هفته خود شده است و در حالیکه هفته گذشته ۵۴۰ هزار کارمند دولتی به اعتصاب دست زده اند. تظاهرات گسترده‌ای توسط سیه هیوستا ن مقیم لندن علیه رژیم پولیس فاشیست و نژادپرستانگلیس صورت گرفت. این تظاهرات به زد و خورد شدید میان سیه هیوستا ن و پولیس چنایتکار منجر شد. طی این مبارزه قهرآمیز که سیه‌ها ن ۴۰ ماهین پلیس و برای کم‌تر متعلق به نژاد پرستان را به آتش کشیدند ۲۰۰ نفر از سیه‌ها ن زخمی و بیش از ۲۰۰ نفر نیز دستگیر شدند و در ضمن مدافعان مزدوران پلیس زخمی شدند. این تظاهرات خونین که در اعتراض علیه لایحه قوانین جدیدی جهت اخراج سیه‌ها ن بود بسیار تکرار شد. بیکاری در میان سیه‌ها ن مقیم انگلستان و نشدید استمرگرنیهای امپریالیستی و نژاد پرستانه علیه زحمتکشان آفریقای مقیم این کشور میباشند. در فرانسه نیز هزاران کارگر تعمیرکار رگشتی دست به اعتصاب زده و خواستار افزایش دستمزدها و تجدید نظر در سیستم ارتقاء



میباشند. در حمایت از این کارگران هزاران نفر را همیاشی کرده و ۲۰۰۰ نفر دیگر از کارگران تعمیرکار تهدید به اعتصاب نموده اند. بعلاوه بیش از ۳ هزار نفر از کارگران مهاجر مراکش، الجزایری، تونس، ترکیه‌ای و سنگالی هفتصد گذشته در پاریس بر علیه قوانین نژادپرستانه و بیکاری و گران‌ی به تظاهرات پرداختند. در آلمان غربی ۲۵ هزار نفر در اعتراض به استیوار سمب نوترونی توسط آمریکا به راهپیمایی دست زدند. در اسپانیا ۵ هزار نفر از مردم بارسلون در مخالفت با شرکت اسپانیا در پیمان امپریالیستی ناتو به تظاهرات پرداختند و خواستار بسته شدن پایگاههای آمریکایی در این کشور شدند. بدین ترتیب متوجه میشویم که ما با سرپرشدن یا بندهای از مبارزه طبقاتی در کشورهای امپریالیستی غرب مواجه میباشیم. این مبارزات با توجه به تعمیق بحران سرمایه‌داری رفته رفته با بنده میباشند، لیکن در حال حاضر کامیست فرمیسزم و روزیویزیونسم بر بخشهای وسیعی از کارگران مانع سمبگری این مبارزات علیه فاشیست سیاسی بورژوازی است و این حقیقتی است که سرنگونی بورژوازی بدون نابودی فرمیسزم و روزیویزیونسم امکان نداشت.

### لبنان: شش سال مقاومت توده‌های مسلح

از ۱۳ آوریل ۷۵ که آتش جنگ در لبنان، خونین و ویرانگر داخلی، بدست فاشیستهای در لبنان برافروخته شد، شش سال تمام میگذرد. تضادهای طبقاتی و ملی دزون جامعه لبنان که بشدت تحت تاثیر سیاستهای کشورهای عربی و سیاستهای بین المللی قرار دارد و توتواریتی در مصرف آراشی نیروهای درگیر وجود دارد و فقدان عامل تعیین کننده‌ای که جنگ را به نفع زحمتکشان لبنان منتهی (و فلسطین و...) به سرانجام رساند، این جنگ را بصورت کلاف سردرگمی در آورده است که بصورت چشم اندازی برای آن در آینده نزدیک امکان پذیر نیست.

فاشیستهای با پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و اسرائیل تاکنون تمام تلاش خود را بکار

برده اند که:

- ۱- در لبنان تمام قدرت را قبضه کنند و با استقرار کامل سرمایه‌داری وابسته، این منطقه استراتژیک را بصورت یک پایگاه ثابت امپریالیستی علیه زحمتکشان لبنانی و عرب در آورند.
- ۲- با سرکوب انقلاب فلسطین در آخرین پایگاه که برایش مانده (یعنی لبنان و بویژه جنوب آن) اسرائیل و ارتجاع عرب را از خطر تحرک نیروهای انقلابی مصون دارند.
- ۳- با ایجاد جنبین لبنانی، یک "اسرائیل" دیگر بوجود آورند تا قاطعانه ترو حشیانه ترا ز پیش خلقهای منطقه را تحت سلطه امپریالیستهای آمریکا منتهی و اروپائی نگه دارند.

طی این شش سال، بارها صف آرائی نیروهای درگیر تفرقه بر کرده و نیروهای به یکی از دو سو پیوسته یا جدا شده اند. کشورها و قدرتهای منطقه - ای و بین المللی، هر یک از دیدگاه منافع خویش کوشیده اند تا دست یا دندان این گره را بگشایند و ملی این کلاف چنان پیچیده است که حل مسئله لبنان، به پیچیده و خطرناکتر شدن مسئله فلسطین و استیوار رژیمهای دمکراتیک، حداقل در چند کشور عربی همچو امکان پذیر باشد. آنچه در این توفان آتش و خون چشمگیر است مقاومت سرخستانه توده‌های زحمتکش لبنان و فلسطین است که با استفاده از آگاهی نسبی و مسلح بودن خود به انواع سلاحهای جنگی، در برابر توطئه ناپودی انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان تاکنون از خود نشان داده اند. توطئه خلع سلاح توده‌ها در سالهای قبل از شروع جنگ، غم آنکه بارها از سوی دولتهای ارتجاعی، وقت مطرح شد، هرگز موفق نگردید. این آمادگی رزمی توده‌ها که حاصل شرایط ویژه‌ای و اجتماعی جامعه لبنان است اگر با نقائص وضعیهای فراوانی که در صفوف نیروهای مبارز وجود دارد (که عدم وجود رهبری طبقه کارگر یکی از آنهاست) همراه نبود، بدون شک جنگ را بسوی سرانجامی اطمینان بخش و به نفع زحمتکشان رهگشا میشد، ولی ضعفها، نواقص و نواقص زیادی که در رهبری و سازماندهی مبارزات توده‌ها وجود دارد (و در اینجا مجال بحث و تذکر آنها نیست) تاکنون مانع از درهم شکستن آنها گردیده و برعکس دشمن در جبهه وسیع و جهانی خود توانسته است ضربات دردناکی بر پیکر جنبش ملی لبنان و انقلاب فلسطین وارد آورد.

ما سابقا مقالات متعددی در باره مبارزات کارگران و زحمتکشان لبنان، نقش خائنانه نیروهای ارتجاعی داخلی و سیاستهای فدا خلقی رژیمهای عربی و دخالتهای بین المللی و حملات غدا و "اسرائیل" به جنوب لبنان در بیکار آورده ایم. در اینجا فقط اشاره میکنیم که فاشیستهای که از حمایت "اسرائیل" و نظام میسان دست راستی بسرکردگی "سعد حداد" برخوردارند و از سوی دیگر آمریکا، فرانسه و دیگر امپریالیستهای

# کیانوری مرتد و خیانت جدیدش

بقیه از صفحه ۲ ضرورت ...

اتحاد عمل نیروهای کمونیست و انقلابی در رابطه با تحقق اهداف ذکر شده، یک ضرورت مبرم و حیاتی است. هرگز ایسی که بگوید به این ضرورت پاسخ منفی دهد و با عبارت برداری انقلابی و خودداری از هرگونه نرمش و انحطاف، به منفی عملی این ضرورت بپردازد، بی شک در نهایت بسود بورژوازی نخواهد شد و تا یلات گروه - گرا یا نه وسکتا رستی بضرر منافع جنبش انقلابی خلق و ایضا جنبش کمونیستی عمل خواهد نمود. با اعتقاد به چنین ضرورتی است که ما تلاش برای تأمین اتحاد عمل بین نیروهای کمونیست و انقلابی را در برپا شدن جشن اول ماه مه بحول یک پلاتفرم انقلابی و با تکیه بر جنبه های مشترک مواضع انقلابی آنها، امری اصولی و مبرم میدانیم و انتظار منطقی ما نیز اینست که این نیروها با درک اهمیت این اتحاد عمل در شرایط کنونی، بدان پاسخ مثبت داده و یکبار دیگر صف متحد و انقلابی خود را در برابر -

۱ - امپریالیسم، ۲ - فدا انقلاب حاکم و ۳ - نیروهای رویزیونیست و فدا انقلابی نظیر حزب توده و "اکثریت" ... تحکیم نمایند.

زننده با اول ماه مه  
زننده با دکمونیسم  
برقرار با دجمهوری دمکراتیک خلق!

غربی و نیز ارتجاع عرب (مصر و سعودی) پشتیبانی میشوند هم اکنون خود را برای "تقسیم رسمی" لبنان آماده میکنند. آنها این هدف خائنانانه خود را که قدمی بسوی ایجاد یک "اسرائیل دوم" در لبنان است از ابتدا تعقیب کرده اند. مقاومت دلیرانه توده ها و نیروهای مترقی تاکنون، مانع از تحقق این هدف ارتجاعی است و بخاطر همین مقاومت است که فالاترین دستها اخیراً و بطور رسمی به آخرین "وسیله نجات" خود متوسل شده اند و طوطی بیانیهای که پس از بازگشت یک هیات که از طرف آنها به آمریکا رفته بود اخیراً ما در شده، اعلام کرده اند که آمریکا با "ید" در محنه لبنان حضور رسمی داشته باشد و در واقع اینان همچون وان تپووکا توکی در ویتنام، ربا بان آمریکا می خود را به دخالت مستقیم دعوت کرده اند.

به یقین میتوان گفت که آمریکا اگر هم بخواد هد برای جلوگیری از رشد و وسایط آتش انقلاب دمکراتیک - فدا امپریالیستی خلقهای منطقه به چنین دخالتها بی دست بزند، تا بودی تاریخی خود را تسریع کرده است.

ما یکبار دیگر صریحاً محکوم کردن توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی که علیه خلقهای قهرمان لبنان و فلسطین صورت میگیرد از مبارزات آنان علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع داخلی حمایت کرده خود را همسنگران در راه تداوم انقلاب دمکراتیک - فدا امپریالیستی و در جهت تحقق سوسیالیسم میدانیم.

پیروزی و نجات همیستی بین خلقهای ایران، لبنان و فلسطین!

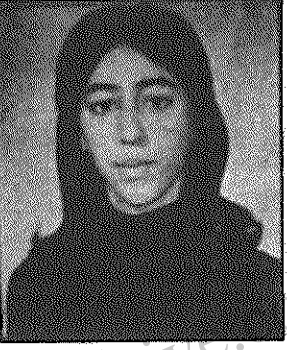
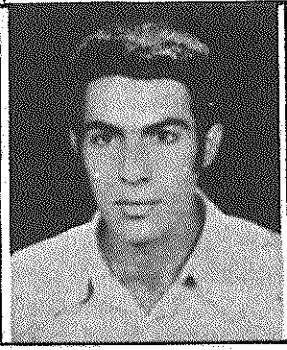
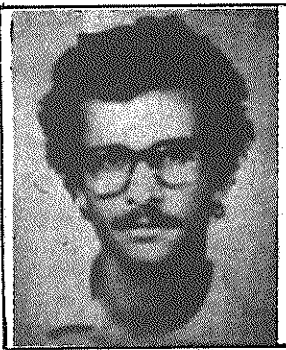
رویزیونیستها هرگز به سوسیالیسم علمی اعتقاد نداشته اند. آنها در حالیکه خود را "مارکسیست" قلمداد میکنند سوسیالیسم علمی را در برابر بورژوازی به جراح میگذارند. اگر کمونیستها سوسیالیسم علمی و مارکسیسم لنینیسم را چراغ راهنمای خود و سلاح شکست ناپذیری خود در مبارزه طبقه های پشمارمیا ورنند، رویزیونیستها سوسیالیسم را به کالائی تبدیل کرده اند و در معامله با بورژوازی حاکم میگویند به قیمت مناسبتی آنرا بفروش رسانند. در کشور ما حزب توده مرتد در این معامله گری با بورژوازی و خیانت به مارکسیسم لنینیسم مهارت بسیار یافته دارد. در زمان شاه خائنین حزب توده از مارکسیسم حرف میزدند اما در اساسی تئوریهایی و کردار خود جز خیانت به طبقه کارگر و دیگری انجام نمیدادند. در زمان جمهوری اسلامی نیز حزب توده همان خط را با قدرت تمام تعقیب میکند چگونه؟ در کردار با تا شیدرژیم سرما به داری حاکم، بیجا جاسوسی کردن علیه نیروهای کمونیست و انقلابی، با تا شیدرکوب جنبش توسط جناحیت - کاران حاکم و ... و در تئوری با تا کید بر حمایت از بورژوازی، با نفی انقلاب و در یک کلام با نفی مارکسیسم لنینیسم این خیانت که مشخص میشود. یکی از موارد بارز این خیانت همکاران فداکار سوسیالیسم علمی با اسلام و منفی ما هیئت طبقه های پرولتری سوسیالیسم پشمارمیا ید. نورالدین - کیا توری رئیس کل خیانتکاران توده ای اخیراً در مصاحبه با مجله "جوانان امروز" در این مورد میگوید: "شما یک مطلبی گفتید که من آنرا تأیید میکنم و آن اینست که ما شما را ید بسوسیالیسم علمی گرا تپش پیدا میکنید ما به اسلام، واقعیت اینست که این همان مطلبی است که ما از اول این دوران جدید و خیلی قبل از آن مطرح کردیم که بین دیدگاههای اجتماعی سوسیالیسم علمی و اسلام انقلابی، اسلامی که ما مخیمینی مظهر تعبیرش هست، در مسائل مربوط به اجتماع، به زندگی توده، خیلی نکات نزدیک به هم وجود دارد. این واقعیتی است. این اصلاً اساس سیاست ما است. به این ترتیب تعجب نکنیم. اگر در بعضی از مسائل و وقتی واقعا بخواد هم بیطرفانه و انسانی دوستانه پیش برویم، می بینیم که خیلی از مسائلی که طرفداران اصیل سوسیالیسم علمی مطرح میکنند، عین همان مسائلی است که انقلابیون مسلمان از دیدگاه اسلامی مطرح میکنند." (مردم ۲۶ فروردین - تاکید از ما است.)

آیا همانطور که کیا توری مرتجع میگوید دیدگاههای اجتماعی و سیاسی سوسیالیسم علمی و اسلام به یکدیگر نزدیک است؟ نظر ما رکیسیم بر آن است که در عرصه سیاسی بنا به حکم تاریخ قدرت سیاسی پرولتاریا و با معنای دیگر - دیکتاتوری پرولتاریا باید برقرار شود. آیا

نظراً سلام هم همین است؟ ما رکیسیم معتقد است دمکراسی پرولتری و سوسیالیستی عالیترین شکل دمکراسی است. آیا نظراً سلام هم همین است؟ ما رکیسیم معتقد است از نقطه نظراً اجتماعیه به لحاظ تاریخی و در دوران سرما بیست و هشتاد و یک پرولتاریا انقلابی ترین و پیگیرترین طبقه اجتماعی است. آیا نظراً سلام هم همین است؟ ما رکیسیم بر آن است که حاکمیت طبقه های پرولتاریا را باید بطور قهرآمیز سرنگون ساخت و رفاه زحمتکاران فقط تحت حاکمیت طبقه های کارگران میسر است. آیا نظراً سلام هم همین است؟ ... کسی که با الفبای مارکسیسم لنینیسم آشنا شده باشد نمیتواند در سربا بفهمد که در تمام موارد فوق و صدها مورد دیگر دیدگاههای سوسیالیسم علمی و اسلام در تضاد آشکار قرار دارند کسی که ما تندکیا توری خائنین نخواهد "بیطرفانه" فضاوت کند و بلکه با جانبداری و طرفداری از طبقه کارگر سخن بگوید، خواه هادگفت که ما رکیسیم - لنینیسم ایدئولوژی پرولتاریا بوده و سوسیالیسم علمی راه نجات توده های زحمتکش پشمارمیا ید و از آنجا که این ایدئولوژی متکی به منافع طبقه کارگران و هرگز و هرگز نمیتواند به دیدگاههای اسلام حتی یک سرسوزن نزدیکی داشته باشد، سیاست طبقه کارگر در عرصه های اجتماعی و سیاسی جدا از دیدگاههای ایدئولوژیک مارکسیستی لنینیستی نمیتواند بنا شود. سیاست در تمام عرصه ها نشان طبقه های پرولتری را حمل میکند. فقط خائنین به سوسیالیسم ما تندکیا توری میتوانند ایدئولوژی پرولتاریا را از سیاست پرولتاریا جدا جلوه دهند و سوسیالیسم را به جراح بگذارند. چرا که توری این مزدور سوسیال امپریالیسم شوروی و مارکسیسم را همطرازا سلام قرار میدهد؟ این امر از یکسویه این خاطر است که کیا توری مرشد است یعنی به مارکسیسم لنینیسم اعتقاد ندارد و در آن تجدید نظر کرده است. کیا توری اگر چه ما بنده هم روشنفکران فربیکا بورژوازی میگوید "بیطرف" است اما موضع مشخصی دارد. او وقتی صحبت از گرایش خود به "اسلام" میکند در حقیقت گرایش خود به بورژوازی حاکم را به نمایش میگذارد. بمعنای دیگر او طرفدار بورژوازی بوده و در مکتب رویزیونیسم پرورش پیدا کرده است و به همین خاطر حقیقت مارکسیسم را وارونه جلوه میدهد. از سوی دیگر کیا توری مارکسیسم را به این خاطر نزدیک به "اسلام" نشان میدهد تا دل بورژوازی حاکم را بجنگ آورد. او بدین طریق با بورژوازی معامله میکنند، او مارکسیسم را به جراح میگذارد تا رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی امتیازات حقیر دیگری به این دارو دسته خائنین اعطا کند. براساسی که رویزیونیستها، شوکران سرمایه داران و دشمن طبقه کارگر و سوسیالیسم میباشند. نگ و نفرت برآستان باد. \* \* \*

## جاودان باد خاطره بیش از ۳۰ شهید کمونیست و انقلابی جنبش مقاومت دانشجویان در اردیبهشت ۱۳۵۹

در ریزش وحشیانه پاسداران و وابشان رژیم جمهوری اسلامی به دانشگاهها در اردیبهشت ۵۹ و اجرای سناریوی ارتجاعی ضد انقلاب "فرهنگی" به کارگردانی حزب جمهوری اسلامی و تأیید بنی صد رخان، د ههاد انشجود رتهران ود یگرشهر هابه شهادت رسید ه، گروهی دستگیروسهس تیرباران شدن ونیزصد هاد انشجوی انقلابی بشدت زخمی وصد هانفرزندانی شدن .  
یاد شهیدان دانشگاهها را گرامی میداریم !



کومنیست پیکارگر رفیق  
مهدی علوی شوستری  
شهادت ۵۹/۴/۶ -  
تیرباران در اهواز

کومنیست پیکارگر رفیق  
احمد مودن  
شهادت ۵۹/۲/۱۲ -  
تیرباران در اهواز

کومنیست پیکارگر رفیق  
مهناز مومندی  
شهادت ۵۹/۲/۴ -  
تیرباران در زندان اهواز

کومنیست شهید رفیق  
فرامرز حمید  
شهادت تابستان ۵۹ -  
تیرباران در رشت

کومنیست شهید رفیق  
دکتر اسمعیل نریمیا  
شهادت ۵۹/۴/۶ -  
تیرباران در اهواز

کومنیست شهید رفیق  
محمود دانیالی  
شهادت ۵۹/۲/۱۲ -  
تیرباران در اهواز

کومنیست شهید رفیق  
محسن رفعتی  
شهادت ۵۹/۲/۱ -  
هجوم پاسداران به  
دانشگاه تهران

کومنیست شهید رفیق  
احسان الله افشانی  
شهادت در ۵۹/۲/۲  
اهواز

کومنیست شهید رفیق  
صادق نظیری  
شهادت ۵۹/۲/۲  
در دانشگاه زاهدان

وگروهی دیگر از جوانان  
کمیونیست و انقلابی که  
در تهران، رشت،  
اهواز شهادت رسیدند

مجاهد شهید نسرین رستمی  
مجرور در ۵۹/۲/۲ در  
دانشگاه شیراز  
شهادت در رستگان  
شیراز

کومنیست شهید رفیق  
فریدون آشوری  
شهادت ۵۹/۲/۱ در  
هجوم پاسداران به  
دانشگاه تهران

د شهید گنم نام جنبش مقاومت دانشجویان انقلابی که جنازه شان توسط پاسداران سرمایه دزدیده شده بود (عکس در صفحه ۲۳)

یاد سرخشان گرامی باد!

## کمکهای مالی دریافت شده

۶۲۰۰	ع - ب	۱۰۰۰۰	شهر:	۲۱۱۰	شهر:
۵۲۰۰	ن - م	۱۰۰۰۰	خ - ن	۲۰۰۰	الف - الف
۶۰۰۰	پرویز	۲۵۰۰	د - ج	۱۰۰۰	م - و
۲۰۰۰	الف	۲۱۱۰	ر	۱۰۰۰	ک
۵۵۰۰	ک	۲۱۰۰	م	۱۰۰۰	ش - ش
۶۸۱۰	م	۲۵۰۰	کارگر کفشد	۱۰۰۰	رت ک
۱۲۰۰۰	ن	۱۸۰۰	کارگر کفشد	۵۰۰	هاتم ۳۰۰۰
۶۰۰۰	ج	۲۲۰۰	آرگان بدانی	۱۵۰۰	مینا
۱۲۰۰۰	ک	۸۱۰۰	ن کارمند	۵۰۰	منیر
۱۲۰۰۰	م	۲۲۰۰	مادواره	۱۵۰۰	سما
۲۲۰۰	م	۱۳۰۰	عقوبت افشند	۱۰۰۰	فیروز
۴۱۸۰	ب	۶۲۰۰	رقفا	۲۰۰۰	ناهن
۱۵۲۰	د	۲۵۲۰	م آواره با دانی	۲۰۰۰	زهره
۱۶۱۰۰	ن	۱۲۰۰۰	ب آواره با دانی	۱۰۰۰	هنری
۱۲۰۰۰	م	۲۸۵۰۰	شهاب کوبین بزین	۸۵۱۵۰	دوب آهن
۲۹۰۰	م		را مهرمز	۲۰۰۰	بالابگاه
			دبلم بیکار	۵۰۰۰	و
			معلم هوادار	۱۲۵۰۰	رجمنید
			رفقای دختران	۷۰۰۰	و
			فروش بافتنی	۱۰۰۰۰	کریم کارگر
			حق عضویت افند	۲۰۰۰	هست تلای
			رفقا	۲۰۰۰	خوزه کارگری ب
			۵۵۰۰ کوبین بزین	۲۰۰۰	ک
			رفقای را مهرمز	۱۰۰۰	کتاگر
			کوبین بزین رسید	۳۷۰۰۰	مادروادار
			شهر:	۱۰۰۰۰	رب رفا
			ک	۵۰۰	ستاره سخ
			م	۲۰۰۰	زهره
			ن	۲۰۰۰	ع سفر
			ر	۲۰۰۰	معلم آواره
			ل	۲۲۰۰۰	رفقای بزد
			ل - ل	۱۰۰۰	و
			آش - ف	۱۰۰۰۰	رفیق هنری
			را ننده	۱۰۰۰	خوزه دوب آهن
			بدر رفیق	۱۰۰۰	۸۵۱۵۰
			بدر بختمرگه	۱۰۰۰	انجمن دانشجویان
			شهید	۹۵۰۰	دختر
			مادر بختمرگه	۵۰۰	سرتن از دستان
			فخریه	۲۵۰۰	چنگ زده
			ط - اهدرم	۴۰۰۰	دانشجویان دختر
			با قا	۹۵۰۰	دانش آموز
			م - قارا	۵۰۰	رفقای هوادار بزد
			۷۱۲	۱۰۰۰	دانش آموزان
			۲۲۲	۵۰۰	هوادار
			خزرو سهند هدیه	۲۰۰۰	معلم هوادار
			برای کردستان رسید	۲۰۰۰	آوارگان هوادار
			شهر:	۵۰۰	کریم کارگر هوادار
			ا	۱۲۰۰۰	۱۰۰۰۰
			ن - ع	۲۵۰۰	۱۰۰۰۰
			ب - ب	۲۴۵۰۰	۲۰۰۰
			مژگان	۵۰۰	۱۰۰۰۰
			بهرنگ	۵۰۰	۲۲۰۰
			ن	۲۰۰۰	۵۰۰
			و	۲۰۰۰	۲۰۰۰

بقیه از صفحه ۱  
رژیم  
کرده و بیش از ۶۰۰ خانه را ویران کرده و بیش از ۱۳ نفر از زحمتکشان را دستگیر نمودند. فردهای آنروز زحمتکشان به راهیمائی پرداخته و در جاده قدیم تهران - کرج به متوقف ساختن اتومبیلها و افشای رژیم خائن جمهوری اسلامی دست زدند. پاسداران باش ماشین به محل آمده اما موفق نمیشوند آنان را پراکنده کنند. بدنیال آن چند نبوی ارتشی نیز به کمک پاسداران جهل و سرمایه میا بیند . آری رژیم جمهوری اسلامی یکبار دیگر ثابت کرد که دشمن زحمتکشان است .  
گزارش تفصیلی در شماره آینده

# اولین سالگرد شهادت سرخ دو کمونیست قهرمان



رفیق مهناز معتمدی

دروزندان جمهوری اسلامی - اهواز  
۵۹/۲/۳

یکسال از شهادت سرخ رفیق بیکار رگر - کمونیست مهناز معتمدی میگذرد. رفیق مهناز از رهروان راستین راه‌های زحمتکشان بود که در جریان یورش ارتجاع به دانشگاهها به شهادت رسید. رفیق مهناز زما شین نویسنده شرکت ملی نفت در اهواز بود. رفیق که از میانان وفادار و مبارزهجوی تشکیلات دانشجویان و دانش - آموزان بیکار و بود و همواره در رفقا لیست آگاکارها و افشاکرهای سیاسی سازمان و اهواز را بطور خلاق شرکت میکرد. مهناز زدر جریان تحن طولانی و بیروزمند کارآموزان ما شین نویسنده بیمانی شرکت نفت اهواز در سال ۱۳۵۸ نقش موشروفا ملی بسیده داشت. او که به رنج و استقامت زحمتکشان آگاکار بود، در مبارزه برای نابودی سرمایه‌داری وابسته و با عشق به انقلاب و سوسیالیسم علاوه بر شرکت در فعالیتهای مبارزاتی محیط کار خویش، در بیکار دانشجویان کمونیست و در بیوندا جنبش زحمتکشان فعالان شرکت مینمود. رفیق مهناز در جریان یورش ارتجاع به دانشگاه اهواز دستگیر و همراه با گروهی از دختران کمونیست و انقلابی به کانون کارآموزی روزگان (در جاده مسجد سلیمان) منتقل گردید. در زندان با سدا ران ارتجاع شروع به شکنجه و آزار و تلافی - زدن این دختران قهرمان میکنند. آنها را در سالنی جمع کرده و در کتک ردا و پاره‌ها میزدند و به اطرافشان تیراندازی میکنند. رفیق مهناز به این عمل وحشیانه با سدا ران اعتراض میکند. با سدا ران سرمایه‌موهای رفیق را گرفته و به

وحشیانه ترین و جبری رفیق را زیر ضربات وحشیانه خود قرار میدهند و سپس او را به گوشه دیوار بر سر ت کرده و با شلیک مسلسل رفیق بیکار را که ما را به شهادت میرسانند. ارتجاع و مژورانه شهادت رفیق را در اثر اشتباه و غیر عمدی اعلام نمود اما گواهی پزشکی قانونی روس منباید که رفیق قبلاً مورد شکنجه قرار گرفته و علائم ضرب - دیدگی در کنار او لکن بدیده شده است و نیز رفیق مهناز هنگام اصابت گلوله از ناحیه قفسه صدری سمت راست بدیوار رسیبیده بود. شنگ بر جلادان و مزدوران ارتجاع و بدینگونه رفیق مهناز معتمدی کمونیست قهرمانی بود که در جریان ضدانقلاب فرهنگی که به سر برداری بنی مژور و حیزب جمهوری اسلامی مورت گرفت. حماسه سرخ مقاومت دانشجویان کمونیست و انقلابی را بخون خود سرخ تر کرد. اگر چه هنوز دانشگاهها - ها اسیر بنجه‌های خونین ارتجاع است ولی مبارزه قهرمانانه توده‌ها که با خون سرخ مهنازها عجین گشته است، این سنگ‌های آزادی و مقاومت را خواهد گشود.

با رفیق مهناز معتمدی، بیکار رگر کمونیست جا و بیست‌باد!

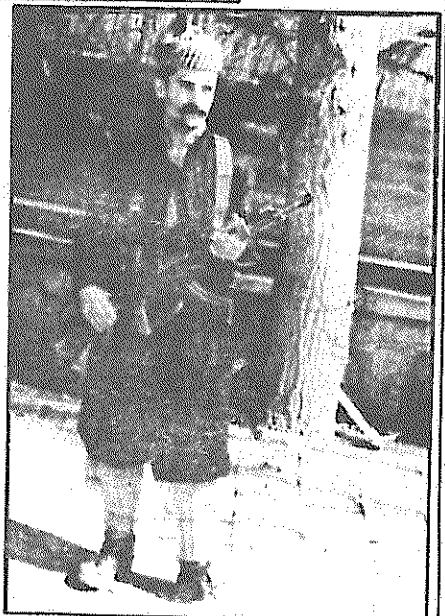


## رفیق پیشمرگه عبدالکریم شربتی

در یورش جمهوری اسلامی به کردستان

۵۹/۲/۶

رفیق عبدالکریم شربتی در سال ۱۳۳۴ در ریانة منولده شد و پس از تحصیل در با نه و تهران به استفاده شرکت مخا برات درآمد. کارگ عبدالکریم در دوره تحصیل کار میکرد و بدین طریق با درد و رنج زحمتکشان آشنا میشد. او با آگاهسی از وضع زندگی زحمتکشان به مسازرات سیاسی کشیده شد و پس از مدتی همکاری با "حزب دمکرات" با پذیرش مئی جریکی به مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه ادا مده داد. در جریان تپام شکو هستند بهمن ۵۷، در کنار مردم قهرمان تهران در تصرف ساواک، با دکان عسرت آبا دوکلانتری شرکت نمود. رفیق عبدالکریم پس از هجوم وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۵۸، به سنج رفت و در کنار خلق قهرمان کردیه مبارزه و مقاومت علیه شیاجم وحشیانه ارتجاع ادا مده داد.



شماره ۲

برگه بازجویی و مورد مجلس

نام خانوادگی	نام	تاریخ	جایگاه	پرونده
		روز ۲۵		

این سند در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۶۰ صادر گردید.

موضوع: ...

توضیحات: ...

امضاء: ...

از متن سند پزشکی قانونی اهواز:

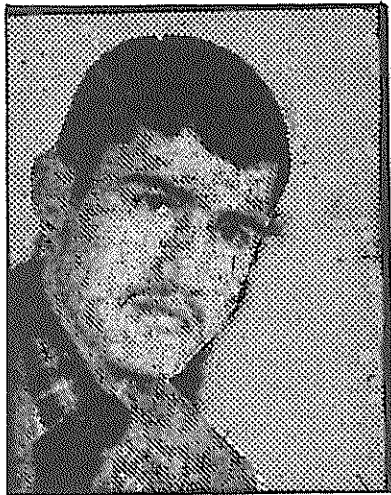
"تا رضی‌بیدگی روی بال لکن سمت راست وجود دارد."

علت فوت: "اصابت گلوله در قفسه صدری و خونریزی ناشی از آن اعلام میگردد و بعد آنکه چگونگی خروجی بصورت سه حفره است، تست که قفسه صدری سمت راست بدیوار رسیده و خروج گلوله را مستقیماً میسنجند." "اثر کبودی روی بال لکن در اثر اصابت جسم سخت به کنار لکن بدیده مده است."

رفیق شربتی در نتیجه آشنائی بیشتر با مبارزات کارگران و زحمتکشان و در اثر آشنائی با نظرات سازمان ما در تابستان ۵۸، به انتقاد کمونیستی از مئی خرده بورژوازی چریکی پرداخته و در پانزدهم شهریور ۵۸، با حوزه سندنجان بیکار در ارتجاع قرار گرفت. مدافعت انقلابی کارآیی و ایمان او به آرمان و لای کارگران سبب شد که رفیق سرعت از سطح اهواز به کاندید عضو ارتجاع یا بد. در فروردین ۵۹، هنگامیکه مردم قهرمان سندنجان برای پیشگیری از حرکت ارتش مزدور در دروازه شهر اجتماع کرده بودند، کارگ کریم ضمن صحبت برای زحمتکشان قهرمان کرد گفت: "ما تا آخرین قطره خونمان خواهیم جنگید و از خلق دلاور کرد دفاع خواهیم نمود." او به گفته خود وفا دار ماند.

رفیق پیشمرگه عبدالکریم شربتی در ششم اردیبهشت ۱۳۵۹ در با کسائی ساختمان استانداری بقیه در صفحه ۴

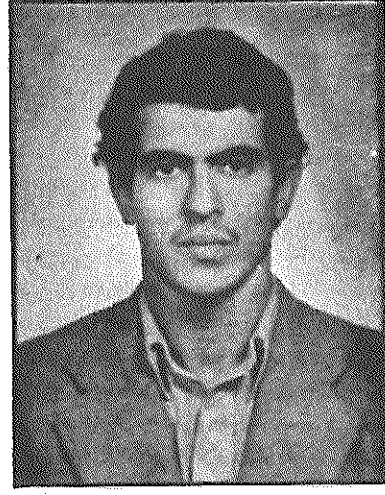
## یاد پرشور رفقای کمونیست شهید گرامی باد!



مهدی موسوی قمی



فاطمه (ظاهره) میرزا جعفر علاف



جمال شریف زاده شیرازی

- - آشنائی با زندگی زحمتکشان در زندگی روزمره خود .
- - از دانشجویان انقلابی دانشگاه صنعتی پیوستن به زندگی مخفی در سال ۵۲ .
- - پذیرش ما رکیسیم - لنینیسم .
- - عضویت در بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق .
- - از رفقای فعال در زمینه تئوریک .
- - شهادت اول اردیبهشت ۵۵ در درگیری با مزدوران رژیم شاه .
- - متولد زنجان .
- - از دانشجویان انقلابی دانشگاه صنعتی .
- - ما رکیسیم لنینیست .
- - عضو فعال بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران .
- - شهادت اول اردیبهشت ۵۵ در درگیری با مزدوران رژیم شاه .
- - آشنائی با زندگی زحمتکشان در زندگی روزمره خود .
- - از زنان انقلابی عضو مجاهدین خلق .
- - پذیرش ما رکیسیم لنینیسم در جریان تحولات درونی سازمان .
- - عضو فعال بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق .
- - شهادت اول اردیبهشت ۵۵ در درگیری با مزدوران رژیم شاه .

آرمان سرخشان جاوید باد!

### یاد کمونیست شهید، رفیق پیکارگر برزو امینی

اطلاع یافتیم که رفیق برزو امینی، از جوانان کمونیست روستای "نوگرون" اصفهان، در اثر تصادف اتوبوس در جاده مسجد سلیمان - اصفهان به شهادت رسیده است.

رفیق برزو از هواداران صدیق سازمان ما و کمونیستی بود که در طول ۲ سال حاکمیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، لحظه ای از پیکار بر علیه آن نایستاد.

رفیق برزو با اینکه "منقضی خدمت ۵۶" بود ولی با اعتقاد به ارتجاعی بودن جنگ کمونیستی، فلاکت های ناشی از آن را برای زحمتکشان افشامیکرد.

در مراسم سوگواری رفیق، مرتجعین و کارگزاران رژیم عوامفریبانه کوشیدند رفیق را از "خود" معرفی کنند و ادعا کردند که وی در "حین رفتن" او طلبانه به جبهه جنگ بر اثر تصادف در گذشته است. اما تبلیغات دروغین رژیم جمهوری اسلامی برای پیمان کردن آرمان سرخ رفیق شهید ما در زحمتکشان ما ناشیری ندارد، آنها شیکه برزورای می شناختند، میداندند که رفیق ما، کمونیست پیکارگری بود که قلبش در راه آزادی طبقه کارگری - طبیب و شما می توان خود را در خدمت انقلاب و پیروزی سوسیالیسم قرار داده بود.

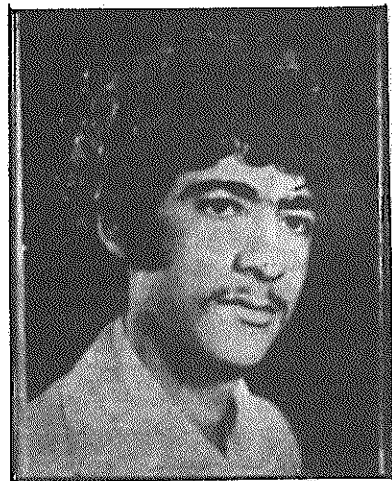
یاد رفیق برزو امینی را گرامی داشته و با اعتقاد را سخ به آرمان سرخ او، راهش را ادامه خواهیم داد.

دروود بر خاطر رفیق کمونیست برزو امینی!

عشق و علاقه ای که به زندگی

ومبارزات زحمتکشان داشت، با آرمان رهائی - بخش طبقه کارگر آشنا گشته و آنرا پذیرفت. او در سال ۵۶ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و سال گذشته به ایران بازگشت. رفیق در مدت کوتاهی که از بازگشتش میگذشت در ارتباط با رفقای هواداران سازمان در شهر قم به فعالیت میآزادتی پرداخت و عملت های توده ای و کمونیستی او از رفیق یک کمونیست صدیق و فعال ساخته بود و بیخاطره میبین خصوصیات انقلابی و توده ای مورد علاقه و احترام توده ها بود. در پی که بیمباری زندگی مبارزاتی او را در صفوف سازمان ماکوتاه کرد. پادش را گرامی میداریم!

### درگذشت یک رفیق کمونیست



رفیق مجید اولیانی از هواداران سازمان ما بود که در اثر بیماری در روز ۱۲ اسفند ۱۳۵۹، در بیمارستان فاطمی قم درگذشت. رفیق مجید در ۱۹ خرداد ۳۲ در قم بدنیا آمد و در همانجا به مدرسه رفت. رفیق در سال ۱۳۵۵ با

## دروود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

### بیرامون جنب و جوش های رژیم برای بازگشایی دانشگاهها

از اوایل سال جدید، ویکسال پس از اقدام ارتجاعی تعطیلی دانشگاهها توسط رژیم، جنب و جوش های درجهت بازگشایی دانشگاهها از جانب رژیم جمهوری اسلامی آغاز گردید. خمینی در پیام نوروزی خود، یکی از بندهای "هنود هایش را به ضرورت بازگشایی دانشگاهها اختصاص داد. در ادامه این جنب و جوشها، آیت الله خمینی در یکی از سخنرانیهای اخیر خود مجدداً برای این امر تکیه نمود و گفت: "من امیدوارم که امسال دانشگاهها آن مقداری که ممکن است باز بشود." (انقلاب اسلامی سه شنبه ۲۵ فروردین) و سرانجام سه روز پس از تظاهرات اعضای ستاد باصلاح انقلاب فرهنگی، یکی از اعضای آن اعلام داشت که دانشکده فنی و پزشکی و کشاورزی دانشگاه تهران باز خواهد شد، چرا رژیم بفریبکاری از دانشگاهها افتاده است؟! آیا رژیم به "اشتباهات" خود در جریان تعطیلی دانشگاهها بی برده که به چنین اقدامی مبادرت میبورد؟ هم آری و هم نه!

علت اقدام جدید رژیم را باید در اهداف و انگیزه های رژیم از تعطیلی دانشگاهها در سال گذشته جستجو نمود. واقعیت این است که در آن زمان دودلیل اساسی، باعث چنین حرکتی از سوی رژیم گردید. اول، تبدیل دانشگاهها به کانون فعال روشنگری و فعالیت دانشجویان انقلابی و بویژه کمونیست و دوم، تویی ارتجاعی رهبران خرده بورژوازی مرفه سستی مبنی بر بازگشت به قرون وسطی و پیوند دادن آن با حوزه های علمیه و بطور کلی تحمیل یک فرهنگ وروابط عقب مانده و ارتجاعی و بازمانده از قرون تاریک گذشته برواقعیت های یک جامعه سرمایه داری و

## یادداشت های سیاسی هفته

دانشگاهها همشاید یکی از بندهای کنونی آن، این دو انگیزه رژیم را به حرکتی گفاند که بی آمد آن کشتاردهها دانشجوی انقلابی و کمونیست و تعطیل شدن دانشگاهها این مرکز آگاهی و روشنگری بود. اگر انگیزه اول دو جناح رژیم، لیبرالها و جناح حزب و خمینی را به وحدت با یکدیگر برسر تعطیلی دانشگاهها کشانید، انگیزه دوم، درست نقطه اختلاف وجدانشی آنها بود. لیبرالها، بوسه سرکوب نیروهای انقلابی در دانشگاهها و "پاکسازی" آن از وجود دانشجویان مبارز و آگاهها حزب جمهوری اسلامی وحدت کامل داشت. و درست به همین دلیل بود که بنی صدر، پس از پایان مقاومت قهرمانان دانشجویان در برابر این اقدام ارتجاعی و تسلط، ابردا نگاه، در سخنرانی خود در آن روز بیادماندنی حساسه و مقامات دست انداز دانشجویان، اعلام کرد که "امروز روز استقرار حاکمیت دولت است." (نقل به معنی از سخنرانی بنی صدر در دانشگاه در سال گذشته)، اما لیبرالها خواهان آن بودند که پس از این "پاکسازی" و سرکوب، دانشگاهها به محلی برای پرورش کادرها و نیازهای انسانی و تخصصی رژیم سرمایه داری وابسته تبدیل گردند. آنها دانشگاهها را همشاید نهادهای برای ضرورت های سرمایه داری نیاز داشتند. و درست از همین زاویه بود که با تویی های ارتجاعی امثال خمینی در تظاهرات دیدند. سردمداران حزب و خرده بورژوازی مرفه سنتی مرفه نظراً از انگیزه اول همچنین با شعار برتری "ایمان" و "مکتب" بر "تخصص" و با هدف تبدیل دانشگاهها به محل پرورش "مومنان" تسبیح بدستی که تنها با دستها به سواد "مکتبی" خود قادر به بقیه در صفحه ۶

## فراخوان کمک های مالی جهت افزایش تیراژ پیکار

رفقا، اعضا، هواداران!

هما نظور که بارها توضیح داده ایم، امر تبلیغ یکی از مهمترین و اساسی ترین وظایف کمونیستها، بویژه در شرایط اعتلا کنونی جنبش توده ای است. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با در اختیار داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی علیه کمونیستها و آرمان والای آنها لجن پراکنی کرده و بطور گسترده ای دست به عوام فریبی و تحمیل توده ها میزند، در شرایطی که روی بنویست های خائن، این نوکران بورژوازی، بشکلی گسترده و فعال میکوشند تا توده ها را وارد به تسلیم در برابر بورژوازی نمایند، در شرایطی که توده های وسیع طبقه کارگر و زحمتکشان ما در اکثریت خود از آگاهی طبقاتی برخوردار نبوده و نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی دچار توهم و خوشبختی هستند، در شرایطی که ناراضگی توده های زحمتکش نسبت به وضعیت زندگی و شرایط سیاسی احکام در حال افزایش و گسترش است و مبارزات آنها علیه سرمایه داران و رژیم سیاسی موجود در حال توسعه و اعتلا فزاینده است، نقش تبلیغ سوسیالیستی و سکرانیکه بیش از هر موقع دیگری توسط کمونیستها برجسته تر میشود این مسئله تا آنجا که به سازمان بر میگردد با نگاه حمایتها و کمکهای شما تاکنون کوشیده ایم در چهارچوب امکانات و مقدرات خود به این وظیفه مهم پاسخ گوئیم. نشریه پیکار که هم اکنون صدمین شماره آن در اختیار شماست، یکی از ابزارها و وسایل تبلیغی سازمان و بدون تردید مهمترین آن بوده و هست. ما در طول این دو سال سعی کرده ایم، این نشریه را علیرغم تمام مشکلات، وکالت و کاستیها و تا آنجا که در توان داریم هر چه گسترده تر و سریعتر بدست کارگران، زحمتکشان و توده های آگاه خلق برسانیم. اما واقعیت این است که این کوشش ما همواره با مشکلات و موانع جدی روبرو بوده است برخی از این مشکلات ناشی از محدودیت امکانات مالی و تکنیکی سازمان در این زمینه است که متأسفانه علیرغم کوششهای ما و حمایت و کمکهای مالی ای که از سوی شما بدست ما میرسد و بدلیل گرانسی کاغذ، چاپ و محدودیتهای فراوانی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی در چاپ و انتشار روایفگونه موارد به ما تحمیل میشود، تاکنون نتوانسته ایم با سخگوی نیازهای فزاینده جنبش و ضرورت افزایش تیراژ پیکار رورساندن آن به سریعترین شکل ممکن بدست خوانندگان باشیم.

در رابطه با چنین مشکلی ما تصمیم به ایجاد تحول و دگرگونی ای درجهت بالا بردن قابل بقیه در صفحه ۸

### در صفحات دیگر این شماره:

- ضربه سنگین به پیکار به مزدوران - صفحه ۵
- شکنجه انقلابیون: مایه افتخار جمهوری اسلامی! - صفحه ۷
- چپاول ۷ میلیون تومانی رژیم از دسترنج کارگران - صفحه ۸
- کیانوری مرتد و خیانت جدیدش - صفحه ۲۸
- گرامی باد خاطره شهیدان کمونیست! - صفحه ۲۹

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست